



۲۱/۳/۱

نظریه فقهی هسته‌های توازن فرهنگی

با تطبیق بر برنامه ششم توسعه کشور

محورها:

۱. اشکال نظام برنامه‌ریزی کشور در چیست و چرا در هفتاد سال اخیر موفق نبوده است؟
۲. انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چیست؟
۳. نقطه شروع دولت‌سازی اسلامی کجاست؟
۴. راهکار شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی چیست؟
۵. عدم توازن‌های فرهنگی حاد کشور کدام‌اند؟

شورای راهبردی
الگوی پیشرفت اسلامی
شهریورماه ۱۳۹۴

الله أكبر
الله أكبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیش درآمد؛

برنامه ۵ ساله‌ی ششم را می‌توان یکی از برنامه‌های منحصر به فرد در طول تاریخ برنامه‌ریزی کشور دانست. تحلیل این برنامه چه از بُعد روش و چه از بُعد محتوا موجب بروز مناقشات فراوانی در میان نخبگان انقلاب اسلامی شده است. توجه به چالش‌های موجود در این برنامه قطعاً می‌تواند در اتخاذ تصمیم صحیح در مورد سرنوشت آن اثرگذار باشد. بسته‌ی حاضر که شامل ۱۸ پرسش و پاسخ می‌باشد به بررسی اجمالی برنامه ششم و اشکالات موجود در این برنامه پرداخته است و پس از بررسی اشکالات، راه حلی اثباتی برای رفع عیوب این برنامه ارائه نموده است. به نظر می‌رسد مطالعه این بسته درک عمیق‌تری را از چالش‌های موجود در برنامه ۵ ساله‌ی ششم در ذهن نخبگان، تصمیم‌سازان و مدیران جمهوری اسلامی ایجاد کرده و پیشنهادهای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت جهت رفع چالش‌های فوق را روشن می‌نماید و از این طریق، فرآیند تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت برنامه ششم با دقت و فهم بیشتری طی خواهد شد.

فهرست سؤالات مندرج در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور:

- سؤال اول: چرا برنامه ششم کشور در مجلس نهم تصویب نشد؟ ۱
- سؤال دوم: برنامه ششم کشور دارای چه اشکالاتی است؟ ۵
- سؤال سوم: مهم‌ترین اشکال برنامه ششم توسعه چیست؟ ۱۱
- سؤال چهارم: با توجه به تدوین لایحه الگوی پیشرفت توسط دولت چرا یکی از اشکالات وارد به برنامه ششم عدم محوریت الگوی پیشرفت در تدوین این برنامه است؟ ۱۷
- سؤال پنجم: راهکار حل مشکلات برنامه ششم توسعه و تدوین برنامه‌ای بر مبنای الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ ۲۳
- سؤال ششم: دلیل عدم موفقیت نظام برنامه‌ریزی کشور در طول هفتاد سال اخیر چیست؟ ۲۷
- سؤال هفتم: انتظار انقلاب اسلامی از نظام برنامه‌ریزی چیست؟ (۱) ۳۱
- سؤال هشتم: وضعیت نظریه دولت‌سازی اسلامی در حال حاضر چگونه است؟ ۳۹
- سؤال نهم: انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چیست؟ (۲) ۴۵
- سؤال دهم: فرآیند دولت‌سازی اسلامی و فراهم‌کردن زیرساخت‌های هدایت از کدام نقطه آغاز خواهد شد؟ ۵۳
- سؤال یازدهم: تعریف عدم توازن‌های فرهنگی به عنوان متغیر اصلی دولت‌سازی اسلامی و فراهم‌کردن زیرساخت‌های هدایت چیست؟ ۵۹
- سؤال دوازدهم: چگونه باید عدم توازن‌های فرهنگی را کشف، تبیین و رفع نمود؟ ۶۳
- سؤال سیزدهم: پیوست الگوی پیشرفت اسلامی حاوی چند نظریه از نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است؟ ۶۷
- سؤال چهاردهم: نظریه بنگاه‌های وقف‌محور چه می‌گوید؟ ۷۱
- سؤال پانزدهم: نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز چه می‌گوید؟ ۷۷
- سؤال شانزدهم: نظریه الگوی بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت چه می‌گوید؟ ۸۳
- سؤال هفدهم: نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم چه می‌گوید؟ ۸۹
- سؤال هجدهم: عدم توازن‌های حادث فرهنگی کشور کدام است؟ ۹۷
- ضمائم ۱۰۱

سیر فصل‌های پنج‌گانه پیوست الگوی پیشرفت اسلامی
برای برنامه ششم توسعه

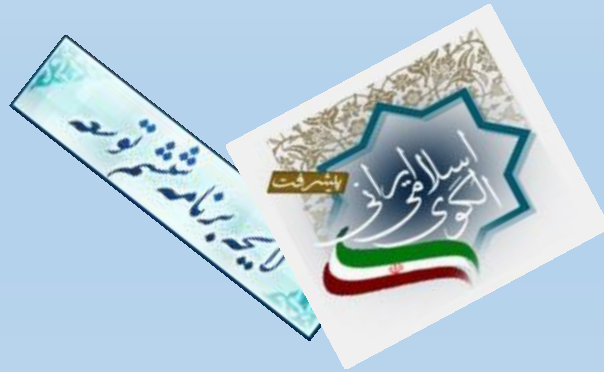


نمودار ساختار محتوایی پیوست الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای برنامه ششم کشور (نمونه‌سازی اول) - کارگردان: پروین شادمانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی / ۲۹ شهریور ۱۳۹۴

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال اول: چرا برنامه ششم کشور در مجلس نهم تصویب نشد؟

خلاصه جواب: وجود اشکالات متعدد در برنامه ششم توسعه؛ دلیل عدم تصویب این برنامه در مجلس نهم



بسم الله الرحمن الرحيم

برنامه ششم توسعه اولین برنامه‌ای است که در طول تاریخ ۷۰ ساله برنامه‌ریزی ایران با چالش‌های جدی مواجه شده و به پذیرش مجلس نهم نرسیده است. اما اشکال کار کجاست و چرا این برنامه به تصویب نرسید؟ حجت‌الاسلام علی کنشوری، دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با برنامه مجله روز رادیو معارف^۱ به تبیین پاسخ این سؤال پرداختند:

در مورد برنامه ششم و فرآیند تصویب آن، اتفاق جالبی رخ داده است و بنده با وجود اینکه به مدت دو دهه تاریخ نظام برنامه‌ریزی ایران و بعضاً دنیا را مطالعه کرده‌ام،^۲ نمونه‌ی این حادثه و اتفاق را ندیده‌ام. آن اتفاق چیست؟ هم فصل برنامه‌ریزی در مورد برنامه ششم طولانی شده است - یعنی قانون، زمانی را برای برنامه ششم در نظر گرفته بود که عملاً برنامه ششم در این زمان تصویب نشد و زمانی طولانی‌تری به آن اختصاص یافت - و هم چالش‌هایی مطرح گردیده است که در طول تاریخ هفتادساله‌ی نظام برنامه‌ریزی ایران^۳ مطرح نشده بود. به عنوان مثال تا به حال هیچگاه این اتفاق رخ نداده است که دولتی برنامه‌ای را بنویسد و مجلس از اساس با این برنامه موافقت نکند ولی وقتی برنامه ششم تقدیم مجلس شورای اسلامی شد این برنامه به قدری عجیب بود - به تعبیر بنده یک نوع بدعت در حوزه برنامه‌ریزی محسوب می‌شد - که نمایندگان مجلس شورای اسلامی ابتدا طرحی را تقدیم مجلس کردند که این طرح، برنامه‌ی پنجم را به مدت یک‌سال تمدید می‌کرد.^۴ قبلاً در زمان برنامه چهارم وقتی می‌خواستیم برنامه پنجم را بنویسیم برنامه چهارم یک‌سال تمدید شد^۵ ولی در آن زمان دولت وقت برنامه پنجم را ننوخته بود و به همین دلیل برنامه چهارم تمدید شد اما در دوره‌ی جدید، دولت برنامه را نوشته است منتهی چون برنامه قابل تفاهم نبود و مشکلات ساختاری و محتوایی عدیده‌ای داشت - ما همه جا گفته‌ایم که برنامه ششم اصلاً توجهی به مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ندارد - نمایندگان مجلس زیر بار این برنامه‌ی پُر از اشکال نرفتند.

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۱۱

۲. مجموعه دوستان ما از اواسط دهه هفتاد شمسی، پژوهش‌های خود درباره اداره کشور و الگوهای اداره کشور را با یک سؤال آغاز کردند. اواسط دهه هفتاد شمسی سؤالی برای ما پیش آمده بود مبنی بر اینکه انقلاب اسلامی در آینده با چه آسیب‌هایی روبرو خواهد شد. پس بنابراین اگر دوستان می‌خواهند نقطه آغاز پژوهش‌های منتهی به تدوین اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را بدانند؛ باید بگوییم که ما بحث‌های علمی خود را از اواسط دهه هفتاد با سؤال آسیب‌شناسی انقلاب آغاز کردیم. حدوداً ۱۵ سال بعد - یعنی در پایان سال ۱۳۹۰ - ذیل نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز - که نظریه مادر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است - اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی تدوین شد. این نقشه راه، حاوی ۱۰۰ بسته‌ی بحثی است که حدود ۲۰ بسته از این مباحث، مربوط به حوزه مبانی نظری است. این مباحث به صورت تئوریک توضیح می‌دهند که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت چیست. یعنی با توجه به اینکه ما بر اساس مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اداره جامعه را هدایت‌بنیان می‌دانیم؛ در این ۲۰ بسته بحث در مورد ابعاد هدایت‌بنیان‌بودن اداره جامعه بحث کرده‌ایم. ۸۰ بسته باقی مانده نیز بر اساس مبنای هدایت نظامات ذهنی - یعنی همان اصلی که در حوزه نظری اثبات کردیم - برای بخش‌های مختلف نظریه‌پردازی کرده‌اند. بنابراین ما در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، با نظریات بخشی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز روبرو می‌شویم.

گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با برنامه بحث روز رادیو ایران ۱۳۹۴/۱۲/۲۶

۳. اولین برنامه توسعه، قبل از انقلاب و در سال ۱۳۲۷ تدوین شد.

۴. به گزارش خبرنگار مجلس گروه سیاسی باشگاه خبرنگاران جوان، نمایندگان در جلسه علنی امروز یکشنبه ۱۶ اسفندماه [۱۳۹۴] با دو فوریت اصلاح ماده ۲۳۵ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه (طرح تمدید برنامه پنجم به مدت یکسال) موافقت کردند.

باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر: ۵۵۲۶۰۹۵

۵. نمایندگان مجلس مقرر کردند کلیه احکام قانون برنامه چهارم توسعه و آخرین تغییرات صریح و ضمنی آن مشروط به عدم مغایرت به احکام قانون بودجه ۸۹ تا تاریخ لازم الاجرا شدن برنامه پنجم تنفیذ شود.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۱۰۴۸۱۷۶۲



به هر حال [قانون تمدید برنامه پنجم] تصویب شد و به تأیید شورای نگهبان رسید و به صورت طبیعی و طبق این قانون باید مجلس دهم تشکیل می‌شد و انتخابات هیأت رئیسه و کمیسیون‌ها و روال‌های مربوط به افتتاحیه‌ی مجلس طی می‌شد تا برنامه ششم در دستور کار مجلس قرار گیرد؛ یعنی باید در مرداد یا شهریور سال ۱۳۹۵ در دستور کار قرار می‌گرفت. ولی با این وجود ناگهان در پایان سال گذشته خبری منتشر شد مبنی بر اینکه برخی از نمایندگان مجلس می‌خواهند برنامه ششم را دوباره بررسی کرده و در دستور کار قرار دهند، کارهای جدی‌ای نیز انجام شد؛ چون بنده از نزدیک با دوستان نماینده به صورت مکرر ارتباط داشتم می‌دانم که تلاش‌های زیادی صورت دادند تا برنامه ششمی که دولت نوشته است را ترمیم کرده و در آن اصلاحات انجام دهند. لذا در روز ۱۴ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۵ کمیسیون تلفیق با امضای جناب آقای مصباحی‌مقدم گزارشی یک‌شوری را منتشر کرد که در واقع آن گزارش، برنامه‌ی ششم جدیدی محسوب می‌شد.^۶ ولی وقتی این برنامه‌ی ششم از طرف کمیسیون تلفیق به هیأت رئیسه ارسال شد اظهارنظرهای مختلفی در مورد آن صورت گرفت؛ برخی گفتند: بررسی می‌شود. مثلاً من به خاطر دارم که آقای مفتّح - سخنگوی کمیسیون تلفیق - مصاحبه کرده و گفتند: مجلس، آماده بررسی برنامه ششم است.^۷ به فاصله چند روز بعد آقای فرهنگی - عضو محترم هیأت رئیسه - مصاحبه کرده و فرمودند: مجلس وقت بررسی این برنامه را ندارد.^۸ چندروز بعد آقای مصری - سخنگوی هیأت رئیسه - مصاحبه کرده و گفتند که بررسی می‌کنیم.^۹ بالاخره آنقدر گفتند "بررسی می‌کنیم و بررسی نمی‌کنیم" و مسأله به قدری داغ شد که برنامه‌ی تیتراژ امشب شبکه‌ی خبر مناظره‌ای با این موضوع برگزار کرد که اصلاً برنامه ششم در مجلس بررسی شود یا نشود.^{۱۰} بالاخره آقای لاریجانی چند هفته‌ی گذشته حرف آخر را زدند و گفتند: مجلس نهم وقت بررسی این برنامه را ندارد. ایشان در آن زمان فرمودند: ما فقط پنج جلسه [در مجلس نهم] زمان داریم و نمی‌توانیم برنامه را بررسی کنیم.^{۱۱} خلاصه تعیین تکلیف برنامه ششم به مجلس بعدی موکول شد و به نظر بنده دعوایی که در مجلس نهم اتفاق افتاد در مجلس دهم نیز رخ می‌دهد.

۶. به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس، گزارش کمیسیون تلفیق برنامه پنج ساله ششم توسعه نهایی شد. این گزارش با امضای غلامرضا مصباحی‌مقدم رئیس کمیسیون تلفیق لایحه برنامه ششم توسعه به هیأت رئیسه خانه ملت ارائه شد و قرار است در صحن علنی پارلمان مورد بررسی قرار گیرد.

خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۵۰۲۱۵۰۰۱۳۱۷

۷. مفتّح در پاسخ به این سوال که آیا احتمال عدم حضور نمایندگان در جلسات پایانی مجلس نهم و نیز فرصت کم یک هفته‌ای مجلس برای بررسی این لایحه آن را به مجلس دهم منتقل می‌کند، گفت: در صورتی که این لایحه در دستور کار قرار گیرد ما آمادگی بررسی آن را در جلسات باقیمانده مجلس فعلی داریم.

خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۱۱۴۹۱۷۷

۸. محمدحسین فرهنگی در گفت‌وگو با خبرنگار پارلمانی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، اظهار کرد: با توجه به اینکه بررسی لایحه برنامه ششم به مدت زمان طولانی نیاز دارد، جمع‌بندی هیئت رئیسه مجلس این است که امکان رسیدگی به این لایحه در مدت زمان محدود باقی مانده از عمر مجلس نهم وجود ندارد.

خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۹۵۰۲۲۱۱۴۴۲۷

۹. عضو هیأت رئیسه مجلس نهم اظهار داشت: علیرغم اینکه در صورت ارایه کامل این لایحه از سوی دولت زمان کافی برای بررسی آن در اختیار مجلس بود باید به این نکته نیز اشاره کرد که در هیچ دوره‌ای کمتر از ۸ ماه به برنامه توسعه رسیدگی نشده است، رسیدگی به برنامه حداقل ۸ ماه بوده چون مهم است و نباید عجله کنیم اما باید تلاش مضاعف کنیم که اگر مقدور باشد در همین مجلس برنامه ششم را جمع بندی کنیم.

جام‌جم آنلاین، کد خبر: ۲۳۴۹۸۰۴۶۶۰۹۷۳۲۴۶۰۱۰

۱۰. برنامه تیتراژ امشب در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۲۲ (گفت‌وگوی حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی‌مقدم با دکتر عباسعلی منصوری آرنای)

۱۱. علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به این تذکر اظهار داشت: اشکالی ندارد! این لایحه را در دستور کار می‌گذاریم اما این را بدانید که دیگر هیچ بحثی را نمی‌توانیم مطرح کنیم درحالی که اکنون ایرادات شورای نگهبان برگشته و ما وقتی برای بررسی آن نداریم. همچنین مواد مراعا مانده لایحه دائمی شدن احکام برنامه از کمیسیون به صحن آمده و باید آنها را هم بررسی کنیم. وی ادامه داد: مشکل کنونی کم بودن فرصت

مشکل اصلی این است که اشکالات برنامه ششم یکی و دو تا نیست؛ برنامه، برنامه عجیبی است و حتی با اسناد بالادستی نیز قابل تطبیق نمی‌باشد. بالاخره ما از حیث قانونی اسناد بالادستی‌ای داریم که باید به قانون تبدیل شوند ولی متأسفانه برنامه ششم، اسناد بالادستی را نیز ملاحظه نکرده است.

همچنین برنامه ششم یک شکل جدید برنامه‌ریزی محسوب می‌شود؛ یعنی ما در طول هفتادسال گذشته یک نوع برنامه‌ریزی می‌کردیم و دولت فعلی گفته است: من می‌خواهم مدل برنامه‌ریزی را از ریشه تغییر بدهم.^{۱۲} پس با یک شکل جدید از برنامه‌ریزی نیز روبرو هستیم که نمایندگان مجلس می‌گویند: این شکل جدید، برخلاف قانون اساسی است.^{۱۳} بنده از نخبگان و مدیران تقاضا می‌کنم که توجه ویژه‌ای به برنامه ششم داشته باشند. اگر ما برنامه ششم را با دقتی مضاعف بررسی نکنیم به نظر بنده ده‌ها حکم خطرناک مانند حکم کنترل جمعیت - که همه ما می‌دانیم چه حکم بدی بود که به اسم توسعه تصویب شد - در دستور کار قرار خواهد گرفت.^{۱۴}

اگر ما بخواهیم به گونه‌ای مدیریت کنیم تا نظام برنامه‌ریزی کشور مانند هفتادسال گذشته مسیر غلط خود را طی نکند و برنامه‌ریزی کشور به یک تراژدی تلخ تبدیل نشود تا وقتی از آن یاد می‌کنیم در ذائقه‌ی ما تلخی باقی بماند؛ باید به سمت طرح پیشنهادهایی بر اساس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت^{۱۵} برویم.

است. ما کلاً سه جلسه دیگر جلسه داریم و می‌خواهیم در این مدت هم ایرادات شورای نگهبان را بررسی کنیم و هم قانون برنامه را در حالی که رسیدگی به برنامه ششم دو هفته زمان می‌برد.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۰۷۵۴۶۸

۱۲. یک معضل دیگری که در برنامه‌نویسی وجود دارد این است که افراد در دولت‌های مختلف ممکن است همدیگر را قبول نداشته باشند و همین وضعیت باعث می‌شود دولت حاکم، برنامه‌ای که دولت قبلی نوشته است را اجرا نکند. حتی ممکن است آنچه امروز شما به عنوان یک آسیب برنامه به آن اشاره می‌کنید، مورد تأیید مسئول بعدی که در جای شما می‌نشیند، نباشد. ما در آسیب‌شناسی، برنامه‌های ۵۰ سال گذشته را بررسی کردیم و به این نتیجه رسیدیم که با این روش برنامه‌نویسی به نتیجه‌ای متفاوتی نمی‌رسیم. روش برنامه‌نویسی باید تغییر کند. آسیب‌شناسی ما هم محدود به یک فرد یا یک دولت نیست، بلکه شیوه برنامه‌ریزی مورد نقد بوده است. اگر اهداف برنامه متناقض باشند، طبیعی است نتایج مطلوبی عاید نمی‌شود. آسیب‌شناسی هم معطوف به شخص و دولت خاصی نیست. ما باید تا جایی که می‌توانیم آسیب‌ها را کم کنیم و این درس گرفتن از گذشتگان است.

شما هم در تدوین برنامه ششم با این معضل مواجه‌اید که باید مسایل بسیاری را با منابع محور اجرایی کنید؟

اشاره کردم که برنامه‌ها قبلاً جامع بودند، ولی برنامه ششم مسأله‌محور است. بحران‌ها و اولویت‌های بخشی و فرابخشی به عنوان موضوعات خاص در آینده شده است. در واقع مسأله‌محور بودن این برنامه، واکنشی طبیعی به همان آسیب‌شناسی برنامه‌های پیشین است.

گفت‌وگوی حمید پورمحمدی (معاون برنامه‌ریزی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) با نشریه برنامه (نشریه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) به نقل از خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۴۰۱۲۶۰۰۰۲۹۴

۱۳. آقایان احمد توکلی، غلامرضا تاجگردون، مهدی کوچک‌زاده، عبدالرضا مصری، غلامرضا مصباحی‌مقدم، اسماعیل کوثری، حسین نجابت، احمد امیرآبادی، حسین حسین‌زاده، الیاس نادران، محمد دهقان و محمدرضا پورابراهیمی از جمله این افراد هستند.

۱۴. احکامی مانند تجاری‌سازی تراریخته‌ها، تسهیل‌سازی مجوزهای فرهنگی، تأسیس شعبه دانشگاه‌های بین‌المللی در ایران و ...

۱۵. الگو هم نقشه‌ی جامع است. وقتی می‌گوئیم الگوی ایرانی-اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع. بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان که در طول این سی‌سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را - هم در زمینه‌ی فرهنگ، هم در زمینه‌ی اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون - انجام دادیم! این به خاطر این است که یک نقشه‌ی جامع وجود نداشته است. این الگو، نقشه‌ی جامع است؛ به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم.

بیانات امام خامنه‌ای (علیه‌السلام) در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹/۰۹/۱۰

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال دوم: برنامه ششم کشور دارای چه اشکالاتی است؟

خلاصه جواب: وجود پنج نوع اشکال در برنامه ششم توسعه از منظر کارشناسان الگوی پیشرفت اسلامی

سؤال ۳



بسم الله الرحمن الرحيم

در مطلب گذشته بیان شد که برنامه ششم توسعه به دلیل اشکالات عدیده به تصویب مجلس نهم نرسید. اما برنامه ششم دارای چه اشکالاتی است؟ از منظر کارشناسان الگوی پیشرفت اسلامی برنامه ششم توسعه کشور دارای ۵ اشکال جدی و مهم است:

اشکال اول:

در یک نگاه کلی برنامه ششم دارای ۴ یا ۵ چالش جدی است، یعنی اگر برنامه‌ای که دولت نوشته است با همین روال تصویب شده، و تغییراتی در آن ایجاد نشود؛ در مقام اجرا با ۵ چالش جدی روبرو خواهد شد. چالش اول، عدم تطابق برنامه‌ی ششم با مفاهیم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است. این، یک سرفصل بحثی است؛ یعنی می‌توان وارد این سرفصل شد و برنامه‌ی ششم را با این نگاه ارزیابی کرد. همانطور که بنده عرض کردم برنامه ششم در مهمترین چالش خود، با مفاهیم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تطابق ندارد. بنده بر روی عبارت مفاهیم الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تأکید دارم؛ زیرا الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت پیش از اینکه یک سند باشد، یک تئوری و نظریه است، یعنی قابل تفاهم می‌باشد و می‌توان در مورد ضرورت آن با همگان صحبت کرد.^۱ دولت مکلف بود تا پایان سال سوم برنامه‌ی پنجم، لایحه‌ی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را برای تصویب به مجلس بفرستد؛^۲ ولی تا الآن که در انتهای برنامه و در سال پنجم برنامه هستیم، هنوز چنین اتفاقی نیفتاده است. ماده‌ی اول برنامه پنجم، دولت را مکلف کرده است که برنامه ششم را بر اساس لایحه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تدوین کند.^۳

اشکال دوم:

سرفصل دومی که می‌توان برنامه ششم را بر اساس آن ارزیابی کرد، بررسی میزان تطابق برنامه ششم با اسناد بالادستی است. خود این مسأله نیز یک بحث تفصیلی است که می‌توان به آن ورود پیدا کرد. عجلتاً باید گفت: سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای برنامه ششم،^۴ یک سند بالادستی برای این برنامه محسوب می‌شود. سیاست‌های جمعیت^۵ - به نوعی - و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی^۶ - به نوعی - از سیاست‌های بالادستی برای برنامه ششم می‌باشند. مجموعه‌ای از اسناد بالادستی وجود دارد و یکی از سرفصل‌های بحثی می‌تواند این باشد که برنامه ششم را از این حیث بررسی کنیم که به چه میزان پشتیبان این اسناد است.^۷

۱. گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با برنامه‌ی "بحث روز" رادیو ایران ۱۳۹۴/۱۲/۱۹

۲. دولت موظف است با همکاری سایر قوا «الگوی توسعه اسلامی - ایرانی» که مستلزم رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. این الگو پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می‌گیرد.

ماده اول برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

۳. گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۴/۱۱/۵

۴. این سیاست‌ها در تاریخ ۹ تیرماه ۱۳۹۴ در ۸۰ بند ابلاغ گردید.

۵. این سیاست‌ها در تاریخ ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ در ۱۴ بند ابلاغ گردید.

۶. این سیاست‌ها در تاریخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۲ در ۲۴ بند ابلاغ گردید.

۷. گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با برنامه "بحث روز" رادیو ایران ۱۳۹۴/۱۲/۱۹



در حالی که مهم‌ترین سند بالادستی لایحه - یعنی سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه ششم - در ماده ۷۰ خود دولت را مکلف به تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم نموده است^۸ ولی در لایحه برنامه ششم هیچ اشاره‌ای به پیوست فرهنگی نشده و تکلیف آن مشخص نگردیده است. همچنین ماده ۷۵ سیاست‌های کلی که مربوط به تحول در آموزش و پرورش است،^۹ مغفول مانده و تنها در بند یک ماده ۱۴^{۱۰} به موضوع خرید خدمات آموزشی از بخش خصوصی اشاره شده است.^{۱۱} به نظر قطعی، این مسأله - خصوصی‌سازی آموزش و پرورش - خلاف قانون اساسی است.^{۱۲} مهم‌تر از این تخلف قانونی‌ای که رخ داده این مسأله است که باید برای تحول در آموزش و پرورش مأموریت‌های مشخصی را تعریف می‌کردیم. رهبری معظم در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ تأکید فرمودند که سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش در برنامه ششم گنجانده شود.^{۱۳} این یک نمونه از نقض سیاست‌های کلی است.

نمونه دیگر عدم تطابق برنامه با اسناد بالادستی، عدم توجه به بحث تحول در علوم انسانی است. ما هر چقدر صدر و ذیل اسنادی که از طرف دولت در اختیارمان هست را بررسی کردیم، هیچ نوع مأموریتی تعریف نشده بود. مثلاً فرض بفرمایید در برنامه ششم نیامده بود که کمک‌هایی شود تا نظام پایان‌نامه‌ها به سمت مسائل بومی حرکت کنند.^{۱۴} به هر حال برنامه ششم راجع به تحول در علوم انسانی نیز ساکت است.

مسأله مهم دیگری که برنامه ششم نسبت به آن سکوت اختیار کرده، مسأله بسیار مهم جمعیت است.^{۱۵} مسأله جمعیت، هم در سیاست‌های ابلاغی رهبری مورد تأکید قرار گرفته^{۱۶} و هم خودش یک مجموعه سیاست‌های مجزایی دارد. طبق نظر قطعی کارشناسان، در حدود دو دهه‌ی آینده با بحران جمعیتی روبرو

۸. ماده ۷۰ سیاست‌های کلی برنامه ششم: اجرای نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور و تهیه‌ی پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم.

۹. ماده ۷۵ سیاست‌های کلی برنامه ششم: اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تأکید بر دوران تحصیلی کودکی و نوجوانی.

۱۰. وزارت آموزش و پرورش مجاز است در جهت ارتقاء کیفیت، عدالت آموزشی و بهره‌وری نسبت به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی اقدام نماید. ارائه خدمات آموزشی در این‌گونه مدارس با استفاده از نیروی انسانی، تجهیزات و امکانات بخش خصوصی و تعاونی و یا با مشارکت در استفاده از امکانات و تجهیزات بخش دولتی و نیروی انسانی خصوصی و تعاونی بر اساس ضوابطی که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، صورت می‌گیرد. آموزش عمومی دولتی در طول سال‌های برنامه ششم رایگان می‌باشد.

بند یکم ماده ۱۴ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

۱۱. سخنرانی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در باشگاه فکر و اندیشه انقلاب اسلامی شهر مقدس مشهد ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

۱۲. خصوصی‌سازی آموزش و پرورش با اصل ۳۰ قانون اساسی در تعارض است.

اصل ۳۰ قانون اساسی: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

۱۳. یک موضوع دیگری که در این مسأله‌ی سند مهم است که وزیر محترم هم خوشبختانه امروز اشاره کردند، ظرفیت برنامه ششم است. الان سیاست‌های برنامه ششم در حال تدوین است، بعد هم خود برنامه را تدوین می‌کنند، تصویب می‌کنند، اجرا می‌کنند. در ضمن این برنامه و در ذیل این برنامه، مسأله‌ی آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین باید حتماً دیده بشود تا بدانیم ما در سال ۱۴۰۴ چه خواهیم داشت در آموزش و پرورش.

بیانات امام‌خامنه‌ای علیه‌السلام در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان کشور ۱۳۹۴/۰۲/۱۶

۱۴. اما متأسفانه پایان‌نامه‌های کشور دچار آفت ترجمه‌گرایی بوده و به مسائل بومی کشور توجهی ندارند.

۱۵. وی با اشاره به اینکه اجرای یک مرحله‌ای طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده در صورت تصویب نهایی در مجلس امکان‌پذیر نیست، تصریح کرد: اجرای سیاست‌های جمعیتی باید به صورت پلکانی بوده و ارائه تسهیلات برای افزایش جمعیت نیز باید به صورت پلکانی باشد؛ بنابراین باید با توجه به شرایط اعتباری این طرح را در چند مرحله اجرا کرد، بنابراین حذف آن از برنامه ششم توسعه اقدام قابل قبولی از سوی دولت نبوده و مسئولان ذی ربط باید با اختصاص یک ردیف بودجه اختصاصی و منابع درآمدی پایدار در اجرای سیاست‌های کلی جمعیت طبق تأکیدات مقام معظم رهبری حرکت کنند.

گفت‌وگوی عباس صلاحی (نماینده مردم تفرش، آشتیان و فراهان) با خبرگزاری خانه ملت، کد خبر: ۲۹۳۱۲۹

۱۶. بند ۴۵ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت.

خواهیم شد^{۱۷} و مسأله بحران جمعیتی، علاوه بر اینکه هویت اسلامی ما را به چالش می‌کشد به مسأله اقتصاد نیز آسیب می‌زند؛ به این معنا که ما در حدود دو دهه آینده نیروی کار جوان نخواهیم داشت. با این وجود با تلخی مشاهده می‌کنیم که سیاست‌های جمعیت - با اینکه چهار یا پنج سال بر روی آنها گفت‌وگو شده بود - در برنامه ششم مسکوت مانده است.^{۱۸}

اشکال سوم:

از آنجا که سازمان برنامه معتقد است برنامه‌نویسی مرسوم در دنیا منسوخ شده، لایحه برنامه ششم را متفاوت از ۱۰ برنامه‌ی قبلی توسعه ارائه داده و عنوان آن را هم به احکام مورد نیاز اجرای برنامه تغییر داده است. اشکال اینگونه برنامه‌نویسی آن است که دست مجلس برای نظارت بسته می‌شود^{۱۹} و مجلس را مقطوع‌الید می‌کند.^{۲۰}

اشکال چهارم:

زاویه دید چهارمی که می‌توان به برنامه ششم کشور داشت، این است که ما به مجموعه اشکالات سه‌گانه‌ای که الآن عرض کردم کاری نداشته باشیم و خود برنامه ششم را از حیث انسجام درونی بحث کنیم؛ آیا این برنامه، منسجم است یا نه؟ اجازه دهید مثالی بزنم؛ به عنوان مثال برنامه ششم یک سری از مسائل مانند صندوق‌های بازنشستگی^{۲۱} و آب و هوا^{۲۲} - که در حال تبدیل شدن به بحران هستند - را به مسأله تبدیل کرده

۱۷. محمد اسماعیل مطلق بعد از ظهر دوشنبه در همایش تبیین سیاست‌های کلی جمعیت مبتنی بر سلامت مادر و کودک در یاسوج افزود: در دهه ۶۰ میزان نرخ باروری در کشور حدود ۶،۴ درصد بود که با سیاست‌های کنترل جمعیتی این میزان باید تا سال ۹۰ به حدود چهار می‌رسید. وی بیان کرد: این در حالی است که از سال ۷۱ نرخ باروری در کشور به رقم کمتر از ۳،۶ درصد رسید و از آن زمان تاکنون نیز میزان کاهش نرخ جمعیت و باروری با شتاب چشمگیری اتفاق افتاده که در صورت ادامه این روند نرخ رشد جمعیت در کشور به صفر و حتی منفی خواهد شد. مطلق با اشاره به افزایش شش ساله میانگین سن ازدواج در کشور طی یک دوره ۴۵ ساله در کشور، گفت: در برخی استان‌ها همچون گیلان، مازندران، تهران و اصفهان سن ازدواج بیش از ۱۰ سال افزایش یافته است. وی تصریح کرد: در صورت ادامه روند شتاب افزایش سن ازدواج در کشور تا سال ۱۴۳۰ نرخ رشد جمعیت به صفر خواهد رسید و کشور نیز با بحران کمبود جمعیت مواجه می‌شود.

مدیرکل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت در همایش تبیین سیاست‌های کلی جمعیت مبتنی بر سلامت مادر و کودک - خبرگزاری مهر، کد خبر: ۲۹۷۶۹۰۹

۱۸. گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با برنامه رهیافت رادیو اقتصاد ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

۱۹. عضو کمیسیون تلفیق برنامه ششم توسعه مجلس شورای اسلامی نیز در ارتباط تلفنی با این برنامه با بیان اینکه هیچ نماینده‌ای برنامه ششم را ندیده است، گفت: این اقدام دولت بدعت و کار جدیدی است و دولت می‌خواهد در حالی که نمایندگان برنامه را ندیده‌اند لایحه اجرای احکام آن را تصویب کنند. احمد توکلی افزود: این نخستین بار است که چنین می‌شود و این امر با آئین‌نامه داخلی مجلس و قانون برنامه و بودجه مغایر و ناسازگار است.

وی تصریح کرد: طبق قانون مجلس باید برنامه توسعه را بررسی و تصویب کند و سپس آن را برای اجرا به دولت بدهد. عضو کمیسیون تلفیق برنامه ششم توسعه توضیح داد: دولت برنامه ششم توسعه را بر اساس اصل ۱۳۴ قانون اساسی که ناظر بر اجرای قوانین و دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌هاست تنظیم کرده در حالی که برنامه‌های توسعه‌ای بر اساس اصل ۴۳ قانون اساسی باید تدوین و به مجلس تقدیم شود. توکلی افزود: دولت لایحه اجرای احکام مورد نیاز برنامه ششم توسعه را نه برای تصویب که برای صرفاً مطالعه به مجلس داده است. این عضو کمیسیون تلفیق برنامه ششم توسعه با تأکید بر اینکه دولت باید اصل لایحه برنامه ششم را به مجلس تقدیم کند، اضافه کرد: این رفتار دولت غیرقانونی است و کمیسیون نمی‌تواند صرفاً لایحه اجرای احکام برنامه ششم را بررسی کند.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۹۸۲۸۳۵

۲۰. سخنرانی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در باشگاه فکر و اندیشه انقلاب اسلامی شهر مقدس مشهد ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

۲۱. به دولت اجازه داده می‌شود در حدود اعتبارات هزینه‌ای سالانه نسبت به تعیین ضریب حقوق کارکنان دولت اعم از مشمولین و غیرمشمولین قانون مدیریت خدمات کشوری اقدام کند و بر اساس پیشنهاد سازمان، برای ایجاد تناسب در حقوق و مزایای کارمندان دستگاه‌های اجرایی و حقوق و مستمری بازنشستگان کشوری و لشکری، نسبت به وضع مقررات لازم و افزایش جداول فصل دهم این قانون تا میزان ۵۰٪ اقدام نماید.

بند شماره ۵ از ماده ۷ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

۲۲. عوارض موضوع تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده در خصوص واحدهای آلاینده مستقر در هر شهرستان به نسبت تأثیرگذاری (شدت) آلاینده‌گی و جمعیت شهرها و روستاهای متأثر، با نظر کمیته برنامه ریزی هر شهرستان بین شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و فرمانداری‌های هر



است. پس در برنامه ششم یک سری از مسائل که منشأ بحران می‌باشند، موضوع برنامه‌ریزی قرار گرفته‌اند.^{۲۳} ولی من تعجب می‌کنم که چرا دولت محترم و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، طلاق ۳۸ درصدی شهر تهران^{۲۴} را بحران تلقی نکرده‌اند؟! یعنی اگر قرار است یکی از سرفصل‌های برنامه‌ی ششم رسیدگی به بحران‌ها باشد؛ باید بدانیم که به اعتراف تمام کارشناسان حوزه اجتماعی، حتماً مسأله طلاق، در تهران - که آمار آن در سال ۹۳، ۳۸ درصد است - یک بحران است و نمی‌توان به آن نگاه عادی داشت. لذا عدم پایبندی برنامه ششم به مفاهیم خود نیز یک سرفصل بحثی است.^{۲۵}

به عنوان مثال در حالی که در ماده ۱۹ [لایحه برنامه ششم] بحث تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی مطرح شده ولی برای تحقق این هدف سه راهکار در لایحه پیشنهاد شده است که یکی از آنها، پرداخت حق پخش

شهرستان (برای روستاهای فاقد دهیاری)، توزیع می‌شود، تا در راستای ارتقاء و بهبود محیط زیست و رفع، کاهش یا جلوگیری از عوامل آلاینده‌ی و تخریب محیط زیست، ارائه و بهبود خدمات بهداشتی و درمانی، ایجاد و توسعه زیرساخت‌های شهری و روستایی، توسعه و نگهداری فضاها و کمربندهای سبز و ورزشی هزینه شود.

بند ج از بند شماره ۲ از ماده ۱ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

به منظور مقابله با بحران کم‌آبی و رهاسازی حقابه‌های زیست محیطی برای پایداری سرزمین و تولید پایدار در بخش کشاورزی، تعادل بخشی به سفره‌های زیرزمینی و همچنین کاهش مصرف سالانه آب به میزان ۱۱ میلیارد مترمکعب تا پایان برنامه اقدامات زیر انجام می‌گیرد:
الف) افزایش عملکرد در واحد سطح و عدم توسعه سطح کل زیرکشت، به کارگیری ارقام و گونه‌های مقاوم به خشکی و شوری، رعایت الگوی کشت مناسب با منطقه.

ب) ارتقاء شاخص بهره‌وری آب کشاورزی با توسعه روش‌های نوین آبیاری حداقل به میزان سالانه ۴۰۰ هزار هکتار با پرداخت تا ۸۵ درصد هزینه اجرای عملیات به عنوان کمک دولت به صورت بلاعوض، اعمال مدیریت تقاضای مصرف آب با مشارکت ذی‌نفعان در حوضه‌های آبریز، تحویل حجمی آب در زمان و مکان مورد نیاز.

ج) اقدام برای احیاء و تقویت منابع آب‌های زیرزمینی با اجرای روش‌های مناسب تعادل بخشی، تغذیه مصنوعی، پخش سیلاب، آبخیزداری و آبخوان داری، مسلوب المنفعه نمودن چاه‌های فاقد پروانه بهره‌برداری و نصب کنتور هوشمند حجمی آب و برق بر روی چاه‌های دارای پروانه بهره‌برداری
د) ارائه حمایت‌های لازم برای توسعه گلخانه‌ها و انتقال کشت محصولاتی که قابلیت انتقال از فضای باز به گلخانه را دارند و اعمال محدودیت و یا ممنوعیت کشت این محصولات حسب مورد با توجه به ظرفیت‌های ایجاد شده گلخانه‌ای

ه) اعمال مدیریت جهت جلوگیری، عدم پرداخت هرگونه یارانه و حمایت مالی محصولاتی که بر خلاف الگوی کشت، تولید می‌شوند.
آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد سازمان و وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

۲. وزارت نیرو مکلف است در راستای حفاظت کمی و کیفی منابع آب و تعیین قیمت تمام‌شده‌ی آن، ضوابط قیمت‌گذاری و بهای آب مصرفی بهره‌برداران متخلف اعم از صنعتی، خدماتی و کشاورزی را با لحاظ نمودن ارزش اقتصادی آب، نحوه استحصال آب و با رعایت ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی در تمامی بخش‌های مصرف و ضوابط اخذ جریمه مشترکین پرمصرف در ازای مصارف مازاد بر الگوی مصرف برای کاربری خانگی و غیرخانگی را ظرف مدت ۶ ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب شورای اقتصاد رسانده و اجرایی نماید.

ماده شماره ۱۰ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

۲۳. وی با بیان این که برنامه ششم توسعه براساس تجارب ۱۱ برنامه قبلی تدوین شده است گفت: یکی از آسیب‌های برنامه‌های قبلی این بود که قرار می‌شد در یک دوره ۵ یا ۷ ساله همه مسائل کشور مورد بررسی و برنامه‌ریزی قرار گیرد اما ما سعی کردیم موضوعات و محورهای مشخصی را در برنامه ششم مورد بررسی قرار دهیم. وی با بیان اینکه ۲۵ موضوع و ۴۵ محور در طول برنامه ششم بررسی و اجرایی خواهد شد گفت: چند موضوع به عنوان برنامه‌های اصلی مورد توجه بیشتر قرار خواهد گرفت. معاون رئیس جمهور گفت: برنامه ششم یک برنامه جامع‌نگر و مسأله محور است که به موضوعات خاصی می‌نگرد. سخنگوی دولت افزود: علاوه بر این طی ۵ سال آینده موضوعاتی نظیر آب، محیط زیست و صندوقهای بازنشستگی که اگر به آنها توجه نشود ممکن است به بحران تبدیل شود به صورت جدی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

وبسایت شبکه خبر، کد خبر: ۱۵۲۱۸۶

۲۴. مشاور وزیر دادگستری با اشاره به افزایش ۸ درصدی طلاق در ۹ ماهه سال ۹۴ نسبت به سال گذشته گفت: از هر ۱۰۰ ازدواج در تهران ۳۸ مورد به طلاق می‌انجامد.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۳۰۳۷۶۴۷

۲۵. گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با برنامه بحث روز رادیو ایران ۱۳۹۴/۱۲/۱۹



مسابقات ورزشی است.^{۲۶} همچنین در بحث تحکیم خانواده، عدالت جنسیتی را مطرح کرده است^{۲۷} که این هدف، یکی از شعارهای فمینیستی است و نسبت گسترش عدالت جنسیتی با تقویت خانواده مشخص نیست.^{۲۸}

اشکال پنجم:

سرفصل آخری که ما بر اساس آن وارد نقد برنامه ششم شده‌ایم، این است که نشان داده‌ایم برنامه ششم، مسیر نفوذ را در کشور قانونی می‌کند.^{۲۹} در این رابطه چهار نوع نفوذ را می‌توان تصویر کرد؛ نفوذ اول، نفوذ فکری و فرهنگی است. نفوذ دوم سیاسی، نفوذ سوم اقتصادی و نفوذ چهارم امنیتی است.^{۳۰} با توجه به اهمیت بحث قانونی شدن نفوذ در برنامه ششم توسعه در سؤالی جداگانه به این بحث پرداخته می‌شود.

۲۶. سهم و نحوه پرداخت حق پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی، طبق آیین‌نامه ای که توسط سازمان و وزارت ورزش و جوانان تهیه و تا پایان سال اول برنامه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، تعیین می‌شود.

بند سوم ماده ۱۹ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

۲۷. به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم، بیستم و یکم قانون اساسی، اهداف سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه ششم مبنی بر "تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوقی شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان" و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار تصمیمات خود را در آن چارچوب، براساس شاخص‌های ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده اقدام نمایند.

ماده ۲۶ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

۲۸. سخنرانی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در باشگاه فکر و اندیشه انقلاب اسلامی شهر مقدس مشهد ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

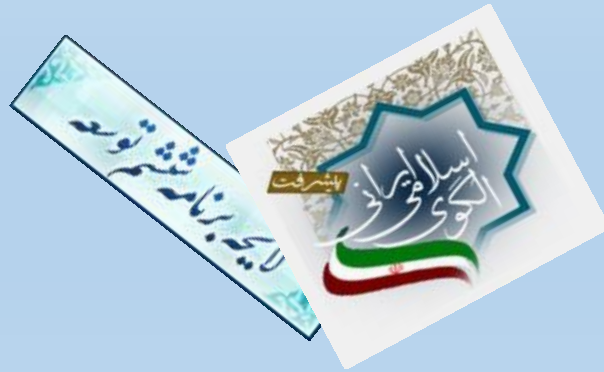
۲۹. گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با برنامه بحث روز رادیو ایران ۱۳۹۴/۱۲/۱۹

۳۰. سخنرانی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم در دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً‌انخبگان، عمدتاً‌افراد مؤثر، عمدتاً‌تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال سوم: مهم‌ترین اشکال برنامه ششم توسعه چیست؟

خلاصه جواب: قانونی شدن نفوذ؛ مهم‌ترین اشکال برنامه ششم

سؤال ۳



بسم الله الرحمن الرحيم

از منظر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی مهمترین اشکال برنامه ششم توسعه کشور، قانونی کردن نفوذ است. دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در نشست دانشگاه امام صادق علیه السلام^۱ به تبیین این نفوذ و عرصه‌های چهارگانه‌ی آن پرداختند:

نگرانی‌های ما پیرامون برنامه‌ی ششم فراوان است و گزارش همه نگرانی‌ها در یک جلسه امکان ندارد ولی مهم‌ترین نگرانی ما پیرامون برنامه‌ی ششم - که در جاهای دیگر این مسأله را بیان کرده‌ایم - این است که برنامه ششم کشور نفوذ را قانونی می‌کند. در این رابطه چهار نوع نفوذ را می‌توان تصویر کرد؛ نفوذ اول، نفوذ فکری و فرهنگی است. نفوذ دوم سیاسی، نفوذ سوم اقتصادی و نفوذ چهارم امنیتی است.

از نفوذ امنیتی شروع می‌کنم. مهم‌ترین مصداق نفوذ امنیتی، مسأله‌ی تراریخته‌هاست.^۲ کارشناسانی که در حوزه تراریخته‌ها بحث می‌کنند راجع به مسأله تراریخته‌ها سه زاویه‌ی دید دارند؛ عده‌ای می‌گویند بیایید بحث کنیم که آیا تراریخته‌ها را خودمان در داخل تولید نماییم یا وارد کنیم؟ آیا محصولات مونسانتو (Monsanto)^۳ یا راکفلر (Rockefeller)^۴ را وارد کنیم یا خودمان در کشور کشت کنیم؟^۵ این یک زاویه دید است. کارشناسان دیگری در کشور می‌گویند: دوگانه‌ی صحیح در حوزه‌ی تراریخته‌ها این است که ما بگوییم: آیا تراریخته مصرف کنیم یا محصولات ارگانیک (Organic)^۶؟ ولی ما در مباحث پیوست الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت ضمن نقد دیدگاه اول و پذیرش دیدگاه دوم با نرمش قهرمانانه، یک سؤال جدید مطرح کرده‌ایم؛ آیا اساساً تراریخته‌ها سلاح محسوب می‌شوند یا غذا؟ ما این نگاه را مطرح کرده‌ایم. جناب آقای ظریف زمانی که در سازمان ملل پیرامون مسأله‌ی کنوانسیون زیستی مذاکره می‌کردند، در اثنای مذاکرات و بعد از مذاکرات نامه‌ای به دولت وقت فرستادند. ایشان در آنجا می‌گویند مسأله تراریخته‌ها، سلاح

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

۲. گیاه تراریخته به گیاهی اطلاق می‌شود که ساختار ژنتیکی آن از طریق مهندسی ژنتیک تغییر یافته باشد. این تغییر معمولاً جهت بهبود مقاومت گیاه به برخی آفات یا بیماری‌های گیاهی و برای بهبود عملکرد گیاه و بهره‌وری کشاورز صورت می‌گیرد.

۳. مونسانتو، شرکت عمومی آمریکایی و چندملیتی صنایع کشاورزی و بیوتکنولوژی است، که دفتر مرکزی آن در شهر کرو کور، میزوری قرار دارد.

۴. بنیاد راکفلر، یک نهاد خصوصی و مدعی فعالیت‌های بشردوستانه است که ساختمان مرکزی آن در خیابان پنجم منهتن در شهر نیویورک قرار دارد.

۵. به عنوان مثال:

قره‌یاضی افزود: برای نخستین بار کشور بر روی واردات محصولات تراریخته نظارت می‌کند و بر روی آن برچسب می‌زند و از طرف دیگر توصیه بر تولید ملی این محصولات دارد. وی اضافه کرد: اینجا باید دید واردات این محصولات به نفع چه کسانی است که تمایلی به تولید ملی این محصولات ندارند. در ادامه سیدی با بیان اینکه این مغلطه است که واردات را با تولید در هم بیامیزیم، گفت: اگر ثابت شود این گیاهان سالم است باید تولید شوند اما باید بدانیم وقتی گیاه تراریخته را کشت می‌کنیم خاک و آب و هوا در معرض آن قرار می‌گیرد و بر روی محیط زیست اثر می‌گذارند. وی افزود: واردات، تحت کنترل است و وزارت بهداشت هم بر روی آن نظارت دارد. سیدی اضافه کرد: باید با آزمایشات و بررسی‌های لازم به این اطمینان برسیم که محصولات تراریخته ضرری ندارد و سپس آن را تولید کنیم.

گفت‌وگوی دکتر بهزاد قره‌یاضی با دکتر سیدمهدی سیدی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری به نقل از خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۱۱۳۲۸۰۵

۶. دیناروند در پاسخ به سؤالی در مورد اینکه محصولات تراریخته بهتر است یا محصولات ارگانیک، گفت: واضح است که محصولات ارگانیک خیلی بهتر از محصولات تراریخته است. وی افزود: در محصولات ارگانیک نه تنها سمی به کار نمی‌رود، بلکه دستکاری ژنتیک هم روی آن صورت نمی‌گیرد.

گفت‌وگوی رئیس سازمان غذا و دارو با خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۱۰۸۱۴۵۶



کشتار جمعی است.^۷ شرکت مونسانتو یک شرکت همکار با سازمان سیا (CIA) است و در دنیا کارهای امنیتی انجام می‌دهد.^۸ اصلاً تعریف شرکت، تعریف امنیتی است و جایزه جهانی غذا ذیل طراحی‌های امنیتی در دنیا شکل گرفته که بعضی به اشتباه فکر می‌کنند جایزه جهانی غذا را فائو تعریف کرده است.^۹ کدهای دیگری نیز وجود دارد که در جلسات مفصل راجع به آنها صحبت می‌کنم. لذا به نظر ما اگر مسأله تراریخته‌ها را با نگاه سوم بررسی کنیم شواهد قابل توجهی به دست می‌آید که این شواهد، احتمال استفاده از محصولات تراریخته به عنوان سلاح توسط دستگاه‌های استخباری را تقویت می‌کنند. لذا این امر یک نفوذ امنیتی محسوب می‌شود و در سابقه‌ی کشور ایران این مطلب به وضوح وجود دارد که استخبار، اهل چنین کارهایی است. بنده در ایام تعطیلات نوروز توفیق یافتیم و اوضاع استان کردستان در زمان جنگ جهانی را بررسی کردم. در زمان جنگ جهانی یک اتفاق و یک توافق نانوخته - یا شاید نوشته شده است و ما بی‌خبر هستیم - بین انگلستان، روسیه و برخی از خوانین داخلی اتفاق افتاد که حاصل آن، کشته‌شدن ۱۰ میلیون ایرانی بود.^{۱۰} استخبار در سابقه‌ی خود نشان داد که اهل چنین کشتارهای جمعی‌ای است. این امر را، هم نسبت به کشور ایران و هم نسبت به کشورهای دیگر مانند ژاپن و ویتنام انجام داده است.^{۱۱} پس بنابر شهادت تاریخ، استخبار در حال حاضر انگیزه‌ی این کار را نیز دارد. شواهدی که در بحث‌ها بیان کردم و شواهد دیگر به ما نشان می‌دهد که می‌توانیم این گزینه را جدی بگیریم که تراریخته‌ها اساساً سلاح محسوب می‌شوند؛ به هر حال امکان دارد بعضی از محصولات تراریخته فایده داشته باشند اما شواهد جدی‌ای وجود دارد که این محصولات، سلاح هستند.

۷. ... این امکان وجود خواهد داشت که حتی به صورت سلاح مورد بهره‌برداری قرار گرفته و یا با استفاده از ژن‌های خاصی حالات جسمی، روانی انسان‌ها را تغییر داده و محیط زیست را به نابودی بکشانند. فرضاً با نصب ژن عقیمی بر روی گندم، تولیدکنندگان آن قادرند نسلی از یک کشور را عقیم ساخته یا با پیوند ژنتیک ژن‌های مولد اخلاق پست نظیر درنده‌خوبی کوسه‌ها یا صفات رذیله خوک‌ها بر محصولات کشاورزی می‌توانند آن را به گروهی از انسان‌های کشور هدف خود منتقل سازند.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۹۸۲۴۹۴

۸. دانه‌های اصلاح شده ژنتیکی تبدیل به سلاح‌های کشتار جمعی شده‌اند. مقامات دولتی به منظور "توسعه کشاورزی" به وسیله مهندسی ژنتیک "اژانس توسعه بین‌المللی آمریکا" و شرکت مونسانتو را دعوت به همکاری کرده‌اند و با این جهالت خود باعث نابودی دام‌ها و انسان‌های کشور خود خواهند شد. آلودگی که به اکوسیستم کشورها وارد شده است برای همیشه باقی خواهد ماند. "مونسانتو" ارتباط بسیار نزدیکی با "وزارت دفاع آمریکا" دارد (وزارت‌خانه‌ای در حقیقت باید وزارت جنگ نامیده شود) و "اژانس توسعه بین‌المللی آمریکا" نیز بخشی از وزارت دفاع این کشور محسوب می‌شود. دکتر "راجیو شاه"، رئیس کنونی این اژانس، در گذشته از رهبران "بنیاد بیل و ملیندا گیتس" بود و در "وزارت کشاورزی" آمریکا به عنوان کارشناس با دولت همکاری می‌کرد. "وزارت کشاورزی" آمریکا، از اولین ارگان‌ها در توسعه "دانه‌های نابودگر" و ایجاد بازار انحصاری بود. "دانه‌های نابودگر" بعدها به شرکت "مونسانتو" منتقل شدند.

خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۱۰۲۱۱۰۰۸۵۸

۹. یکی از مدیران شرکت مونسانتو و دو نفر از دانشمندان بیوتکنولوژی کشاورزی به عنوان برندگان "جایزه غذای جهان" که به نوبل کشاورزی معروف است، انتخاب شدند. یکی از مدیران شرکت مونسانتو و دو نفر از دانشمندان بیوتکنولوژی کشاورزی به عنوان برندگان "جایزه غذای جهان" که به نوبل کشاورزی معروف است، انتخاب شدند. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، رابرت فرالی، مدیر فن‌آوری شرکت مونسانتو این جایزه ۲۵۰ هزار دلاری را با ماری دل شیلتون، بنیانگذار سینگنتا بیوتکنولوژی و مارک ون مونتگو، بنیان‌گذار مؤسسه پلانت تکنولوژی اوت ریچ در دانشگاه گنت بلژیک سهیم خواهد شد. تلاش‌های این سه دانشمند در اوایل دهه ۱۹۸۰ به شکل‌گیری پایه صنعت بذرهای اصلاح شده که اکنون تحت سلطه مونسانتو قرار دارد، کمک کرد.

خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۹۲۰۳۳۱۱۸۷۴۵

۱۰. رجوع شود به کتاب قحطی بزرگ نوشته‌ی محمدقلی مجد

۱۱. بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی و جنگ ۲۰ ساله ایالات متحده با ویتنام



یک مصداق برای نفوذ علمی-فرهنگی عرض کنم؛ ما در برنامه‌ی ششم، بندی داریم مبنی بر اینکه دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی در طول سال‌های اجرای برنامه‌ی ششم، در کشور شعبه بزنند.^{۱۲} ما در گفت‌وگوهای گذشته بیان کردیم که این بند، دو حیث دارد: یک حیث، امنیتی است؛ یعنی مصداق نفوذ امنیتی محسوب می‌شود؛ وقتی ما مشاهده می‌کنیم که در اثناء مذاکرات هسته‌ای دانشمندان هسته‌ای ما را شناسایی و بعد به شهادت می‌رسانند، چرا دشمن نباید از دانشگاهی که مدیریت آن در دست خودش است برای شناسایی نخبگان استفاده نکند؟! از سابقه‌ی دشمن می‌توان این را استنباط کرد که احتمالاً بعد از یک دوره‌ای که این دانشگاه‌ها در ایران تأسیس شدند، جریان‌های الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و سایر دوستانی که در کشور در حوزه‌های مختلف فعال هستند شناسایی و در لیست ترور قرار می‌گیرند.

حضور دانشگاه‌ها در ایران و تبادل علمی به این شرط خوب است که مسأله‌ی ملت ایران و مسائل مرحله‌ی دولت اسلامی-مرحله‌ای که ما در آن قرار داریم^{۱۳} - به عنوان موضوع پایان‌نامه قرار گیرد و برای این موضوعات پایان‌نامه بنویسیم ولی ما در مجموعه رصدی که در طول سال‌های گذشته از وزارت علوم داشتیم هیچ نقشه‌ای مبنی بر اینکه مسائل ملت ایران را به صورت منظم و مشخص لیست کرده باشد پیدا نکرده‌ایم. حالا سؤال ما این است که این دانشگاه‌ها هنگام ورود به ایران چه مسأله‌ای را در قالب پایان‌نامه و مباحثات علمی تحلیل می‌کنند؟ آیا مسأله‌ی مردم ایران است؟ اگر مسأله‌ی مردم ایران است به شرط کنترل مسائل امنیتی شاید تأسیس دانشگاه‌ها را بپذیریم اما اگر اینگونه نیست نتیجه آن گسترش فضای ترجمه‌ای در کشور خواهد بود، یعنی در کشور حرفی زده می‌شود که با بوم مردم ایران و مسائل ما هم‌خوانی ندارد. درست مانند نظریه‌ی سیاست خارجی توسعه‌گرا^{۱۴} که مطرح، تئوریزه و تبدیل به بروجام شد اما مسائل اقتصادی مردم ایران را حل نکرد. این، مصداق نفوذ علمی-فرهنگی است.

۱۲. به دولت اجازه داده می‌شود به منظور ارتقای علمی و رقابت بین دانشگاه‌های کشور و تعاملات بین‌المللی در طی برنامه ششم نسبت به ایجاد واحدها و شعب آموزش عالی با مشارکت دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی و دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و فنی و حرفه‌ای در داخل کشور اقدام نماید. نحوه سرمایه‌گذاری مشترک، تسهیل تعاملات ارزی و تردد اعضای هیئت علمی و دانشجویان در آیین‌نامه اجرایی که با پیشنهاد سازمان و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، مشخص خواهد شد.

بند دوم از ماده ۱۴ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

۱۳. بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله‌ی دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم. امروز دولت ما - یعنی مسؤولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضاییه، قوه‌ی مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۸/۰۶

۱۴. الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا نام کتابی است که مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام منتشر نموده است. در این کتاب نه تنها به موضوع حیاتی الهام‌بخشی در جهان اسلام و مبارزه با کفر و استکبار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی اشاره نشده است؛ بلکه برای تنظیم سیاست خارجی - به محوریت توسعه غربی - مفاهیمی جمع‌آوری شده است. در بخشی از این مفاهیم هدف اصلی سیاست خارجی کشور به محوریت توسعه اینگونه معرفی شده است:

سومین کارکرد پراهمیت سیاست خارجی در تحقق اهداف توسعه‌ای یک کشور تصویرسازی از آن به عنوان فرصتی جمعی است. به گونه‌ای که اولاً رشد و توسعه‌ی آن تهدیدی برای سایرین تلقی نگردد و ثانیاً اکثریت آنها این روند را فرضی برای خود تلقی کنند. طبیعی است مادامی که تصویر یک کشور در عرصه بین‌الملل به عنوان یک تهدید جلوه کند نه تنها این کشور نمی‌تواند از امکانات و فرصت‌های این عرصه بهره بگیرد، بلکه این امکانات در جهت مقابله و مانع‌تراشی در مسیر توسعه آن بسیج می‌گردد. بر این مبنا می‌توان گفت: طراحی و اجرای سیاست خارجی متناسب با هدف قانونی سند چشم‌انداز، نقش بسیار اساسی‌ای را جهت تحقق آن ایفا می‌کند. سیاست خارجی متناسب با این هدف را با توجه به موارد یاد شده می‌توان سیاست خارجی توسعه‌گرا نام نهاد.

کتاب الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا، ص ۱۱

مسئله قراردادهای نفتی - که در حال نوشته شدن است^{۱۵} - مصداق نفوذ اقتصادی می باشد.

در مسأله‌ی نفوذ سیاسی نیز دوستان به سمت واگذار کردن اختیارات حکومتی به نهادهای مدنی حرکت کرده‌اند. مراد من، بند اول ماده‌ی ۱۹ لایحه‌ی احکام برنامه‌ی ششم است. در آنجا بیان شده که در صدور مجوزهای فرهنگی تسهیل‌سازی شود.^{۱۶} این امر دو حیث دارد؛ دوستان در مصوبه‌ی کمیسیون تلفیق یک حیث این مسأله را اصلاح کرده و بیان نموده‌اند که مجوزهای فرهنگی می‌توانند تسهیل شوند ولی به قید قانون و شرع.^{۱۷} این متنی که حضرت آقای مصباحی‌مقدم و دوستانشان نوشته‌اند ماده‌ی ۱۹ را به قید قانون و شرع تخصیص زده است ولی به نظر ما قضیه، پیچیده‌تر از اینهاست که با یک قید حل شود. دعوا، دعوی شکل دادن به جامعه و نهادهای جامعه‌ی مدنی در ایران است که جزء لوازم لیبرالیسم و توسعه‌ی دموکراسی به نحو غربی است؛ ذیل این ماده می‌خواهند اختیارات سیاسی حکومت را به نهادهای مدنی بدهند. این نکته‌ای که بنده عرض می‌کنم دقیق است و لذا به نظر ما عاجی که آقای مصباحی‌مقدم و کمیسیون تلفیق کرده‌اند نتوانسته مسأله را حل کند. بنابراین این نیز مصداق نفوذ سیاسی است. لذا در یک جمله باید بگوییم: برنامه ششم کشور، نفوذ را قانونی می‌کند و این امر، بسیار مهم است. خصوصاً بخشی که راجع به نفوذ سیاسی عرض کردم. در مورد دانشگاه این مسأله نیز مطرح شده که می‌خواهند دانشگاه‌ها را به بخش خصوصی و بنیادهای خیریه واگذار کنند.^{۱۸} از زمان آغاز این دولت دوستان به صورت چراغ خاموش تلاش کردند تا اختیارات حکومت اسلامی را به نهادهای مدنی واگذار کنند و این، معنای نفوذ سیاسی دارد.

۱۵. قراردادهای نفتی IPC که توسط دولت یازدهم در حال منعقد شدن است صنعت نفت ایران را برای مدت طولانی به خارج واگذار می‌کند.

بخشی از گفت‌وگوی مسعود درخشان (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی) در مورد این قراردادهای نفتی را در ادامه می‌خوانید:
با اجرای قراردادهای جدید در ده سال آینده شرکت‌های بسیار قدر از لحاظ مالی در ایران شکل خواهد گرفت. یعنی این جریان که جلو برود شرکت‌های خصوصی که به لحاظ مالی بسیار توانمند خواهند بود شکل خواهند گرفت. شما می‌گویید مگه مشکلی دارد؟ ما همیشه می‌خواهیم که یک تعداد شرکت‌های فقیر که فقط کارشان تولید پفک‌نمکی، پنیر، دوغ و نوشابه‌هاست داشته باشیم؟! بخش خصوصی نباید وارد صنعت نفت بشود؟ من می‌گویم که همه این‌ها محل بحث هستند. ساختار شرکت‌ها چه چیزی است؟ شرکتی که قرار است ۲۷ سال در دامن یک شرکت نفتی بین‌المللی رشد کند (بچه‌ای که در دامن همچنین مادری رشد کند)؛ دلسوز چه کسی خواهد بود؟ خدمت‌گذار جمهوری اسلامی خواهد شد؟ یا خدمت‌گذار نظام استکبار جهانی خواهد شد؟ شما بگویید ما نمی‌دانیم، تو می‌دانی؟ می‌گوییم من هم نمی‌دانم اما روی قرائن و شواهد اگر بچه‌ای را بگذاریم در دامن دایه‌ای به نام BP, Shell, ... بگذاریم وقتی این نوزاد یک فرد ۳۰ ساله شد چه چیزی می‌خواهی درآمده باشد؟ این اتفاقی است که در کشور ما دارد می‌افتد. چه شرکت قدری از لحاظ مالی نیز بشود! شما تصور کنید نفوذی که این شرکت‌ها در آینده کشور خواهند داشت در مجلس، نمایندگان، مطبوعات و روی رسانه‌ها و فرهنگ عمومی با این قدرت مالی و با فرهنگی که از کودکی در دامن شرکت‌های نفتی رشد کرده. می‌گویید واقعاً از کودکی؟ بله از کودکی. من به شما نشان می‌دهم. عرض من این است، به آن توجه کنید!

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۹۷۷۹۱۶

۱۶. وزارت فرهنگ و ارشاد مکلف است نسبت به تسهیل فرآیندهای صدور مجوز و بازنگری و کاهش ضوابط و مقررات محدود کننده تولید و نشر آثار فرهنگی و هنری اقدام نماید. قوه قضائیه و نیروی انتظامی مکلفند امنیت لازم را برای تولید و نشر آثار و اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری دارای مجوز فراهم نمایند و نسبت به جبران خسارت وارد شده ناشی از ممانعت، تحریک و یا اخلال در تولید و نشر آثار اقدام کنند.

بند اول از ماده ۱۹ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

۱۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است نسبت به تسهیل فرآیندهای صدور مجوز و بازنگری و کاهش ضوابط و مقررات محدودکننده تولید و نشر آثار فرهنگی و هنری در چهارچوب مقررات شرعی و قانونی اقدام نماید.

بند یکم از ماده نوزدهم از بخش هفدهم گزارش کمیسیون تلفیق لایحه برنامه پنجم به ششم توسعه به مجلس شورای اسلامی

۱۸. وزارت آموزش و پرورش مجاز است در جهت ارتقاء کیفیت، عدالت آموزشی و بهره‌وری نسبت به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی اقدام نماید. ارائه خدمات آموزشی در اینگونه مدارس با استفاده از نیروی انسانی، تجهیزات و امکانات بخش خصوصی و تعاونی و یا با مشارکت در استفاده از امکانات و تجهیزات بخش دولتی و نیروی انسانی خصوصی و تعاونی براساس ضوابطی که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، صورت می‌گیرد. آموزش عمومی دولتی در طول سال‌های برنامه ششم رایگان می‌باشد.

بند یکم از ماده ۱۴ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال چهارم: با توجه به تدوین لایحه الگوی پیشرفت توسط دولت چرا یکی از اشکالات وارد بر برنامه ششم عدم محوریت الگوی پیشرفت در تدوین این برنامه است؟

خلاصه جواب: دولت در تدوین لایحه دچار یکسان انگاری پیشرفت اسلامی و توسعه غربی است

سؤال ۴



بسم الله الرحمن الرحيم

در مباحث گذشته بیان شد که یکی از اشکالات برنامه ششم توسعه تدوین این برنامه بدون توجه به الگوی پیشرفت اسلامی می‌باشد. اما ممکن است کسانی به این سخن اعتراض کرده و بگویند: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور لایحه الگوی پیشرفت اسلامی را تدوین و به کمیسیون فرهنگی دولت ارائه نموده است و علی‌القاعده برنامه ششم را نیز بر اساس این الگو طراحی کرده است. حجت‌الاسلام علی کشوری، دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در مناظره‌ای تلویزیونی با دکتر معصومی‌راد^۱ به این اعتراض پاسخ دادند:

لایحه‌ای که برادر عزیزم جناب آقای معصومی‌راد^۲ می‌فرمایند،^۳ کلاً پنج صفحه است! و ما در تعریف الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت از حضرت آقا این جمله را داریم که الگو، یعنی نقشه جامع اداره کشور.^۴ در اینجا سؤالی به وجود می‌آید مبنی بر اینکه چطور نقشه جامعه اداره کشور در پنج صفحه تجمیع می‌شود؟! آیا اساساً به پنج یا شش صفحه می‌توان نقشه جامع گفت؟! پس معلوم می‌شود چیزی که دوستان در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نوشته‌اند، در واقع کلیاتی است که در بالای آن نوشته‌اند لایحه الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت. من می‌خواهم این نکته را در اینجا به صورت صریح بگویم که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اساساً اعتقادی به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت ندارد. بنده این جمله از جناب آقای نوبخت را خدمت بینندگان عزیز می‌خوانم؛ ایشان در مصاحبه‌ای با شماره هفتم دوماه‌نامه‌ی الگو فرمودند: «انتظار نباید داشت که الگوی پیشرفت بسیار مفصل و همه‌جانبه باشد، در این صورت دیگر جایی برای برنامه‌های توسعه نخواهد بود، همچنین برای عمل و تصمیم‌گیریان و کارگزاران فراهم نخواهد بود. الگو یک سرمشق، چگونگی در حد بیان ارزش‌ها و مختصات اساسی است.» ایشان به صراحت در این جمله می‌گویند: اگر الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت را به صورت جامع و تفصیلی ببینیم، اصلاً عرصه‌ی برنامه‌های توسعه تنگ می‌شود. ببینید! خودشان به این صراحت گفته‌اند. حالا آقایان می‌فرمایند ما یک لایحه‌ای برای الگوی

۱. برنامه تیتراژ امشب شبکه خبر مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۳ (مناظره حجت‌الاسلام علی کشوری با دکتر رضا معصومی‌راد)

۲. دکتر رضا معصومی‌راد رئیس سابق امور تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۳. بر اساس ماده ۱ قانون برنامه پنجم، دولت موظف بود که ظرف سه سال اول برنامه پنجم، لایحه الگوی اسلامی-ایرانی را بر اساس سیاست‌های کلی - که مقام معظم رهبری حفظه الله برای برنامه پنجم ابلاغ فرموده بودند- تهیه و به مجلس محترم تقدیم کند. زمانی که دولت تدبیر و امید و دولت یازدهم بر سرکار آمد، در سازمان مدیریت برنامه‌ریزی -البته آن زمان معاونت برنامه‌ریزی و معاونت نظارت و برنامه‌ریزی کشور بود- تأکید شد که این لایحه در ظرف مدت مقرر تهیه شود. حُب یکی از محورهای اصلی و تأکیدات دولت یازدهم و به ویژه رئیس‌جمهور محترم، تأکید بر این بود که ما الگوی مطلوب توسعه اسلامی-ایرانی را [تولید کنیم]. در واقع این مسأله در دستور کار ما هست و بر اساس همین تأکید، مقدمات کار را انجام داده و ظرف مدت مقرر این کار را خدمت دولت ارائه نمودیم. از نظر مبانی و اقداماتی که در آنجا صورت گرفته باید گفت: در واقع آنچه که بایستی برای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت تهیه و تدارک می‌دیدیم را تهیه کردیم تا بتوانیم براساس آن، مبانی را فراهم و در برنامه‌های توسعه این دقت نظر را اعمال کنیم. تمام سازمان درگیر این کار شدند، همه همکاران من در آنجا کمک کردند و بحث‌های بسیار خوبی را دنبال کردیم و [این الگو] در ظرف این مدت، تهیه شده است.

قسمتی از سخنان دکتر معصومی‌راد در مناظره با حجت‌الاسلام کشوری

۴. الگو هم نقشه‌ی جامع است. وقتی می‌گوئیم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه‌ی جامع. بدون نقشه‌ی جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم. گاهی یک حرکتی را انجام دادیم، بعد گاهی ضد آن حرکت و متناقض با آن را -هم در زمینه‌ی فرهنگ، هم در زمینه‌ی اقتصاد و در زمینه‌های گوناگون- انجام دادیم! این به خاطر این است که یک نقشه‌ی جامع وجود نداشته است. این الگو، نقشه‌ی جامع است؛ به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم.

بیانات رهبر انقلاب در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹/۰۹/۱۰



اسلامی-ایرانی پیشرفت نوشته‌ایم. اما تعریف الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به نقشه جامع و این عبارات صریح جناب آقای نوبخت، ما را به این نتیجه می‌رساند که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با کلمات بازی می‌کند و اساساً به الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت اعتقادی ندارد.

بنده قبلاً هم با آقای معصومی‌راد و هم با سایر دوستان صحبت کرده‌ام. این تحقیقاتی که دوستان می‌گویند ما آنها را انجام داده‌ایم، دارای چند سرفصل است. بخشی از تحقیقات دوستان، راجع به شاخصه‌های توسعه انسانی^۵ است که این شاخصه‌ها، آخرین ورژن توسعه غربی می‌باشند. این درست نیست که ما راجع به توسعه غربی و آخرین تغییرات آن در جهان مطالعه کنیم و بعد در بالای آن بنویسیم: "الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت." همچنین دوستان سرفصلی تحت عنوان مفهوم حکم‌روایی و حکم‌رانی خوب^۶ را مورد مطالعه قرار داده‌اند. وقتی آقای معصومی‌راد و جناب آقای نوبخت در مجمع تشخیص حضور داشتند، همایش‌هایی را برگزار کردند^۷ و حالا همان تحقیقاتی که راجع به مفهوم حکم‌روایی و حکم‌رانی خوب می‌باشد را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آورده‌اند. اگر غیر از اینها، مباحثی وجود دارد، بگویند. مثلاً بگویند: ما راجع به شاخصه‌های هویت اسلامی^۸ این تحقیقات را انجام داده‌ایم و این نیز کتاب‌هایش است. دوستان راجع به توسعه انسانی تحقیق کرده‌اند!

۵. شاخص توسعه انسانی (Human Development Index) به طور خلاصه (HDI) شاخصی ترکیبی است برای سنجیدن موفقیت در هر کشور، در سه معیار پایه از توسعه انسانی: **زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب.**

<http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr1990> *وبسایت برنامه توسعه سازمان ملل، گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۰*

۶. در طی دهه اخیر گزارش‌ها و مطالب نسبتاً زیادی پیرامون حکم‌روایی شهری به ویژه با محوریت بانک جهانی که ابداع‌کننده واژه حکم‌روایی و توسعه‌دهنده این مفهوم می‌باشد، منتشر شده است. بانک جهانی، حاکمیت را به عنوان «روشی که بر اساس آن بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال قدرت می‌شود» تعریف نموده است. در یک تعریف جامع‌تر ارائه شده در سال ۱۹۹۵ چنین آمده است: «حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند و فرآیندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری جوانه اتخاذه می‌گردد. حکمرانی شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون، قدرت پیدا کرده‌اند که به نفع آنها است». بر اساس تعاریف بالا می‌توان گفت که «حاکمیت شایسته» روشی برای تنظیم روابط اجتماعی در بین حوزه‌های خصوصی و سیاسی است که دستیابی به توسعه پایدار را ممکن می‌سازد. «هایدن» سه شرط نفوذ و نظارت شهروندان، رهبریت پاسخگو و مسئول و معامله بمثل اجتماعی را برای تسهیل حاکمیت خوب تعریف می‌کند.

عسگری، علی؛ طرح طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، پژوهشکده شهری، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳

۷. به عنوان مثال همایش حکمرانی خوب در بخش کشاورزی در تاریخ ۱۹ اسفند ماه ۱۳۸۷ برگزار گردید. همچنین در نشست تخصصی "صید و آبریز پرووری در ایران" به بحث سنجش حکمرانی خوب در شیلات ایران پرداخته شد. همچنین در نشست "نقش و جایگاه نخبگان در نظام جمهوری اسلامی ایران" حکمرانی خوب به عنوان پارادایم مسلط جوامع توسعه‌یافته معرفی شد.

وبسایت مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، بخش نشست‌های تخصصی

۸. در «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» سعی کرده‌ایم که در قالب ۳ بسته شاخص، اهداف و شاخصه‌های هویت اسلامی را به صورت تفصیلی شرح دهیم. بسته اولی که برای شاخصه‌های هویت اسلامی استنباط کرده و در حال تبیین آن هستیم، بسته شاخصه‌های رفیق است. بسته دوم شاخصه‌های هویت اسلامی، بسته شاخصه‌های رشد و بسته سوم، بسته شاخصه‌های توازن نام دارد.

اگر بخواهیم اجمالاً این ۳ بسته را توضیح دهیم باید انسان و رشد انسان را به کشاورزی تشبیه کنیم تا جایگاه این ۳ بسته شاخص تبیین گردد. اگر بخواهیم یک کشاورزی خوب داشته باشیم و در فصل برداشت با یک محصول پربرکت روبرو شویم، با عنایت خدای متعال باید به ۳ مسأله دقت کنیم. مسأله اول یک زمین حاصلخیز است. اگر زمین بایر بوده و حاصلخیز نباشد کشاورزی به نتیجه نخواهد رسید. نکته دیگری که در زمینه کشاورزی به آن احتیاج داریم، داشتن یک بذر مرغوب است. بدون بذر مرغوب کشاورزی اتفاق نخواهد افتاد. در مرحله سوم به فرایند آفت‌کشی نیاز داریم. باید مکانیزمی برای مبارزه با آفات داشته باشیم.

در قالب بسته شاخصه‌های هویت اسلامی، فرایند رشد جامعه اسلامی را به کشاورزی تشبیه کرده‌ایم. همانطور که در فرایند کشاورزی نیازمند یک زمین حاصلخیز هستیم، در مسیر رشد جامعه اسلامی نیز نیازمند حاصلخیز کردن وجود انسان‌ها هستیم. به نظر ما از منظر دین مبین و با استناد به آیات و روایات فراوان - که در جای خود باید اسناد با مجموعه ادله بررسی شود، بنده جمع‌بندی آن بحث‌ها را ارائه می‌دهم - آن چیزی که باعث می‌شود جامعه اسلامی برای رشد آماده شود موضوعی به نام **رفیق و محبت** است. اگر در جامعه‌ای رفیق و محبت وجود نداشته و یا کم‌عمق باشد آن جامعه برای رشد



یکی از مقامات مسئول جمله خوبی دارد. ایشان به صراحت می‌گویند: ما در مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت، پیرامون آخرین نظریات توسعه غربی مطالعاتی را انجام می‌دادیم، وقتی اصطلاح الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مطرح شد، نام این تحقیقات را عوض کردیم. این یک مسأله‌ی بسیار مهم است. من همین‌جا از جناب آقای نوبخت به خاطر صداقتشان تشکر می‌کنم؛ ایشان در یک سخنرانی فرمودند: ما ۱۰ برنامه توسعه در ایران نوشته‌ایم^۹ و این ۱۰ برنامه‌ی توسعه، ناکارآمد بوده‌اند.^{۱۰} یعنی در طول ۶۷ سال -از سال ۱۳۲۷- عمده برنامه‌های توسعه‌ای که در ایران نوشته‌ایم، اجرا نشده و ناکارآمد بوده‌اند. پس بنابراین اگر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را دقیق بحث نکنیم و دوستان معلوم نکنند که کجای تحقیقاتشان الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و کجای تحقیقاتشان توسعه غربی است؛ ممکن است پنج سال بعد رئیس سازمان مدیریت و برنامه کشور بگویند: ۷۵ سال است که بر اساس توسعه غربی برنامه‌ریزی می‌کنیم و توسعه در کشور ایران موفق نبوده است. لذا در یک جمله باید گفت: به نظر می‌آید دوستان ما در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به طلسم یکسان‌انگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی^{۱۱} مبتلا شده‌اند و هنوز در سازمان مدیریت، فرق بین توسعه غربی و پیشرفت اسلامی واضح نیست، اگر هست، سندش را به ما بدهند تا بخوانیم. بنده در یک یادداشت^{۱۲} -که مستند به اظهارات جناب آقای نوبخت می‌باشد^{۱۳} - سؤالی پرسیده‌ام؛ آیا برنامه

آماده نشده و رشدش با مشکل روبرو می‌شود. در قالب بسته شاخصه‌های رفق، چگونگی حاصلخیز کردن وجود افراد را بررسی کرده‌ایم. در مثال عرض کردیم علاوه بر داشتن یک زمین حاصلخیز، نیازمند یک بذر مرغوب هستیم. در قالب بسته شاخصه‌های رشد، بذری که باید در محیط رفق کشت کرد را تبیین نموده‌ایم. در قالب بسته‌های رشد بیان کرده‌ایم که باید چه چیزی به انسان‌ها و جامعه اسلامی انتقال پیدا کند تا رشد مدنظر جامعه اسلامی تحقق یابد. در قالب بسته شاخصه‌های توازن، آفات مانع رشد در بستر رفق را بحث کرده‌ایم.

^۹جلسه چهارم از سلسله جلسات تبیین نقشه راه در رادیو معارف ۱۳/۰۵/۱۳۹۲

۹. برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب اسلامی:

برنامه اول توسعه (۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴) دارای ۱۰ ماده (کوچک‌ترین و کم‌حجم‌ترین برنامه)

برنامه دوم توسعه (۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱) دارای ۲۱ ماده

برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶) دارای ۳۷ ماده

برنامه چهارم توسعه (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱) دارای ۳۸ ماده

برنامه پنجم توسعه (۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶) دارای ۹ ماده

برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی:

برنامه اول توسعه (۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳) دارای ۵۲ ماده

برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) دارای ۱۰۱ ماده

برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) دارای ۱۹۹ ماده

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸) دارای ۲۳۴ ماده

برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴) دارای ۲۳۵ ماده (بزرگترین و پر حجم‌ترین برنامه)

این آمار و سخن دکتر نوبخت ما را به این نتیجه می‌رساند که برنامه‌های توسعه -چه برنامه‌هایی با مواد زیاد و چه برنامه‌هایی با مواد کم- در ایران محقق نشده‌اند.

۱۰. نوبخت در ابتدای سخنانش با اشاره به اینکه ما از سال ۸۴ دو برنامه را آغاز کردیم و الآن نوبت برنامه ششم است، گفت: قرار است تا سال ۱۴۰۴ جزء کشورهای توسعه‌یافته باشیم و در منطقه هم از لحاظ فناوری و اقتصادی جایگاه اول را داشته باشیم. در برنامه‌های سابق به اهداف برنامه نرسیده‌ایم.

^{۱۱}پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، کد خبر: ۲۷۵۱۲۵

۱۱. ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است. الگوهای غربی با شرائط خودشان، با مبانی ذهنی خودشان، با اصول خودشان شکل پیدا کرده؛ بعلاوه ناموفق بوده. بنده به طور قاطع این را می‌گویم: الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است.

^{۱۲}بیانات امام خامنه‌ای ع در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۲/۲۵/۱۳۸۶

۱۲. یادداشت دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۱۸



ششم بر اساس کتاب نظام اقتصادی ایران^{۱۴} - که جناب آقای دکتر روحانی، رئیس جمهور محترم نوشته‌اند - تنظیم می‌شود یا بر اساس سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم؟ به نظر بنده این کتاب، مبنای تدوین برنامه ششم می‌باشد و این برنامه در بعضی اوقات متأثر از مکتب نئوکینزی^{۱۵} و در بعضی از احکام نیز متأثر از مکتب نهادگرایی^{۱۶} بوده است.^{۱۷} به صراحت عرض می‌کنم که به هیچ عنوان ردپایی از مفهوم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در برنامه ششم نیست و هیچ سندی در سازمان مدیریت مبنی بر این مطلب وجود ندارد، اگر هست دوستان بفرمایند. به هر حال همانطور که جناب آقای معصومی‌راد فرمودند:^{۱۸} این دوستان بخشی از قانون اساسی را به همراه بخشی از بیانات رهبری معظم و امام راحل عظیم‌الشأن در چهار صفحه تدوین کرده و نام آن را الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت گذاشته‌اند. جناب آقای معصومی‌راد و دوستان عزیزتان در دستگاه برنامه‌ریزی کشور! در درجه اول باید دانست که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یک **دستگاه فکری** است؛ یعنی می‌تواند مسائل و مشکلات کشور را تحلیل کند.

۱۳. نوبخت گفت: مدل توسعه‌ای که نظر آقای رئیس جمهور در کتاب امنیت ملی و نظام اقتصادی تالیف کرده است، بر اساس مدل بومی و مطلوب مشخص شده و از اسنادی است که به آن توجه خواهیم کرد.

خبرگزاری صدا و سیما، کد خبر: ۱۷۰۱۰

۱۴. امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران عنوان کتابی است نوشته دکتر حسن روحانی که به مسائلی مثل اقتصاد ایران، انرژی، تورم، اشتغال، فساد اقتصادی، جهانی شدن و ... و رابطه آن با امنیت ملی پرداخته است.

۱۵. کینز (John Maynard Keynes: 1883-1946) منشأ دو مکتب اقتصادی جدید بوده است: کینزی‌های جدید و پست کینزی‌ها. کینزی‌های جدید، میراث‌دار ایده‌های چسبندگی قیمت‌ها، دستمزدها و امکان شکست بازار در رسیدن به اشتغال کامل از کینز هستند. و در مقابل همچون کلاسیک‌های جدید در تحلیل‌هایشان مفهوم انتظارات عقلایی را به کار می‌برند. آن‌ها در عین اینکه نظریه تعادل عمومی کینز را به کار می‌برند، بر پایه‌های خردی اقتصاد کلان نیز تأکید می‌کنند.

رادرفورد، دونالد؛ اقتصاد ایالات متحده و کانادا، لندن، انتشارات روتلج، ۲۰۰۷ میلادی، ص ۱۲۸

۱۶. نهادگرایی یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. این حرکت از اواخر قرن ۱۹ به‌ویژه در میان اقتصاددانان آمریکایی بروز نمود.

دادگر، بیاتلله؛ تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۴۲۴

۱۷. در صفحه ۷۸۲ کتاب امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران مبنای رشد و توسعه کشور ما مکتب نئوکینزی معرفی شده است.

۱۸. همواره توجه داشته باشید که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اینگونه نیست که ما الآن هزار صفحه سند تهیه کنیم و بگوییم: در این هزار صفحه از تولید لیوان و استکان تا خوردن آب و لباس پوشیدن تا رانندگی کردن و اداره‌رفتن تا مسواک‌زدن و تا همه جوانب و زوایای کشور برای همه چیز الگو قرار داده‌ایم و شما باید مطابق با این الگو قدم بردارید. در واقع ما یک مبانی‌ای داریم که آنها را از قانون اساسی و گفتمان انقلاب اسلامی استخراج کرده‌ایم و این الگو همواره باید سرمشق ما باشد و ما باید مطابق با آنها حرکت کرده و خودمان را بر اساس آن مورد ارزیابی قرار دهیم. [نکته مهم این است که] در طول زمان مسائل مختلفی پیش می‌آید. در حال حاضر مقام معظم رهبری - با توجه به تمام فتنه‌هایی که در بیرون از مرزها بر علیه ما وجود دارد و با توجه به فشارهایی که به سبب تحریم اقتصادی بر ما وارد شده است - [تأکید کرده‌اند که] باید بسیج بشویم و بر روی اقتصاد مقاومتی، در کنار آن بر روی توسعه علم و فناوری و در کنار آن بر روی مصون‌سازی فرهنگی تمرکز کنیم. اگر ما در برنامه ششم به این سه محور توجه کنیم، در واقع در این برهه زمانی تا حدود زیادی بر مسائلی که برای مبنای گفتمانی ما پیش می‌آید فائق شده‌ایم. ما بایستی از مبنای گفتمانی خود صیانت بکنیم. اگر توانستیم از مبنای گفتمان انقلاب اسلامی صیانت بکنیم، در چهارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت حرکت کرده‌ایم. پس الگو، نقشه جامعی است که آقا [درباره آن] فرمودند: ما را به این مسأله هدایت می‌کند که باید به کدام سو و کدام هدف حرکت کنیم. پس [الگو] یک خط راهنما و یک نقشه است که در دستان ما می‌باشد و ما بر طبق آن می‌توانیم بفهمیم که باید در کجا حرکت کنیم. یعنی جهت‌ها، اهداف و مقاصد را به ما نشان می‌دهد. ما در این لایحه این مبنای را فراهم کرده، آرمان و ارزش‌های جامعه مطلوب خودمان را بر اساس اهداف کلی مشخص نموده و در ادامه جهت‌گیری‌ها را ابعاد مختلف - اقتصاد، اجتماع، سیاست، فرهنگ، علم، سیاست خارجه، دفاعی و امنیتی و ... - تعیین کرده و گفته‌ایم که اگر این مسائل، جهت‌گیری‌ها ما باشند؛ ما را به اهدافی هدایت می‌کنند که این اهداف، پیامدها و نتایجی را به دنبال خواهد داشت که ان شاء الله این نتایج به تدریج ما را به سمت آرمان‌مان سوق خواهد داد. اما دستیابی به این اهداف و آرمان‌ها صرفاً متکی به ما نیست؛ بلکه عوامل و متغیرهای بی‌شماری دخیل هستند، دشمن نیز بی‌کار نشسته و کار خود را می‌کند. متغیرهای دیگری نیز وجود دارد؛ ولی ما می‌دانیم که هدف، آرمان و جهت‌گیری ما چیست و بر اساس آنها، فعالیت‌های خود را تنظیم نموده و حرکت می‌کنیم.

قسمتی از سخنان دکتر معصومی‌راد در مناظره با حجت‌الاسلام کشوری

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال پنجم: راهکار حل مشکلات برنامه ششم توسعه و تدوین برنامه‌ای بر بنای الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟

خلاصه جواب: تبیین و تحقق پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم؛ تهناراهکار تدوین برنامه‌ای مبتنی بر الگوی پیشرفت



بسم الله الرحمن الرحيم

با توجه به مباحث مطرح شده در جزوات قبل این پرسش مطرح می‌گردد که راه حل عبور از مشکلات عدیده و بعضاً خطرناک برنامه ششم توسعه چیست؟ پاسخ این سؤال را در ادامه از زبان دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی می‌خوانیم.

حجت‌الاسلام کشوری در گفت‌وگو با برنامه‌ی "مجله‌ی روز" رادیو معارف^۱ در پاسخ به این سؤال به این نکته اشاره کردند که:

به نظر من اگر ما بخواهیم برنامه ششم را مدیریت کنیم - چون بالآخره نمی‌توان کشور را بدون برنامه و قانون اداره کرد، اداره‌ی کشور باید از روی تدبیر باشد - تا برنامه‌ی ششم خوب‌تری نسبت به برنامه‌های قبلی نوشته شود، باید به پیشنهادهای الگوی پیشرفت اسلامی توجه کنیم. من مکرر در جلسات از آقای نوبخت تشکر کرده‌ام. برنامه‌ریزی کشور ما به قدری دارای مشکل است که آقای نوبخت اعتراف کردند: نظام برنامه‌ریزی کشور در هفتادسال گذشته حتی نتوانسته کشور را به اهداف توسعه‌ای برساند. می‌دانید که اهداف توسعه‌ای، اهدافی هستند که زندگی اولیه بشر را تأمین می‌کنند. در واقع آقای نوبخت با این اعتراف خود گفته‌اند: نظام برنامه‌ریزی کشور نمی‌تواند نیازهای اولیه زندگی را تأمین کند تا چه رسد به اهداف متعالی الگوی پیشرفت اسلامی و تفکر انقلاب. عرض بنده این است که اگر ما بخواهیم به گونه‌ای مدیریت کنیم تا نظام برنامه‌ریزی کشور مانند هفتادسال گذشته مسیر غلط خود را طی نکرده و برنامه‌ریزی کشور به یک تراژدی تلخ تبدیل نشود تا وقتی از آن یاد می‌کنیم در ذائقه‌ی ما تلخی باقی بماند؛ باید به سمت طرح پیشنهادهایی بر اساس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برویم.

پیشنهاد شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی برای تنظیم برنامه ششم بر اساس الگوی پیشرفت اسلامی، "پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه" است. البته باید این نکته را متذکر شد که تدوین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم علاوه بر وجود اشکالات عدیده در برنامه ششم دلایل دیگری نیز داشته است که دبیر شورای راهبردی در گفت‌وگو با پایگاه خبری تحلیلی ۵۹۸^۲ به این بحث اشاره کوچکی می‌کنند:

از ابتدای امسال سعی ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی^۳ بر این بود که به صورت تفصیلی یک سؤال و پاسخ آن را در فضای کشور مطرح کنیم؛ به نظر ما پاسخ به این سؤال منجر به افزایش درک از الگوی پیشرفت اسلامی در میان نخبگان و مدیران می‌شود. اگر اجازه دهید من این سؤال و ضرورت این سؤال و بعد

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۱۱

۲. ۱۳۹۴/۰۶/۲۹

۳. ما یک شورای مردمی داریم موسوم به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی که این شورای راهبردی الگوی پیشرفت الان مشغول سه کار هست؛ یکی تبیین همین مسأله الگوی پیشرفت اسلامی که حالا اینجا خلاصه‌اش را گزارش دادم که در واقع صحبت از الگوی پیشرفت اسلامی بدون صحبت از جهت جمهوری اسلامی صحبت ناقصی است.

کار دوم ما این است که به محوریت مأموریت‌های ۲۷ گانه جدول با نهادهای نظام در حال ارتباط هستیم؛ یعنی ما پیشنهادی داریم برای توانمندسازی ساختار فعلی مجلس، یعنی پیشنهادی داریم که اگر عمل بشود روش تقنین در مجلس متناسب‌تر می‌شود با مبنای جمهوری اسلامی. الان در روش تقنین فعلی قطعاً قانونی که مخالف مبنای جمهوری اسلامی باشد تصویب نمی‌شود ولی سؤال این است آیا که قوانینی که تصویب می‌شود در راستای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی هم هست یا نه؟ این محل اشکال است؛ حالا ما یک پیشنهاداتی دادیم که ساختار مجلس ارتقا پیدا کند، یعنی در عوض اینکه کف اسلامیت را مبنای تقنین قرار دهد با تغییرات ساختاری که پیشنهاد دادیم اگر مبنای عمل قرار بگیرد مجلس می‌تواند تقنین را در سطح بالاتری از اسلامیت مبنای برنامه‌ریزی خود قرار دهد؛ پس یک کار دومی هم که داریم توانمندسازی بخشی به محوریت مأموریت‌های ۲۷ گانه جدول است. یک کار سومی هم داریم؛ بر اساس نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی در برنامه ششم اداره‌ی کشور - که ان شاءالله امیدواریم برنامه ششم دیگر خیلی کمتر متأثر باشد از ادبیات توسعه و بیشتر متأثر از پیشرفت اسلامی باشد - سیاست‌های کلانی پیشنهاد می‌کنیم؛ ما مشغول این سه کار هستیم.

گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با شماره ۷۰ هفته‌نامه ۹ دی

هم جواب آن را مطرح کنم. سؤال این است که پیشنهاد الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم کشور چیست؟

به سه دلیل عمده توجه به این سؤال به عنوان یک موضوع اصلی توجیه می‌شود: **دلیل اول** این است که با توجه به تاریخ هفتادساله‌ی برنامه‌ریزی در ایران و اینکه نیمی از این هفتادسال بعد از انقلاب اسلامی بوده و اینکه ادبیات برنامه‌ریزی در فضای بعد از انقلاب تفاوت چندانی با ادبیات برنامه‌ریزی در قبل از انقلاب ندارد؛ به تدریج این تلقی ایجاد می‌شود که انقلاب اسلامی برای حوزه برنامه‌ریزی حرف جدیدی ندارد. یعنی با اینکه شعارهای بعد از انقلاب بسیار متفاوت با آرمان‌ها و شعارهای قبل از انقلاب هستند و با توجه به اینکه انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلفی تحول ایجاد کرده؛ ولی پذیرش ادبیات توسعه در سازمان برنامه‌ریزی کشور این تلقی را ایجاد کرده که تفکر انقلاب - تأکید می‌کنم انقلاب اسلامی یک تفکر است - در حوزه‌ی برنامه‌ریزی ایده‌ی جدیدی ندارد! ما بعد از انقلاب و در دوران دفاع مقدس به برنامه‌های توسعه مبتلا نبوده‌ایم ولی بعد از این وقفه و با آغاز دوران سازندگی همان مسیر قبلی برنامه‌ریزی را با تغییراتی و بر اساس تفکر توسعه دنبال کرده‌ایم.^۴

بنابراین اگر جریان نیروهای انقلاب اسلامی امثال این سؤالات را به صورت جدی مطرح نکنند؛ این سؤال به صورت جدی مطرح می‌شود که آیا انقلاب اسلامی برای حوزه برنامه‌ریزی نظریه‌ای دارد یا خیر؟ پنج برنامه بعد از انقلاب نوشته شده و اکنون هم در حال تنظیم ششمین برنامه هستیم ولی وقتی شما این احکام و برنامه‌ها را در این پنج برنامه‌ی بعد از انقلاب بررسی می‌کنید مشاهده می‌شود که عمده این اهداف و برنامه‌ها، رویکرد توسعه - به معنای غربی آن - را دنبال کرده‌اند و البته برنامه‌های قبل از انقلاب نیز همین حالت را دارند.^۵ بنابراین اگر این مسیر ادامه پیدا کند این گزاره جا می‌افتد که انقلاب اسلامی برای حوزه برنامه‌ریزی کشور برنامه خاصی ندارد. این دلیل اولی است که درستی سؤال فوق الذکر را توجیه می‌کند. به عبارت بهتر ما با طرح این سؤال داریم به تدریج ویژگی‌های برنامه‌ریزی مد نظر انقلاب اسلامی را شرح می‌دهیم؛ تا به تدریج این تلقی غلط زوده شود.

دلیل دوم - که در واقع ذیل دلیل اول معنا پیدا می‌کند - این است که اکنون نه سال از طرح گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی در کشور می‌گذرد (ابتدای این نه سال سخنرانی امام خامنه‌ای علیه السلام در دانشگاه سمنان با موضوع الگو است) و چون محور بحث گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی ایجاد تحول در حوزه‌ی برنامه‌ریزی کشور است؛ به صورت طبیعی این انتظار ایجاد شده است که الگوی پیشرفت اسلامی چه طرح‌هایی برای تدبیر برنامه‌ها دارد؟ اگر ما به این انتظار پاسخ ندهیم به تدریج امیدهای ایجاد شده برای تغییر در نظام تصمیم‌سازی کشور کمرنگ می‌شود. به عبارت بهتر ما در حال مقابله با این گزاره هستیم که بگویند: الگوی پیشرفت اسلامی حرف اثباتی برای حوزه عمل ندارد! و بهترین مقابله هم این است که حرف

۴. برنامه‌ریزی توسعه در قالب برنامه‌های ۵ ساله توسعه و استفاده از تئوری‌های مانند تری‌گپس، نوکینزی، نهادگرایی و ... در تدوین این برنامه‌ها دنبال شد.

۵. محوریت اقتصاد در تدوین برنامه‌ها و بی‌توجهی نسبت به مسائل فرهنگی، نشانه‌ی بارز رویکرد غربی در تدوین برنامه‌هاست.

۶. (تعیین الگوی پیشرفت) هم لازم است. الگوی پیشرفت چیست؟ ما باید این را مشخص کنیم. اگر این را مشخص کنیم، آن وقت در برنامه‌ریزی‌ها، اولویت‌ها، تقدم‌ها، برنامه‌ها، زمان‌بندی‌ها، و سرمایه‌گذاری‌های ما اثر می‌گذارد؛ به دنبال خود فرهنگ‌سازی می‌آورد؛ در گفت و گوی نخبگان خودش را نشان می‌دهد و به ذهنیت عامه‌ی مردم سرریز می‌شود؛ حتی در صادرات و واردات کشور اثر می‌گذارد؛ چه چیزی را از کجا وارد کنیم؟ چه چیزی را به کجا صادر کنیم؟

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار دانشگاهیان شهر سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸





اثباتی الگوی اسلامی پیشرفت برای برنامه ششم را تشریح کنیم. با بررسی پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم تا حدی تفاوت حرف‌های اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی^۷ با حرف‌هایی که دیگران به صورت کلی راجع به الگوی پیشرفت اسلامی می‌زنند واضح می‌شود. غرض نیروهای اردوگاه انقلاب اسلامی باید این باشد که اثبات کنند الگوی پیشرفت اسلامی از حالت کلی خارج شده و به فضای کاربردی و عملیاتی رسیده است. اساساً یکی از دلایلی که باعث شده جریان توسعه‌گرا - یا بعضی از دوستان - احساس کنند که شاید الگوی پیشرفت اسلامی نتواند حرف اثباتی و همه‌جانبه‌ای در حوزه برنامه‌ریزی بزند؛ همین کلی‌گویی‌های آقایان درباره الگوی پیشرفت است.^۸ ما مکرراً در نوشته‌جات و در جلسات گفته‌ایم: دو خطر، جریان گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی را تهدید می‌کند؛ یکی خطر یکسان‌نگاری توسعه غربی و پیشرفت اسلامی - یعنی یک عده‌ای بیایند و بگویند مسیر پیشرفت همین مسیری است که غرب رفته است^۹ - و دیگری هم خطر کلی‌گویی راجع به الگوی پیشرفت اسلامی و اظهارات غیر کاربردی در این حوزه است. بنابراین با طرح سؤال "الگوی پیشرفت چه پیشنهادی برای برنامه ششم دارد؟" در واقع داریم به انتظارات نخبگان از گفتمان الگوی پیشرفت اسلامی پاسخ می‌دهیم و در مقابل حرکت‌های شعاری و حرکت‌های التقاطی در این حوزه صف‌آرایی می‌کنیم. این دومین دلیلی است که درستی و اولویت سؤال فوق را اثبات می‌کند. البته توجه بفرمائید که این انتظار از الگوی پیشرفت برای برنامه هفتم به صورت جدی‌تری مطرح خواهد شد و این یعنی حداقل قضیه این است که ما داریم زمینه‌سازی می‌کنیم برای اینکه این انتظار در چهار سال آینده یک پاسخ مطمئنی پیدا کند. با این نگاه حداقلی هم می‌توانید پیشنهاد ما را ارزیابی کنید.

دلیل سومی که ما را مجاب کرد، امسال به طور جدی به این سؤال پاسخ دهیم این است که به دلیل وجود مشکلات اقتصادی و فرهنگی نگران شدیم که مسأله مقاوم‌سازی فرهنگ و اقتصاد در برنامه ششم نادیده گرفته شود. باید مراقبت کنیم تا امسال حتماً محورهای مرتبط با مقاوم‌سازی فرهنگی و اقتصادی در برنامه ششم گنجانده شود.^{۱۰} این هم دلیل سومی است که ارائه پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم را توجیه می‌کند. به این سه دلیل اگر به این سؤال نپردازیم؛ کشور دچار زیان خواهد شد.

پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه دارای ۵ ساختار بحثی است که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

۷. «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» سندی علمی و کاربردی است که بر اساس مفاهیم آن می‌توان "چرائی، چیستی و چگونگی" تولید «الگوی پیشرفت اسلامی» را تبیین کرد.

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه <http://nro-di.blog.ir/1392/04/30>

۸. استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران ادامه داد: من مدت‌هاست که اعتقاد خود را نسبت به اینگونه لفاظی‌ها از دست داده‌ام و هر چه شما بیشتر به این سخنان توجه کنید، می‌بینید در انتهای آن هیچ چیزی وجود ندارد، فقط یک سری کلی‌گویی می‌شود. زیبا کلام بیان داشت: اصطلاحاتی مانند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و بومی‌سازی علوم انسانی؛ لفاظی و بازی کردن با کلمات است.

بخشی از سخنان دکتر صادق زیباکلام در مناظره با حجت‌الاسلام علی کشوری به نقل از خبرگزاری دانشجو، کد خبر: ۳۷۳۹۴۰

۹. ما حالا باید برای شکستن این طلسم فکر کنیم؛ کدام طلسم؟ این طلسم که کسی تصور کند که پیشرفت کشور باید لزوماً با الگوهای غربی انجام بگیرد. این وضعیت کاملاً خطرناکی برای کشور است.

بیانات امام خامنه‌ای [ع](#) در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

۱۰. سیاست‌های کلی برنامه ششم نیز با رویکرد مقاوم‌سازی اقتصاد و فرهنگ نوشته شده است.

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ریزی توسعه

سؤال ششم: دلیل عدم موفقیت نظام برنامه‌ریزی کشور در طول هفتاد سال اخیر چیست؟

خلاصه جواب: عدم ملاحظه فرہنگ جامعه ایرانی در نظام برنامه‌ریزی و نامتناسب بودن بایست برنامه‌ریزی توسعه با کشور ایران

سؤال ۶



بسم الله الرحمن الرحيم

طی مباحث گذشته این نتیجه حاصل شد که برای حل مشکلات برنامه ششم باید پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم را جدی بگیریم که این پیوست دارای ۵ ساختار بحثی است. اما ساختار اول این پیوست چیست؟

دبیر شورای راهبردی در گفت‌وگو با برنامه رهیافت رادیو اقتصاد^۱ پاسخ این سؤال را اینچنین ارائه کردند:

ساختار اول مباحث این است که ما معایب نظام برنامه‌ریزی کشور در هفتادسال گذشته را بررسی کرده‌ایم. شنوندگان فرهیخته شما استحضار دارند که ما از سال ۱۳۲۷ در کشور ایران برنامه داریم؛ پنج برنامه قبل از انقلاب اسلامی نوشته و اجرایی شده و پس از انقلاب اسلامی نیز پنج برنامه نوشته و اجرا شده است. ولی همه اذعان دارند که وضعیت برنامه‌ریزی در کشور، وضعیت خوبی نیست. بنده مکرر در جلسات از حضرت آقای نوبخت به خاطر اعتراف صادقانه‌ای که ایشان نسبت به ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی کشور در هفتادسال گذشته داشته‌اند تشکر کرده‌ام. ایشان در جایی فرموده بودند: ما ۱۰ برنامه‌ی توسعه نوشته‌ایم ولی حتی نتوانسته‌ایم به اهداف برنامه‌ی توسعه دست پیدا کنیم؛ یعنی به صورت روشن اعتراف کرده‌اند که نظام برنامه‌ریزی کشور دچار چالش جدی است.

حجت‌الاسلام کشوری در نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام به تبیین نظریات مطرح در پاسخ به سؤال "اشکال نظام برنامه‌ریزی کشوری در چیست؟" پرداختند:

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گفته است: مشکل، در شکل برنامه‌ریزی است.^۳ چندی قبل مشاهده کردید که شکل برنامه‌ریزی جدید دولت، صدای مجلس را بالا برده است. در واقع دولت در شکل جدید برنامه‌ریزی اختیارات دولت برای برنامه‌ریزی را زیاد کرده است. احکامی را به مجلس ارائه دادند تا مجلس برنامه ششم را قانونی کند ولی خود برنامه ششم را ارائه نکردند.^۴ پس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور معتقد است که شکل برنامه‌ریزی در ایران محل بحث است. آنها می‌خواهند به شکل جدیدی برنامه‌ریزی برسند. در طول هفتادسال گذشته شکل‌ها یکسان بوده ولی در حال حاضر می‌خواهند شکل جدید برنامه‌ریزی را اجرا کنند.

۱. ۱۳۹۵/۰۲/۱۸

۲. ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

۳. وی با بیان این که برنامه ششم توسعه براساس تجارب ۱۱ برنامه قبلی تدوین شده است گفت: یکی از آسیب‌های برنامه‌های قبلی این بود که قرار می‌شد در یک دوره ۵ یا ۷ ساله همه مسائل کشور مورد بررسی و برنامه‌ریزی قرار گیرد اما ما سعی کردیم موضوعات و محورهای مشخصی را در برنامه ششم مورد بررسی قرار دهیم. وی با بیان اینکه ۲۵ موضوع و ۴۵ محور در طول برنامه ششم بررسی و اجرایی خواهد شد گفت: چند موضوع به عنوان برنامه‌های اصلی مورد توجه بیشتر قرار خواهد گرفت. معاون رئیس جمهور گفت: برنامه ششم یک برنامه جامع‌نگر و مسأله محور است که به موضوعات خاصی می‌نگرد. سخنگوی دولت افزود: علاوه بر این طی ۵ سال آینده موضوعاتی نظیر آب، محیط زیست و صندوقهای بازنشستگی که اگر به آنها توجه نشود ممکن است به بحران تبدیل شود به صورت جدی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

وبسایت شبکه خبر، کد خبر: ۱۵۲۱۸۶

۴. عضو کمیسیون تلفیق برنامه ششم توسعه مجلس شورای اسلامی نیز در ارتباط تلفنی با این برنامه با بیان اینکه هیچ نماینده‌ای برنامه ششم را ندیده است، گفت: این اقدام دولت بدعت و کار جدیدی است و دولت می‌خواهد در حالی که نمایندگان برنامه را ندیده‌اند لایحه اجرای احکام آن را تصویب کنند. احمد توکلی افزود: این نخستین بار است که چنین می‌شود و این امر با آئین‌نامه داخلی مجلس و قانون برنامه و بودجه مغایر و ناسازگار است.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۹۸۲۸۳۵

دبیر شورای راهبردی در مناظره‌ی خود با دکتر معصومی‌راد^۵ در ردّ این پاسخ به این نکته اشاره کردند که:

برنامه‌ریزی توسعه در ایران یک تراژدی است؛ از سال ۱۳۲۷ ما ۱۰ برنامه داشته‌ایم، پنج برنامه قبل از انقلاب در زمان پهلوی و پنج برنامه نیز بعد از انقلاب در همین سازمان مدیریت نوشته‌ایم. اما به دلیل اینکه در سازمان مدیریت، انقلاب فکری رخ نداده است، با همین مدل‌های موجود حرکت کرده‌اند و تا به حال پنج برنامه را تدوین نموده‌اند. الآن نیز آقای نوبخت می‌فرمایند این برنامه‌ها عملیاتی نشده است. خُب آیا وقتی برنامه‌های توسعه ۱۰ بار در ایران نوشته شده ولی عملیاتی نشده‌اند، ما نباید به فکر فرو برویم؟! آیا باید دوباره [اشتباه کرده و] برنامه ششم را با همان مدل‌های ده‌گانه‌ی قبلی بنویسیم؟ آیا منطقی است که ما پنج برنامه بعد از انقلاب بنویسیم و سپس برنامه ششم را با همان مدل بنویسیم؟ یا مثلاً دوستان می‌فرمایند: «برنامه پنجم مشکل شکلی داشته و کتاب آرزوها بوده است؛ اما برنامه‌ی ششم مسأله‌محور است.» شما فکر نمی‌کنید که ماهیت برنامه‌ریزی توسعه در ایران محل بحث بوده و اشکال دارد؟ برنامه‌های توسعه با تغییر شکل در ایران عملیاتی نخواهند شد. آقای نوبخت یک در میان مصاحبه می‌کنند و می‌گویند: برنامه پنجم ۱۱۴۱ حکم است و بعد اذعان می‌کنند که چون ۱۱۴۱ حکم داشته‌ایم، نتوانسته‌ایم آنها را عملیاتی کنیم.^۶ خُب برنامه اول که ۱۱۴۱ حکم نیست؛ برنامه اول، برنامه مختصری است. ولی چرا برنامه اول عملیاتی نشده است؟^۷ لذا من از دوستان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خواهم می‌کنم که این بحث را مورد توجه قرار دهند. کارشناسان الگوی پیشرفت می‌گویند: علت اجرایی نشدن برنامه‌های توسعه در ایران، ماهیت توسعه غربی است نه اینکه اگر ما شکل برنامه‌ریزی توسعه را عوض کردیم، آن برنامه‌ها اجرایی خواهند شد. حالا البته شب دراز است و قلندر بیدار، ما تا پایان برنامه ششم صبر می‌کنیم. البته تمام تلاشمان را به کار می‌گیریم تا مردم ایران از ماهیت برنامه‌های توسعه خبردار شوند و در رایزنی‌هایمان با نمایندگان مجلس تمام تلاشمان را انجام خواهیم داد تا این بار برنامه‌های توسعه غربی در ایران تصویب نشوند و برنامه‌ها با نگاه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت باشند. اما اگر اتفاقاتی افتاد و مثلاً برنامه‌ی توسعه همانند برجام در ۲۰ دقیقه‌ای تصویب شد، پنج سال بعد می‌نشینیم و با هم بحث می‌کنیم. برادر عزیز! هفتادسال است که برنامه‌های توسعه در ایران شکست خورده‌اند. سازمان مدیریت باید آغوش خودش را باز کند و کارشناسان را از قم فراخواند -فراخوان واقعی نه به صورت صوری- و بگوید: ما در کشورمان نیاز به تدبیر و

۵. برنامه تیتراژ امشب ۱۳۹۴/۱۲/۲۳ (مناظره حجت‌الاسلام علی کشوری با دکتر رضا معصومی‌راد)

۶. نوبخت با یادآوری این که قانون برنامه پنجم با ۲۳۵ ماده تقدیم مجلس شده بود، اظهار داشت: برخی از این مواد احکام مربوط به برنامه‌های سوم و برخی مربوط به برنامه چهارم بودند. وی ادامه داد: آنچه به عنوان قانون برنامه پنجم در دستور کار دولت است جمع و تکراری از احکام و موادی است که در قوانین قبلی آمده بود و ما برای این که در برنامه ششم آسیب‌هایی که در برنامه‌های قبل وجود داشت تکرار نشود، تلاش کردیم و در نظر گرفتیم که برای برنامه ششم چه تعداد از این احکام لازم است تا به صورت دائمی استفاده شود.

سخنگوی دولت ادامه داد: این تکرار مواد قانونی باعث شد که یک هزار و ۱۱۴ حکم در قانون برنامه پنجم توسعه وجود داشته باشد که تکرار برنامه‌های گذشته بود به همین دلیل دولت و مجلس نمی‌توانستند این میزان حکم را بررسی و اجرا کنند.

۶. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، کد خبر: ۲۶۸۵۴۲

۷. فارس: به مدت ۱۰ سال کشور بدون برنامه توسعه و در قالب بودجه‌های سالیانه اداره می‌شد. برنامه اول توسعه از ابتدای سال ۶۹ به مدت پنج سال به اجرا درآمد؛ این برنامه چه ویژگی‌ها و اهدافی داشت؟

پژویان: بعد از جنگ، برنامه اول توسعه تدوین و اجرا شد. برنامه اول به روش برنامه‌ریزی نیمه متمرکز تدوین شد اما به طور کلی برنامه‌های نیمه متمرکز حتی قبل از انقلاب نیز در دنیا منسوخ شده بود و به همین دلیل مانند قبل از انقلاب به اهداف برنامه‌های توسعه نرسیدیم. البته به جز آخرین برنامه قبل از انقلاب که به دلیل افزایش ناگهانی قیمت نفت، از اهداف جلوتر بود که این هم مناسب نبود زیرا اگر برنامه وجود دارد باید طبق آن عمل شود. در برنامه اول و دوم نه تنها برنامه‌ها و اهداف اجرا و محقق نشد بلکه از اهداف نیز دورتر شدیم. در همان برنامه اول در سال ۷۴ تورم غول آسای ۵۰ درصد تجربه شد، پر واضح است که تمام ارقام برنامه به هم می‌ریزد.

گفت‌وگوی خبرگزاری فارس با جمشید پژویان (استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)، کد خبر: ۸۹۱۱۲۴۰۸۲۳





برنامه‌ریزی داریم و از طرفی نیز ۷۰ سال تدبیر مبتنی بر تئوری‌های غربی -از جمله مدل تری‌گیس^۸، مکتب نهادگرایی و نئوکینزی و غیره- را تجربه کرده‌ایم^۹ و در نتیجه شکست خورده‌ایم و حالا باید الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را به بحث بگذاریم و تدوین کنیم. ولی سازمان مدیریت آغوش خود را بسته است.

حجت‌الاسلام کشوری در نشست دانشگاه امام صادق علیه السلام در تکمیل این بحث این نکته را افزودند که:

ما بیان کرده‌ایم ریشه‌ی عدم اجرای برنامه‌های توسعه، عدم لحاظ فرهنگ بومی ایران است و یک آسیب‌شناسی دیگری ارائه داده‌ایم. پس ساختار بحثی‌ای که ذیل سؤال اول شکل می‌گیرد، مقایسه‌ی این دو دیدگاه است. سؤال این است که نظام برنامه‌ریزی کشور چه مشکلاتی دارد؟ در حال حاضر در پاسخ به این سؤال دو دیدگاه مقایسه می‌شوند. یکی دیدگاه نقشه‌ی راه ما و دیگری دیدگاه سازمان مدیریت است، باید قضاوت کنید.

۸. مدل «تری‌گیس»، سه ورودی بزرگ برای شناختن تعادل دارد که عبارت است از: «پس‌اندازو سرمایه‌گذاری»، «صادرات و واردات (موازنه ارزی)» و «بودجه و راندمان». اگر هر کدام از این سه ورودی در بطن خود دچار عدم هنجار و عدم تعادل شود، عدم تعادل اقتصادی رخ می‌دهد.

برگرفته از: مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، بهار ۱۳۸۴، محدودیت‌های اساسی رشد اقتصادی ایران بر اساس الگوهای سه شکافه

۹. به عنوان مثال برنامه اول با مدل تری‌گیس نوشته و برنامه ششم با مدل‌های نئوکینزی و نهادگرایی نوشته شده است.

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال پنجم: انتظارات انقلاب اسلامی از نظام برنامه ریزی چیست؟ (۱)

خلاصه جواب: بطن دولت‌سازی اسلامی و ایجاد زیرساخت‌های دولت اسلامی

سؤال ۷





بسم الله الرحمن الرحيم

در مباحث گذشته ساختار اول پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم را توضیح دادیم. اما ساختار دوم پیوست الگوی پیشرفت اسلامی چه مطلبی را بیان می‌کند؟

حجت‌الاسلام علی کشوری در نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام ^۱ به تبیین ساختار دوم پرداختند:

ساختار دوم مباحث این است که انتظار انقلاب اسلامی از نظام برنامه‌ریزی کشور چیست؟ انقلاب اسلامی از وقتی که روی کار آمده، انتظار خود از حوزه‌های مختلف را به صورت علمی بحث کرده است. مثلاً اگر شما به گفتمان انقلاب اسلامی رجوع کنید مشاهده می‌کنید که در ادبیات انقلاب راجع به وظایف زن مسلمان در دوران مدرن بحث شده است. به عنوان مثال برخی از نیروهای انقلاب گفته‌اند ما حضور اجتماعی زن را می‌پذیریم ولی حضور اکونومیک او را نه. بحث‌های مفصلی صورت گرفته است. حالا همین تبیین انتظاری که در حوزه زن و خانواده در گفتمان انقلاب و میان نیروهای انقلاب رخ داده باید در حوزه برنامه‌ریزی کشور نیز اتفاق بیفتد. ما نمی‌توانیم به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انتقاد کرده و درب آن را ببندیم. در دعواهای علمی و فکری باید سؤال محور حرکت نمود. ما در سؤال دوم پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم بحثی را مطرح کرده‌ایم تحت این عنوان که انتظار انقلاب اسلامی از نظام برنامه‌ریزی کشور چیست، این، اصل سؤال است.

این سؤال دارای دو پاسخ است که دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸^۲ یکی از پاسخ‌های این سؤال را ارائه کردند:

برای اینکه این سؤال جواب پیدا کند ما ناگزیریم مقدماتی را مطرح کنیم. به عنوان مقدمه‌ی اول باید مراحل تکامل انقلاب اسلامی را بحث کنیم. می‌دانیم که مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی برای تحقق تام آرمان‌های انقلاب، پنج گام تاریخی تعریف شده است. یعنی پنج مرحله فعالیت اجتماعی باید داشته باشیم تا نتیجه‌اش بشود تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی. مرحله اول: مرحله انقلاب اسلامی است. مرحله دوم: مرحله نظام اسلامی است. مرحله سوم: مرحله دولت اسلامی است. مرحله چهارم: مرحله جامعه اسلامی است و مرحله پنجم: مرحله تمدن اسلامی است.^۳ ما این پنج مرحله را در گفتمان انقلاب اسلامی داریم و در هر مرحله باید یک آبرمسأله را در دستور کار قرار دهیم^۴ تا یک قدم به سمت تحقق شاخصه‌های هویت اسلامی نزدیک شویم.

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

۲. ۱۳۹۴/۰۶/۲۹

۳. یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار دانشجویان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۴. اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی از این آبرمسأله به موضوع انتقال تعبیر کرده است.

"در تعریف موضوع انتقال باید بگوییم: انقلاب در هر مرحله از مراحل رسیدن به تمدن اسلامی با یک مانع خاص و بزرگ روبروست که مجموعه‌ی اولویت‌های برنامه‌ریزی در آن مرحله، باید معطوف به حذف این مانع بزرگ باشد؛ یعنی باید برای ساخت موضوعی تلاش کنیم که عامل حذف این مانع



مبتنی بر این تحلیل مراحل، اکنون ما در مرحله دولت اسلامی هستیم، یعنی ما از ابتدای انقلاب دو مرحله را طی کرده‌ایم و آینده ما هم مرحله جامعه اسلامی و مرحله امت اسلامی است.^۵ استدلال‌های این بحث در گفتمان انقلاب اسلامی موجود است و دوستان می‌توانند برای فهم بهتر بحث به آنجا رجوع کنند. در واقع حضرت آقا چهار بار در سخنرانی عمومی راجع به این موضوع بحث کرده‌اند و فرموده‌اند ما برای تحقق کامل شاخصه‌های هویت اسلامی باید این حرکت تدریجی پنج مرحله‌ای را طی کنیم و در هر مرحله هم به نتایجی می‌رسیم.^۶ اینکه ما در مرحله دولت‌سازی با نگاه اسلام هستیم؛ مقدمه اول بنده برای پاسخ به سؤال فوق است.

مقدمه دوم این است که مفهوم دولت اسلامی به صورت تفصیلی معنایش چیست؟ در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مبتنی بر ادبیات انقلاب، مرحله دولت‌سازی را به "مرحله نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه با نگاه اسلام" معنا کرده‌ایم.^۷

است. این موضوع بر طرف‌کننده مانع، موضوع انتقال نام دارد ... موضوع انتقال فعلی ما برای عبور از مرحله دولت اسلامی تولید الگوی پیشرفت اسلامی می‌باشد"

نشست معرفی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه علمی مروی ۱۳۹۱/۱۰/۱۳

۵. رهبر انقلاب، مرحله سوم را که اکنون در آن قرار داریم، «تشکیل دولت اسلامی» یعنی تشکیل دولتی براساس الگوها و معیارهای کاملاً اسلامی خواندند و افزودند: تا وقتی این مرحله به‌طور کامل محقق نشده است، نوبت به «تشکیل جامعه‌ی اسلامی» نمی‌رسد و در این صورت، موضوع سبک زندگی اسلامی نیز صرفاً در سطح گفتمان‌سازی در جامعه باقی خواهد ماند.

دیدار رهبر انقلاب با اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به نقل از دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=32895>

۶. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ - دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۰/۰۹/۲۱ - دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶ - دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۹

۷. این تعریف مبتنی بر مبنای انقلاب اسلامی می‌باشد. توضیح این مطلب به شرح ذیل است:

مبنا مصدر میمی از بنا به معنای ساختمان و ریشه‌ی فکری است؛ هنگامی که از اصطلاح مبنای انقلاب اسلامی در نقشه‌ی راه صحبت به عمل می‌آید، ریشه‌ی اصلی تفکر انقلاب مد نظر بوده که ساختمان اصلی انقلاب نیز در همین ظرف تشکیل شده است. با بررسی‌های انجام‌گرفته در اندیشه‌ی امام خمینی علیه السلام و امام‌خامنه‌ای علیه السلام از نظر هر دو بزرگوار مبنای حرکت انقلاب اسلامی مفهومی تحت‌عنوان نظام‌سازی اسلامی است ... نوآوری حرکت امام راحل علیه السلام آن بود که در عمل بر اساس فقه شیعه نظام‌سازی کردند؛ یعنی نهادهای اجتماعی را به شکلی تنظیم و ایجاد کرده که بر اساس فقه شیعه برنامه‌ریزی کنند.

... حال این سؤال مطرح می‌باشد که «نظام‌سازی اسلامی» در چند مرحله محقق خواهد شد؟ به تعبیر امام‌خامنه‌ای «نظام‌سازی اسلامی» در پنج مرحله اتفاق خواهد افتاد: ۱. مرحله انقلاب اسلامی ۲. مرحله نظام اسلامی ۳. مرحله دولت اسلامی ۴. مرحله جامعه اسلامی ۵. مرحله امت یا تمدن اسلامی.

... با توجه به این مطلب که فکر اصلی انقلاب «نظام‌سازی اسلامی» می‌باشد باید به این مطلب توجه شود که در هر مرحله نسبت به مفهوم «نظام‌سازی اسلامی» چه اتفاقی خواهد افتاد ... در مرحله اول یعنی انقلاب اسلامی، باید اختیارات لازم برای «نظام‌سازی اسلامی» کسب شود. اگر در پی ایجاد نهادسازی و نظام‌سازی هستیم، باید در قالب نظامات اجتماعی همه شرایط لازم برای اجرای احکام باید فراهم شود؛ این امر بدون اختیارات اجتماعی محقق نخواهد شد.

... مرحله دوم مرحله‌ی نظام اسلامی می‌باشد؛ «نظام‌سازی اسلامی» در این مرحله به دلیل وجود اختیارات در دست فقهای شیعه به نحو اجمالی - و با توجه به ظرفیت جامعه از جمله ظرفیت فکری، آمادگی مردمی، مجموعه شرایط بین‌المللی و داخلی موجود در آن روز - در بخش‌هایی تبیین و محقق گشت؛ یعنی برای آغاز حرکت به سمت پیشرفت، چهارچوب اصلی «نظام‌سازی اسلامی» در کشور پیاده شد. اوایل انقلاب سیستم دفاعی و امنیتی کشور بر اساس نظام‌سازی اسلامی در حوزه‌ی امنیتی و دفاعی توسط امام راحل علیه السلام پایه‌گذاری شد. «نظام‌سازی اسلامی» در حوزه‌ی دفاعی امنیتی دارای دو رکن اصلی می‌باشد: ۱. مشارکت مردمی ۲. ایمان و انگیزه‌های دینی بالا که در واقع تبلور این امر در بسیج و سپاه قابل مشاهده می‌باشد. در واقع مدل امنیتی کشور - که توسط امام راحل علیه السلام در اوایل انقلاب پایه‌گذاری گردید و ۸ سال جنگ تحمیلی نیز با همان مدل اداره شد - بر مبنای تئوری‌های دافوس و تئوری‌های فرماندهی ستاد غربی نمی‌باشد.

... در مرحله دولت اسلامی در آن بخش از حوزه‌ها که «نظام‌سازی اسلامی» را بحث نکرده‌ایم، باید این بحث را تبیین و محقق کرده و همچنین در آن حوزه‌هایی که قبلاً [نظامات اسلام] بحث شده بود، باید [این نظامات را] تکمیل و ترمیم کنیم. در مرحله دولت اسلامی باید کارهایی که انجام شده و



در تعریف نقشه راه سه قید وجود دارد: قید اول این است که باید در مرحله دولت اسلامی نظام‌سازی اجتماعی داشته باشیم. نظام‌سازی اجتماعی یعنی چه؟ یعنی باید بدانیم در بخش‌های مختلف روال‌ها و نظم‌های موجود در زندگی مردم نیازمند بازتعریف و تغییر هستند. به طور مثال الآن یک روال و نظمی برای آموزش وجود دارد و تفکر دولت‌سازی اسلامی بیان می‌کند که روال و نظم موجود در حوزه آموزش نیاز به تحول دارد. چون در روال موجود آموزش نمی‌توانیم افراد را با سبک زندگی اسلامی آشنا کنیم؛ پس باید این روال را متحول کنیم. شبیه همین اتفاقی که در حوزه آموزش لازم است، باید در حوزه اقتصاد هم رقم بخورد؛ یعنی چون در روال و نظم موجود برای حوزه اقتصاد و معیشت مردم، معایبی مانند ایجاد فاصله طبقاتی، گسترش ربا، گسترش تفکر مصرفی و ... وجود دارد؛ این روال و نظم باید تغییر کند. بنابراین زمانی که می‌گویند: در مرحله دولت‌سازی اسلامی به دنبال چه چیزی هستید؟ می‌گوییم: در مرحله دولت‌سازی اسلامی به دنبال این نیستیم که فقط خواسته‌های اسلام را استنباط و تبیین کنیم؛ بلکه به دنبال این هستیم که مبتنی بر درک تبیین شده‌ی خودمان از اسلام، روال‌های اجتماعی را تغییر دهیم. ضرورت بازتعریف نظامات اجتماعی، حرف اول نظریه دولت اسلامی است.^۸ نظام‌سازی اجتماعی بر اساس اسلام یعنی اینکه غلط است فقط به تبلیغ و تبیین اسلام بپردازیم و باید به تحقق اسلام فکر کنیم.^۹

مقابل مدل‌های موجود دنیا توانمندی داشته را تکمیل کرده و حوزه‌هایی که اصلاً در آنها ورود پیدا نکرده‌ایم - مثل اقتصاد و علم و بقیه حوزه‌ها - را مورد بحث قرار دهیم. پس دولت اسلامی؛ «نظام‌سازی اسلامی» به صورت تفصیلی است. یعنی در مرحله دولت اسلامی باید مبنای انقلاب - که «نظام‌سازی اسلامی» است - را به صورت تفصیلی بحث کنیم.

برای اطلاع بیشتر از این بحث به جلسات ۱۰ تا ۱۳ سلسله جلسات تبیین نقشه راه در رادیو معارف مراجعه کنید.

۸. نظام جمهوری اسلامی، هم ثابت دارد، هم تحول دارد. ثبات وجود دارد، یعنی حرکت، یک حرکت مستمری است به سمت آرمان‌ها؛ تذبذب و عوض کردن راه وجود ندارد؛ حرکت در خط مستقیم به سمت آرمان‌های معین است؛ اما سازوکارها عوض می‌شود. یک وقت انسان به سمت یک هدفی می‌رود، ناچار است سوار اتومبیل بشود، در یک بخشی ناچار است سوار قطار بشود، در یک بخشی ناچار است سوار هواپیما بشود، در یک بخشی هم ممکن است لازم باشد پیاده حرکت کند؛ اما هدف تغییرناپذیر است، اگرچه شکل حرکت تغییرپذیر است. بنابراین اگر بخواهیم این بخش را خلاصه کنیم، در پاسخ به این سؤال که مسأله‌ی جوانی و پیری نظام چگونه قابل حل است، باید بگوئیم: اولاً نوسازی نظام ممکن است، اما به معنای تجدیدنظر در آرمان‌ها نیست؛ زیرا این آرمان‌ها فطری است. دوم، نوسازی به معنای تغییر نظامات، تغییر سازوکارها، تغییر سیاست‌ها، عملی است، ممکن است، در مواردی هم لازم است و مانع از تحجر است؛ منتها باید بر طبق اصول باشد.

بیانات امام خامنه‌ای عج در دیدار دانشجویان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

۹. جریان سومی در جامعه اسلامی حضور دارد که مبنای آن نه اصلاح قرائت دینی است نه تبلیغ هویت اسلامی، بلکه نظام‌سازی است. باید به سه مقدمه توجه کنیم تا حرف «نظام‌سازی اسلامی» فهمیده شود.

مقدمه اول در جریان اسلام ناب، همان حرف اول جریان فهم سنتی از اسلام فقط با یک تفاوت است. حرف اول جریان فهم سنتی از اسلام چه بود؟ آنها می‌گفتند: زندگی برای فرد در سایه حلال و حرام بهتر می‌شود. اگر شما حلال و حرام و دین خدا را رعایت کنید، زندگی بهتر می‌شود. جریان اسلام ناب نیز عیناً همین ادعا را دارد، یعنی می‌گوید که بدون دین زندگی بسیار بد می‌شود. اگر کسی از خدا غافل شد، فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً زندگی بسیار سخت می‌شود. بنابراین جریان اسلام ناب و جریان فهم سنتی از اسلام در اصل اول مشترک هستند. هر دو معتقدند که اسلام، راه نجات دنیا و آخرت بشر است. در این جا اشتراک وجود دارد. اما هر دو جریان در این اصل با جریان روشنفکری مخالفت دارند. جریان روشنفکری معتقد است که زندگی مدرن مشکلات بشر را حل می‌کند ولی جریان فهم سنتی از اسلام و اسلام ناب - که هر دو در حوزه‌های علمیه حضور دارند - با این حرف غلط مخالف هستند. آنها می‌گویند: دین، دین خاتم است، اگر می‌خواهید تا روز قیامت زندگی ابناء بشر بهتر شود، باید این بهبودی را در دین خاتم پیگیری و برای آن برنامه‌ریزی کنید. بنابراین یک اصل مشترک وجود دارد.

اصل دوم جریان اسلام ناب می‌گوید: نمی‌توان بدون بررسی تأثیرات توسعه مادی، زمینه تحقق تکامل معنوی را آماده کرد. جریان اسلام ناب می‌گوید: گاهی برنامه‌ریزی برای توسعه مادی، زمینه تحقق تکامل معنوی را از بین می‌برد. به عنوان مثال جریان اسلام ناب در یکی از بحث‌های خود می‌گوید: اگر برای ایجاد توسعه مادی با مدل‌های موجود به پیش بروید، باید بدانید که در مدل‌های موجود زن به عنوان نیروی کار تلقی می‌شود. وقتی زن به عنوان نیروی کار تلقی شد، تربیت در خانواده علیل می‌شود و کافی است تربیت در خانواده علیل شود تا در پی این مسأله، تکامل معنوی دچار آسیب شود. این مسأله همواره به عنوان یک مثال ساده در دعوای طلبگی میان اسلام ناب و فهم سنتی از اسلام مطرح می‌شود. جریان اسلام ناب می‌گوید: شما گفتید توسعه مادی و تکامل معنوی مسائل جدایی هستند. جدا انگاشتن این دو مسأله باعث شده که توسعه مادی به تکامل معنوی ضربه بزند.



در تعریف ما از مرحله دولت اسلامی قید دومی هم وجود دارد: نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه. با این قید، نظام‌سازی اجتماعی را به صورت بخشی نفی می‌کنیم. نداشتن نقشه جامع برای فعالیت‌ها یک آفت بزرگ است. نگرش بخشی به تغییر نظامات اجتماعی در میان نیروهای انقلاب زیاد است. برای مثال بسیاری از نیروهای انقلاب به این نتیجه رسیده‌اند که نظام آموزشی دارای معایبی است و تلاش می‌کنند که روال اجتماعی را در حوزه آموزش تغییر دهند ولی دوستان ما از این مسأله غفلت کرده‌اند که نظامات اجتماعی بر یکدیگر تأثیر دارند. اگر شما فقط شروع به تغییر یک بخش کنید بخش‌های دیگر آثار منفی خود را بر بخش مورد نظر نشان می‌دهند و حرکت اصلاحی بخشی، آبرتر می‌ماند.

البته با قید همه‌جانبه ما می‌خواهیم بگوییم که ما در مرحله نظام اسلامی هم نیستیم. زیرا امام راحل عظیم‌الشان وقتی از مرحله انقلاب اسلامی عبور کردند - یعنی وقتی رژیم شاه را ساقط نموده و اختیارات اجتماعی را به دست گرفتند - در ۱۰ حوزه نظام‌سازی انجام دادند. ایشان از اختیارات خودشان استفاده کرده و در ۱۰ بخش روال اجتماعی‌ای که قبلاً تعریف شده بود را تغییر دادند.^{۱۰}

فرض کنید در حوزه دفاعی - امنیتی نظم مشخصی برای ایجاد امنیت وجود داشت که امام علیه السلام به دلیل ناکارآمد بودن این نظم با استفاده از تفکر بسیج مردمی آن را تغییر دادند. امروز حوزه دفاعی - امنیتی نظم جدیدی دارد. همچنین امام علیه السلام در حوزه رهبری جامعه، ساختارهای حکومتی را ذیل ولایت ولی امر و ولایت ولی فقیه بازتعریف نمودند. همچنین به عنوان نمونه‌ای دیگر ایشان در حوزه خدمات اجتماعی و محرومیت‌زدائی در ضمن اینکه بهزیستی و هلال احمر و ... را حفظ کردند، جهاد سازندگی و کمیته امداد و امثال آن را راه انداختند. بنابراین چون ایشان در ابتدای کار بودند بر اساس تفکر نظام‌سازی اجتماعی در ۱۰ حوزه نظام‌سازی اجتماعی انجام دادند و روال اجتماعی را در این ۱۰ حوزه تغییر دادند. حال ما در مرحله دولت‌سازی می‌خواهیم همین تفکر نظام‌سازی اجتماعی را در همه‌ی بخش‌ها پیگیری کنیم. با توجه به اینکه مرحله نظام اسلامی آغاز کار نظام‌سازی اجتماعی بود امام راحل در بعضی از مهم‌ترین "موضوعات

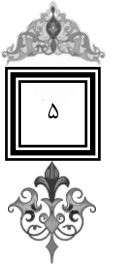
نمونه‌ی آن نیز فروپاشی و تضعیف نهاد خانواده است. اینکه زن نیروی کار محسوب شود، یکی از سفارشات است که به دنبال توسعه مادی در جامعه ترویج می‌شود. این مسأله باعث تضعیف نهاد خانواده شده است.

اصل دوم، جریان اسلام ناب را به مسأله «نظام‌سازی اسلامی» می‌رساند؛ نظامات اجتماعی در بخش سیاست، اقتصاد و فرهنگ باید بر مبنای دین طراحی شوند. اگر نتوانید نظامات اجتماعی را از دین استخراج کنید، نظامات اجتماعی بخش مادی، حوزه‌های معنوی را در نوردیده و لوازم توسعه مادی را به میزانی بحث می‌کنند که مثلاً نهاد خانواده دچار فروپاشی می‌شود و همین یک مسأله کافی است، اگر نهاد خانواده تضعیف و دچار آفت شود، رشد انسان‌ها دچار مشکل می‌گردد. در فضای دینی، خانواده اصل در تکامل معنوی می‌باشد. برای جلوگیری از این مشکلات باید چه کار کرد؟ باید نظامات اجتماعی اسلام را نیز استنباط کنیم. باید در حوزه اقتصاد، فرهنگ، سیاست، آموزش، قضا و قضاوت و حقوق به این سمت حرکت کنیم که نظامات اجتماعی اسلام را استنباط کنیم. اگر تمام این نظامات استنباط و استخراج شوند، مسائل دنیایی و تکامل معنوی تأمین می‌شود، بر خلاف جریان فهم سنتی که می‌گفت: باید تبلیغ کنیم. اگر ما بخواهیم تبلیغ محض کنیم، می‌توانیم به تبلیغ خود بپردازیم؛ اما باید بدانیم که خارج کردن زنان از خانه و تبدیل آنها به نیروی کار، خانواده را دچار فروپاشی می‌کند.

 جلسه هفتم از سلسله جلسات هم‌اندیشی پنجم ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

۱۰. بر اساس جمع‌بندی‌های کار گروه پژوهشی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی تفکر انقلاب اسلامی در مرحله نظام اسلامی (مرحله دوم انقلاب اسلامی) در هشت محور اصلی: ۱. رهبری جامعه و ساختار سیاسی (تخصیص تفکیک قوا به نظریه مرفقی ولایت فقیه) ۲. قانون‌گذاری (تشکیل شورای نگهبان بر اساس نظریه احراز عدم مخالفت قطعی قوانین با شرع محکم) ۳. فقرزدائی و رسیدگی به امور مستضعفین (تشکیل نهادهای جهادی مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد، ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفین و...) ۴. فرهنگی، دفاعی (نظریه الهی بسیج) ۵- اطلاعاتی، امنیتی (وزارت اطلاعات) ۶. اقتصادی (تشکیل قرض الحسنه‌ها در اشکال مختلف) ۷. تربیتی (امور تربیتی و...) ۸. زیارتی (بازتعریف اماکن زیارتی؛ به عنوان مراکز فرهنگی و آموزشی)

<http://nro-di.blog.ir/1395/03/10-2> پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه



جهت‌ساز^{۱۱} نظام جدیدی را ایجاد کردند. پس با قید همه‌جانبه، هم می‌خواهیم به تفاوت مرحله دوم و مرحله سوم انقلاب اشاره کنیم و هم می‌خواهیم به نا کارآمدی حرکت‌های بخشی در مرحله دولت‌سازی اشاره کنیم.

ما یک قید سومی هم در تعریف دولت‌سازی آورده‌ایم و آن نظام‌سازی اجتماعی همه‌جانبه بر اساس اسلام است. تأکید می‌کنم ما با این قید می‌خواهیم از تفکر سیستمی فاصله بگیریم، حتی به نظر من وقتی ما از کلمه نظام‌سازی اجتماعی استفاده می‌کنیم، این کلمه را از روایت امام رضا علیه السلام در تعریف مقام امامت گرفته‌ایم. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند "الإمامه ... نظام المسلمین".^{۱۲} ولی بعضی از دوستان برای تفکر دولت‌سازی از تفکر سیستمی استفاده می‌کنند. ما با قید سوم به آن دوستان متذکر می‌شویم که نظام‌سازی غیر از سیستم‌سازی است.

۱۱. «موضوعات جهت‌ساز» سه ویژگی دارند. ۱. موضوعات غیر قابل انکار جامعه می‌باشند. غیر قابل انکار یعنی چه؟ یعنی کسی ضرورت پرداختن به آنها را انکار نکرده و نگوید موضوع دستم چندم کشور هستند. بلکه باید بگوید که همین الان ضرورت دارد به آن موضوع بپردازیم. برخی از موضوعات اینگونه هستند.

آیا فقط وصف غیر قابل انکار کفایت می‌کند؟ آلودگی هوا نیز غیر قابل انکار است. نه؛ غیر قابل انکارهایی که قابل ترجمه به جهت باشند و بتوانیم آنها را به جهت ترجمه کنیم. ما [در نقشه راه] گفته‌ایم که یکی از موضوعات انتقال [«موضوعات جهت‌ساز»] -مسأله پیشگیری از جرم است. وصف اول را در مورد آن بررسی کرده و دیدیم که حداقل قوه قضائیه -یعنی یکی از سه قوه اصلی کشور- آن را غیر قابل انکار دانسته و اولویت بررسی آن را قبول دارد. بنابراین این موضوع، وصف اول را احراز کرده است. به وصف دوم آمدم و دیدیم که ترجمه این موضوع به جهت آسان بوده و لازم نیست ده‌ها لازمه و مقدمه برای آن مطرح کنیم. ما مسأله‌ای تحت عنوان پیشگیری از جرم داریم که آن را با سه سؤال ترجمه می‌کنیم. این ترجمه به سرعت حتی برای اهالی یک روستا نیز اتفاق می‌افتد. سؤال اول: جرم، محصول چیست؟ جرم محصول بی‌تربیتی است. آدمی که بی‌تربیت است جرم انجام می‌دهد. تربیت محصول چیست؟ بی‌تربیتی محصول، بی‌پدر و مادر بودن است. انسان وقتی خانواده نداشت بی‌تربیت می‌شود. می‌بینید که خیلی ساده صحبت می‌کنیم و قابل فهم است؛ هم کارشناسان قبول دارند و هم مردم می‌فهمند. سؤال سوم: خانواده چگونه دچار فروپاشی می‌شود؟ پدر و مادری که سن تربیت آنها اشغال شده و روابط خانواده را یاد نگرفته‌اند، نه مرد و نه زن یاد نگرفته‌اند؛ بچه‌های خود را بد و بی‌تربیت بار می‌آورند و در نتیجه جرم ایجاد می‌شود. بنابراین مقصر، سیستم آموزشی است که مسائل خانواده را لجستیک نمی‌کند. همانطور که می‌بینید خیلی راحت و قابل فهم است. سیستم تولید جامعه می‌گوید: زن نیروی کار است؛ یعنی بخش مفید شخصیت مترقی زن را به بخش تولید اختصاص داده و خانواده را تضعیف می‌کند. سیستم تولید فعلی نیز خانواده را تضعیف و تربیت را با چالش روبرو می‌کند. بنابراین الگوی اداره جامعه، خانواده را تضعیف می‌کند و اگر خانواده تضعیف شود، تربیت به چالش کشیده می‌شود. اگر تربیت با مشکل مواجه شود جرم ایجاد می‌گردد. ما مسأله را به صورت خیلی ساده تحلیل کردیم. هم غیر قابل انکار بود و هم قابل ترجمه به جهت.

وصف سوم «موضوعات جهت‌ساز» چیست؟ باید مشارکت‌پذیر باشند. به قول ما؛ تا سوت زدید همه بیایند و بگویند ما حاضریم کمک کنیم. مثلاً در مسأله ترافیک -غیر از این اشکال که به راحتی ترجمه نمی‌شود؛ بعضی از موضوعات را یا نمی‌توان به جهت ترجمه کرد یا بسیار سخت و با لوازم بعیده ترجمه می‌شوند- اگر به مردم بگویید رفت‌وآمد خود را کنترل کنید، کسی به این مسأله میل نشان نمی‌دهد؛ زیرا در زندگی عمومی به حمل و نقل خیلی وابستگی وجود دارد. ولی اگر موضوعاتی را انتخاب کنیم که مشارکت‌پذیر هستند و همه اعلام آمادگی کنند [به راحتی محقق می‌شود]. مانند موضوع پیشگیری از جرم؛ اگر به دانشمندان بگویید حاضرند کمک کنند، مردم نیز حاضر به همکاری هستند. مشارکت‌پذیر بودن، وصف سوم «موضوعات جهت‌ساز» است. اگر موضوعاتی با این اوصاف پیدا کردید -که ما ۸۱ مورد از آنها را شناسایی کرده‌ایم- می‌توانید «جهت حرکت انقلاب اسلامی» را حفظ کنید. [چرا این نقاط را شناسایی کرده‌ایم؟ چون باید حرکت را شروع کرد و نمی‌توان این کار را از نقطه سخت آغاز نمود. اگر مردم حمل و نقل خود را تغییر دهند در شهر بزرگی مانند تهران چگونه زندگی کنند؟ ولی اگر به آنها بگوییم بیایید مسأله خانواده را تقویت کنیم، اگر به جوان‌ها بگویید بیایید برای شما زن بگیریم، چه اتفاقی می‌افتد؟ این مسأله تهران و غیر تهران ندارد! مشارکت‌پذیر می‌باشد؛ پدر و مادرها حاضر هستند مشارکت کنند، حکومت کمک می‌کند، نخبگان نیز حاضر به همکاری هستند.

^{۱۲} جلسه ششم از سلسله جلسات تبیین الگوی حفظ جهت در مدرسه رویش کاشان ۱۳۹۲/۰۱/۲۹

۱۲. قال الرضا علیه السلام: إِنَّ الْإِمَامَةَ زَمَامَةُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ

امام رضا علیه السلام فرمودند: امامت نظام دین و نظام و تشکیلات مسلمانان است.

کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۴۰۷ ق. ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱



با این مقدماتی که بنده عرض کردم انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی واضح است. ما از حوزه برنامه‌ریزی کلان کشور انتظار داریم زیرساخت‌های بخش دولت‌سازی اسلامی را آماده کند. تفکر دولت‌سازی اسلامی در یک محورهایی در حال گسترش است و در آن بخش‌ها نیازمند زیرساخت‌های قانونی، محاسباتی و ... است که بخشی از آن در برنامه ششم باید برطرف شود. تا اینجا ما به سؤال دوم جواب دادیم. شما می‌پرسید اساساً انقلاب اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چه انتظاری دارند؟ پاسخ این است که باید برای تفکر دولت‌سازی در برنامه ششم و دیگر برنامه‌ها زیرساخت‌گذاری شود.



امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال ششم: وضعیت نظریه دولت‌سازی اسلامی در حال حاضر چگونه است؟

خلاصه جواب: پیکیری نظریه دولت‌سازی اسلامی توسط رهبر انقلاب و نیروهای انقلاب در چهار عرصه

سؤال ۸





بسم الله الرحمن الرحيم

در مباحث گذشته در پاسخ به سؤال "انقلاب اسلامی چه انتظاری از نظام برنامه‌ریزی دارد؟" بیان شد که انتظار انقلاب، بسط دولت‌سازی اسلامی است. پس از این مطلب باید به این مسأله پرداخت که آیا دولت‌سازی اسلامی نظریه‌ای است که در حال حاضر نیز توسط نظام مبارک جمهوری اسلامی پیگیری می‌شود یا خیر؟

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸^۱ به پاسخ این سؤال پرداختند:

اساساً این سوال مطرح است که اکنون نظریه دولت اسلامی در چه وضعیتی قرار دارد؟ آیا نظریه دولت اسلامی الآن در کتابخانه‌هاست (یعنی نظریه‌ای غیر کاربردی است)؟ آیا نظریه دولت‌سازی الآن با روی کار آمدن دولت یازدهم متوقف شده است و یا در مرحله اجرا قرار دارد؟ بر اساس مطالعات ما، نیروهای انقلاب بر اساس فکر دولت‌سازی الآن مشغول چهار بسته‌ی کاری هستند و این نظریه به دلیل ماهیت جامع‌شناختی خویش علی‌رغم تلاش جریان توسعه‌گرا به حیات خود ادامه می‌دهد.

بسته اول فعالیت‌هایی که تحت اشراف آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام و بر اساس نظریه دولت‌سازی اسلامی انجام می‌گیرد: اثبات دائمی ناکارآمدی نظامات مدرن و تفکر توسعه‌گرا است. این خط‌کاری که در کشور الآن انجام می‌شود در واقع به عنوان مقدمه و زیرساخت نظری برای دولت‌سازی اسلامی عمل می‌کند. فعالیت‌های مرتبط با اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا خودش شامل سه دسته است:

اولین کاری که آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام دائماً به کمک نیروهای جبهه‌ی انقلاب انجام می‌دهند این است که به ادبیات توسعه نقد گفتمانی می‌زنند. به عنوان مثال وقتی ایشان در نشست اندیشه‌های راهبردی از عدالت صحبت می‌کنند^۲ در واقع یک اشکال به تفکرات توسعه‌گرا وارد می‌کنند و می‌گویند توسعه، قدرت تحقق عدالت را ندارد. همچنین با نام‌گذاری سال‌ها و دهه‌ها -مانند نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب به دهه عدالت و پیشرفت^۳- فضای گفتمانی ضد توسعه را در جامعه گسترش می‌دهند.

۱. ۱۳۹۴/۰۶/۲۹

۲. دومین نشست اندیشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران با موضوع عدالت در تاریخ ۱۳۹۰/۰۲/۲۷ برگزار شد. بخشی از سخنان امام خامنه‌ای علیه السلام در این نشست:

اساساً رویکرد نگاه اسلامی به عدالت، با رویکرد نظام‌های غربی و نظریه‌های غربی متفاوت است. در اسلام، عدالت ناشی از حق است؛ همانطور که دوستان اشاره کردند -خوشبختانه حرف‌های خوبی در این جلسه زده شد که بنده را بی‌نیاز می‌کند از توضیح بیشتر و توسع در کلام- و علاوه بر این، در عدالت «باید» وجود دارد؛ یعنی از نظر اسلام، عدالت‌ورزی یک وظیفه‌ی الهی است؛ در حالی که در مکاتب غربی اینجور نیست. در مکاتب غربی به اشکال مختلف عدالت مطرح می‌شود -در سوسیالیسم یک جور، در لیبرالیسم یک جور- با همه‌ی تطورات و شکل‌های گوناگونی که این مکاتب داشته‌اند. در هیچ‌کدام از اینها، نگاه به عدالت، یک نگاه بنیانی و اساسی و مبتنی بر ارزش‌های اصولی مثل دین و مثل اسلام نیست.

۳. به توفیق الهی، به اذن الله تعالی باید دهه چهارم این انقلاب -که در نزدیکی آن هستیم- دهه‌ی (عدالت و پیشرفت توأمان) باشد؛ یعنی پیشرفت چشمگیر و عدالت محسوس در سطح کشور. برنامه‌ها را باید اینجور تنظیم کرد. و این، ملت و کشور ما را آسیب‌ناپذیر می‌کند.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۷/۰۶/۲۹



نامگذاری دهه چهارم انقلاب یک اتفاق بسیار مهم است؛ چرا که امام خامنه‌ای عجله‌الله پیشرفت را همراه با عدالت مطالبه می‌کنند.^۵ کاملاً برخلاف نظریات غربی که می‌گویند: باید عدالت مؤخر از توسعه اتفاق بیفتد^۶ و البته در عمل هم اساساً توسعه منجر به عدالت نمی‌شود. بزرگترین شاهد این مسأله هم آن است که در توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا ۵۰ میلیون کوپن غذا می‌گیرند.^۷ معنای دیگر ۵۰ میلیون کوپن غذا این است که آنجا شغلی هم ایجاد نشده است و آلا نیازی به کوپن غذا نبود. بنابراین در آنجا عدالت به چالش کشیده شده و فاصله طبقاتی امری مَحْرَز است.

ایشان در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸ به تبیین دسته دوم فعالیت‌ها برای اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا پرداختند:

دسته دوم فعالیت‌هایی که برای اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظام‌سازی مدرن الآن در حال انجام است؛ چارچوب‌گذاری برای فعالیت جریان توسعه‌گرا در قالب ابلاغ سیاست‌های کلان است. مثلاً ایشان در بخش برنامه ششم کشور اعلام کردند که من این سیاست‌ها را با نگاه مقاوم‌سازی فرهنگ ابلاغ کرده‌ام.^۸ یا در دوره‌های قبل که حضرت آقا سیاست‌ها را ابلاغ کردند بر مسأله عدالت بسیار تأکید نمودند.^۹ این سیاست‌ها

۴. شماره ۲۱۵ هفته‌نامه ۹ دی ۱۳۹۴/۱۰/۱۸

۵. وقتی نگاه می‌کنیم، برای دهه‌ی چهارم برای این ده سالی که پیش روی ماست دو شاخص عمده وجود دارد که باید این دو را حتماً بدست بیاوریم: یکی پیشرفت است، یکی عدالت. ما مثل بعضی از کشورها و نظام‌های دنیا فقط به پیشرفت فکر نمی‌کنیم؛ ما پیشرفت را همراه با عدالت می‌خواهیم. خیلی از کشورها هستند که از لحاظ علمی پیشرفت کرده‌اند و به آمارها و شاخص‌های اقتصادی آنها که نگاه می‌کنیم، ملاحظه می‌کنیم که مثلاً درآمد سرانه‌ی آنها خیلی هم بالاست؛ اما مسأله‌ی مهم این است که این درآمد سرانه در میان ملت چه جور تقسیم می‌شود؛ این آن نکته‌ای است که نظام‌های غیر الهی و نظام‌های رونوشت‌کرده‌ی از نسخه‌های استکباری، دیگر به آن توجه نمی‌کنند. ما نمی‌توانیم توجه نکنیم؛ ما می‌خواهیم کشورمان از همه‌ی جهات، از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی به پیشرفت برسد، مردم به رفاه دست پیدا کنند؛ اما در کنار پیشرفت، ما می‌خواهیم کشور عادلانه و با عدالت اداره بشود؛ این مهم است. نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است، نه پیشرفت بدون عدالت. عدالت بدون پیشرفت یعنی برابری در عقب‌ماندگی، برابری در فقر؛ این را نمی‌خواهیم. پیشرفت بدون عدالت را هم هرگز مطالبه نمی‌کنیم؛ **پیشرفت، همراه با عدالت**، باید فواصل طبقاتی کم بشود. باید آن کسانی که برای تحرک استعداد دارند، فرصت‌های برابر دریافت کنند؛ اگر کسی تنبلی کرد، تنبلی‌اش به گردن خودش. نباید اینجور باشد که در برخی از مناطق کشور مجال برای تلاش علمی یا تلاش اقتصادی نباشد، اما بعضی‌ها از منابع و از امکانات کشور به طور بی‌نهایت بتوانند استفاده کنند؛ نه، هنر این است.

بیانات رهبر انقلاب در حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۱۰/۱

۶. کسانی که معتقد به تعارض میان رشد و عدالت هستند، معتقدند: اجرای عدالت، در آغاز جریان توسعه غیرممکن و یا دست‌کم بسیار دشوار است. اجرای عدالت مشروط به دستیابی به نرخ بالای رشد اقتصادی است. یعنی باید در کوتاه‌مدت (حداقل یک نسل) از اجرای عدالت صرف‌نظر کرد تا در بلندمدت، کل جامعه از نتایج توسعه بهره‌مند شوند. در اوایل روند توسعه اقتصادی، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد، اما به تدریج، از میزان این نابرابری‌ها کاسته خواهد شد. کورنتس، معتقد است با توجه به بالابودن میل نهایی به مصرف در میان اقشار کم‌درآمد، توزیع عادلانه‌تر درآمدها تنها سبب افزایش تقاضا خواهد شد. وقتی توسعه اقتصادی مراحل اولیه را پشت سر نهاد، نیروی کار تخصص لازم را به‌دست می‌آورد و در نتیجه بر دستمزدها افزوده خواهد شد. این مسأله خود سبب‌ساز کاهش نابرابری درآمدها می‌شود.»

قره‌باغیان، مرتضی؛ اقتصاد رشد و توسعه، ج ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۷۰، ص ۲۵

۷. ۴۷ میلیون آمریکایی کوپن غذا دریافت می‌کنند.

وبسایت واشینگتن تایمز <http://www.washingtontimes.com/news/2014/jan/7/obamas-rhetoric-on-fighting-poverty-doesnt-match-h/?page=all>

۸. این مجموعه پس از بررسی‌های فراوان و مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و بر پایه‌ی محورهای سه‌گانه‌ی «اقتصاد مقاومتی»، «پیشسازی در عرصه‌ی علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» تنظیم شده است.

قسمتی از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور ۱۳۹۴/۰۴/۰۹

۹. انتظار می‌رود این سیاست‌ها که با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت تنظیم شده، بتواند در جای جای کلیه فعالیت‌های کشور چه در بُعد تقنین و چه در بُعد اجرا ظاهر گردد. بی‌گمان اهتمام و دقت نظر جنابعالی و هیئت محترم دولت و مجلس محترم شورای اسلامی و سایر دستگاه‌های رئیسی نظام می‌تواند در این باره نقش تعیین‌کننده ایفا کند. انتظار دارم در دوره‌ی پنج‌ساله آینده اقدامات اساسی برای تدوین الگوی توسعه ایرانی-



ابلاغ می‌شود ولی ذیل آنها احکام برنامه‌ی متناسب از سوی جریان توسعه‌گرا پیشنهاد نمی‌شود و این خودش می‌شود اثبات ناکارآمدی جریان توسعه‌گرا. وقتی این جریان بعد از چند برنامه‌ی توسعه می‌گوید: اول توسعه بعد عدالت؛ یعنی اینکه من برای عدالت برنامه ندارم. "اول توسعه بعد عدالت" شعار است؛ چون در آمریکای توسعه‌یافته ۵۰ میلیون نفر کوپن غذا می‌گیرند و قیام‌وال‌استریت^{۱۰} راه می‌افتد. اگر میوه‌ی توسعه عدالت بود الآن در توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیا عدالت وجود داشت.

دسته سوم فعالیت‌هایی که برای اثبات ناکارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظام‌سازی مدرن در حال انجام است: میدان تست و آزمایش‌دادن به تفکر توسعه‌گراست. آخرین نمونه کاری از این نوع - که آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه‌السلام به همراه جریان گسترده‌ی نیروهای انقلاب انجام داده‌اند - پروژه‌ی نرمش قهرمانانه در حوزه سیاست خارجی است.^{۱۱} این پروژه در واقع نوعی محک برای کارآمدی تفکرات توسعه‌گرا و نظریه سیاست خارجه توسعه‌گرا محسوب می‌شود.

بسته‌ی دوم فعالیت‌هایی که نیروهای انقلاب به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام جهت پیشبرد نظریه دولت اسلامی انجام می‌دهند عبارت است از تکمیل نظام‌سازی‌های اجتماعی دوره‌ی امام راحل عظیم الشان. همان ۱۰ حوزه‌ای که امام راحل عظیم الشان در آن نظام‌سازی انجام دادند؛ در زمان آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه‌السلام به کمک نیروهای انقلاب در حال تکمیل است. فرض بفرمائید اگر بخواهیم رشد بسیج و سپاه را از حیث کارآمدی و قدرت با اول انقلاب مقایسه کنیم، رشد آن کاملاً واضح است. بنابراین کار دومی که نیروهای انقلاب الآن انجام می‌دهند تکمیل نظام‌سازی‌های دوران امام راحل است که این هم ذیل نظریه دولت اسلامی انجام می‌شود.

حجت‌الاسلام کشوری در گفت‌وگو با ۹ دی به تبیین بیشتر بسته‌ی دوم فعالیت‌ها پرداخت:

اگر شما نظام‌سازی‌های اجتماعی دوره حضرت امام را با حال حاضر مقایسه کنید اذعان خواهید کرد که ذیل مدیریت عالی امام خامنه‌ای علیه‌السلام نظام‌سازی‌های اجتماعی به یک بلوغ و پختگی رسیده است. برای مثال اگر در حال حاضر نهاد ولایت فقیه را رصد کنید؛ خواهید دید که نهاد ولایت فقیه به یک دستگاه کارشناسی قابل اتکا تبدیل شده است. در گزارش جریان‌های ضد انقلاب مکرر مشاهده می‌کنیم که یکی از علت‌های نفوذ کلام امام خامنه‌ای علیه‌السلام

اسلامی که رشد و بالندگی انسان‌ها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ای متکی بر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تحقق شاخص‌های عدالت اجتماعی و اقتصادی در گرو آنست، توسط قوای سه‌گانه‌ی کشور صورت گیرد.

قسمتی از سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه کشور ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

اینک به فضل و عنایت خداوند سبحان و توجهات حضرت بقیة‌الله الاعظم ارواحنا فداه سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله سوم برابر اصل یکصد و دهم قانون اساسی ابلاغ می‌گردد.

این سیاست‌ها با هدف: **استقرار عدالت اجتماعی**، ارتقاء دینی و علمی و فرهنگی، امنیت و رفاه اقتصادی، افزایش عزت و اعتبار بین‌المللی که در مدت برنامه‌ی سوم از اولویت برخوردار است، با اصرار مؤکد بر حضور و مشارکت مردم تنظیم شده و می‌تواند پایه و چهارچوب متین و قابل تحقیقی برای پیشرفت و توسعه‌ی کشور باشد، ان‌شاء‌الله.

قسمتی از سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه کشور ۱۳۸۷/۰۲/۳۰

۱۰. اشغال‌وال‌استریت، (OWS) نام جنبشی اعتراضی است که در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ در پارک زاگوتی واقع در بخش مالی وال‌استریت در شهر نیویورک آغاز گردید و در ادامه توجه جهانی را به خود معطوف نموده و موجب شکل‌گیری جنبش‌های اشغال‌طلبانه در برابر بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی در سطح جهان گردید.

وبسایت جنبش اشغال‌وال‌استریت / <https://occupywallst.org/about/>

۱۱. اشاره به مجوز رهبر انقلاب به وزارت امور خارجه‌ی دولت یازدهم برای مذاکره با ۵+۱ در موضوع هسته‌ای



را اقدامات کارشناسی بیت رهبری با کمترین قابلیت خدشه، معرفی می‌کنند. یعنی دستگاه ولایت فقیه از حیث کارشناسی کاملاً تکامل یافته است. مثال دیگر نظام‌سازی حضرت امام علیه السلام، در حوزه امنیت و ایجاد سپاه و بسیج بود. اما امروزه یک سپاه و بسیج پیشرفته و توانمند در سطح ملی و بین‌المللی داریم. شاهد بزرگ ما برای این توانمندی آن است که تاکنون تقریباً تمام برنامه‌ریزی‌های نظام استکبار در منطقه، اعم از سوریه، عراق و ... با تدبیرها و اقدامات مستشاری سپاه، به شکست منجر شده است. توسعه‌گراها در قالب برنامه چهارم توسعه و ذیل حکم کوچک‌سازی دولت،^{۱۲} نهاد جهاد سازندگی را که از ابداعات و نظام‌سازی‌های امام علیه السلام برای محرومیت‌زدایی بود منحل و در وزارت کشاورزی ادغام کردند.^{۱۳} امام خامنه‌ای علیه السلام به تدریج بسیج سازندگی و اردوهای جهادی را برای جبران این خسارت ایجاد نموده و اجازه ندادند نظام‌سازی‌های مبارک حضرت امام با استدلال‌های توسعه‌گراها از بین برود. راستی چرا به اسم کوچک‌سازی دولت، جهاد کشاورزی منحل شد؟! چرا وزارت‌خانه‌ی ناکارآمد دیگری منحل نشد!؟

دبیر شورای راهبردی در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸ بسته‌های سوم و چهارم فعالیت‌های نیروهای انقلاب به رهبری آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام را اینچنین تشریح کردند:

بسته سوم فعالیت‌هایی که نیروهای انقلاب به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام در راستای تحقق نظریه دولت اسلامی انجام می‌دهند عبارت است از آغاز نظام‌سازی اجتماعی در حوزه‌های جدید. بر اساس نظریه دولت‌سازی، نظام‌سازی اجتماعی در حوزه‌ی فرهنگ، حوزه آموزش و حوزه اقتصاد آغاز شده است. میوه‌ی اولیه‌اش هم تشکل‌های خودجوش فرهنگی است. آیت‌الله امام خامنه‌ای علیه السلام راجع به تشکل‌های خودجوش فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی توصیه کردند که موانع قانونی آنها را تسهیل کنند.^{۱۴} ایشان ساختارهای رسمی فرهنگی را حفظ، نصیحت و چهارچوب‌گذاری می‌کنند، ولی تشکل‌های خودجوش فرهنگی را در کنارشان ایجاد کردند. این در زمان حضرت امام علیه السلام نبوده است. کار دومی که آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام ذیل بسته سوم انجام دادند آغاز نظام‌سازی اجتماعی در حوزه اقتصاد است. شما می‌دانید تأکید ایشان بر شرکت‌های دانش‌بنیان،^{۱۵} بر مردمی شدن اقتصاد^{۱۶} و مجموعه تلاش‌هایی که ایشان انجام می‌دهند

۱۲. ماده ۱۴۵ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بحث کوچک‌سازی دولت اختصاص یافته است.
 ۱۳. ادغام جهاد سازندگی در وزارت کشاورزی بر اساس لایحه شماره ۲۰۴۲۳/۲۳۲۶۰ مورخ ۱۳۷۹/۰۵/۲۶ انجام گردید.
 ۱۴. با توجه به رویش‌های معتنا به و جوشش‌های فراوان فعالیت‌های فرهنگی در سطوح مردمی، خصوصاً جوانان مؤمن و انقلابی، دستگاه‌های فرهنگی نظام و در رأس آنها شورای عالی انقلاب فرهنگی باید نقش حلقات مکمل و تسهیل‌گر و الهام‌بخش را در فعالیت‌های خودجوش و فراگیر مردمی عرصه‌ی فرهنگ برای خود قائل باشند و موانع را از سر راه آنها کنار بزنند.

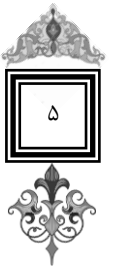
حکم امام خامنه‌ای علیه السلام به مناسبت آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۳/۷/۲۶

۱۵. یکی از لازم‌ترین کارها این است که از بنگاه‌های تولیدی متوسط و کوچک حمایت بشود؛ یکی از کارها این است که فعالیت‌های بنگاه‌های دانش‌بنیان تقویت بشود. اینکه ما روی علم و فناوری تکیه می‌کنیم، فقط به خاطر این نیست که می‌خواهیم نصاب علمی خودمان را بالا ببریم؛ پیشرفت علم و فناوری به پیشرفت اقتصاد کمک می‌کند؛ بنگاه‌هایی که دانش‌بنیان هستند می‌توانند به اقتصاد ملی کمک کنند.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱

۱۶. اگر در کشور اقتصاد مقاومتی باشد، هیچ‌کدام از این تکانه‌های بین‌المللی نمی‌تواند به زندگی مردم آسیب وارد کند. اقتصاد مقاومتی یعنی این؛ یعنی در داخل کشور، ساخت اقتصادی و بنای اقتصادی جوری باشد که از نیروهای مردم استفاده بشود، کمک واقعی گرفته بشود، برنامه‌ریزی بشود، بنای اقتصادی استحکام پیدا کند - که من حالا مواردی را ذکر خواهم کرد که این کارها باید انجام بگیرد - تکیه‌ی مسئولان کشور بر این باشد که حرکت اقتصادی کشور را این‌جوری قرار بدهند. اگر این شد، شکوفایی خواهد شد؛ اگر این شد، از تهدید دشمن دیگر نمی‌ترسیم، از تحریم دیگر نمان نمی‌لرزد، از پایین افتادن قیمت نفت عزا نمی‌گیریم؛ این اقتصاد مقاومتی است. تکیه‌ی عمده‌ی اقتصاد مقاومتی هم باز روی مردم است؛ روی تولید داخلی است.

بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۳/۱۱/۲۹



به تدریج آمادگی را برای تغییر در روال موجود اقتصاد کشور ایجاد می‌کند. البته مقاومت‌ها اینجا شدید است ولی به هر حال این کار شروع شده و آثار اولیه‌اش هم قابل مشاهده است. ایشان در حوزه آموزش نظام‌سازی اجتماعی را آغاز کردند که اولین میوه‌ی آن سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش است. پس این هم بسته‌ی سوم فعالیت‌هایی است که ایشان ذیل نظریه دولت اسلامی انجام می‌دهند.

چهارمین بسته‌ای که ذیل نظریه دولت اسلامی انجام می‌شود تکثیر نظام‌سازی‌های انجام شده در ایران در محیط بین الملل و منطقه است که میوه‌اش همان بیداری اسلامی است، یعنی حضرت آقا همان تجربه‌های موفق که ما در حوزه دفاعی-امنیتی و حوزه‌های بخشی داشتیم را تکثیر کردند. برای مثال یکی از میوه‌هایش حزب‌الله لبنان شده است، یکی دیگر از میوه‌هایش انصارالله شده است. این میوه‌ها فقط در حوزه دفاعی-امنیتی نیستند. هم رهبر انصار الله و هم رهبر حزب الله لبنان مدل رهبری‌هایشان کاملاً برگرفته از مدل رهبری امام خمینی علیه السلام و امام خامنه‌ای علیه السلام است. این تکثیر نظام‌سازی فقط در حوزه دفاعی-امنیتی نبوده است. این چهار بسته از اقدامات، اکنون ذیل نظریه دولت اسلامی در جریان است. بنابراین نظریه دولت اسلامی با چهار محوری که عرض کردم اکنون در حال اجرا است و همین الآن هم اقداماتش پیش می‌رود.

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً‌انخبگان، عمدتاً‌افراد مؤثر، عمدتاً‌تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه‌ریزی ششم توسعه

سؤال نهم: انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چیست؟ (۲)

خلاصه جواب: برنامه‌ریزی برای زیرساخت‌های هدایت

سؤال ۹



بسم الله الرحمن الرحيم

در مباحث گذشته در پاسخ به سؤال "انقلاب اسلامی چه انتظاری از نظام برنامه‌ریزی دارد؟" بیان شد که انتظار انقلاب، بسط دولت‌سازی اسلامی است. اما همانجا گفتیم که این یکی از پاسخ‌های اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به این سؤال است و پاسخ دومی نیز وجود دارد. دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۱ به تبیین پاسخ دوم پرداختند:

بیان دیگر ما برای تبیین انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی این است که تبیین کرده‌ایم دولت‌سازی چیست. در اولین گام، مفهوم دولت‌سازی را بحث کرده‌ایم و تعریفی که به آن رسیده‌ایم این است که دولت اسلامی یعنی نظامات اجتماعی منتهی به هدایت. از نظر مفاهیم اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی اداره جامعه هدایت‌بنیان است و ما اگر نتوانیم امر هدایت را فرجه کنیم نمی‌توانیم جامعه را به صورت دینی اداره کنیم.^۲ از منظر مفاهیم ما، بنیان اداره جامعه مفهوم هدایت است.

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

۲. مقدمه اول آنکه: محور مدیریت در بخش‌های مختلف جامعه انسان است. به عنوان مثال محور در بخش اقتصاد، کارآفرین، مصرف‌کننده، سرمایه‌گذار و مدیران و کارگران هستند. در بخش فرهنگ، محور هنرمندان، دانشمندان، شاعران، نویسندگان و ... هستند و یا در بخش آموزش، محور خانواده‌ها، معلمان، مدیران مدارس، دانش‌آموزان و ... می‌باشند. به صورت کلی در هر یک از بخش‌های جامعه بازیگران اصلی انسان‌های فعال در آن بخش از جامعه می‌باشند.

مقدمه دوم آنکه: در همه این بخش‌ها انسان‌ها متأثر از نظام نگرش‌های خود تصمیم می‌گیرند و بدیهی است که ایجاد تغییر در هر جامعه‌ای از مسیر ایجاد تغییر در نگرش‌های افراد آن جامعه آغاز می‌شود. به عنوان مثال پیدایش انقلاب با عظمت اسلامی و استقرار نظام حکومتی اسلامی، از تغییر نگرش در ملت ایران نسبت به حکومت‌های دیکتاتوری و دموکراسی آغاز شده است و همچنین پذیرش تاکتیک نرمش قهرمانانه و مذاکره‌ی موردی با آمریکا با فلسفه تصحیح نگرش‌های خوش‌بینانه به استکبار و بالتبع ادامه تفکر مرگ بر آمریکا انتخاب شده است. البته در شکل‌گیری و غلبه یک نگرش خاص در جامعه، افراد به نحو مساوی شریک نیستند و سهم نخبگان و مدیران بیش از سهم افراد عادی یک جامعه است.

مقدمه سوم آنکه: شکل‌گیری نگرش در انسان‌ها امری دفعی نیست و تغییر نگرش به سرعت در میان انسان‌ها به وجود نمی‌آید. معمولاً نگرش‌ها بر اساس مقدمات و تجربیاتی -که به عنوان پشتیبان برای آن نگرش عمل می‌کنند- به وجود می‌آیند. به عبارت ساده‌تر برای ایجاد نگرش در بخش‌های مختلف نیازمند ظرفیت‌سازی برای ایجاد آن نگرش هستیم. بدون توجه به ظرفیت‌های پایه نمی‌توانیم نگرش‌های جامعه را در مسیر صحیح ایجاد و تثبیت نماییم. به عنوان مثال دوران تربیت انسان در حکم ظرفیت و پشتیبان برای نگرش‌های انسان در دوران بلوغ هستند و معمولاً نگرش‌های انسان در سن اختیار و انتخاب، متأثر از ویژگی‌های دوران تربیت است. همچنین نگرش انسان‌ها در جامعه بیش از همه چیز به رفتار دولتمردان و امراء وابسته است و اگر مدیران و رهبران مملکتی به اجنبی و دشمن وابسته باشند؛ مسیر نگرش‌های افراد یک جامعه با نگرش‌های استکباری هماهنگ‌تر خواهد شد. بنابراین دوران تربیت، تصحیح رفتار مدیران یک جامعه و عدم وابستگی به استکبار (نفی سیل) از موضوعات ظرفیت‌ساز برای ایجاد نگرش صحیح محسوب می‌شوند.

مقدمه چهارم اینک: در «اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی» از موضوعاتی که به نوعی در حکم زیرساخت و ظرفیت‌سازی برای تغییر نگرش‌ها -در بخش‌های مختلف جامعه- محسوب می‌شوند؛ تحت عنوان «موضوعات جهت‌ساز» یاد شده است. علت این نامگذاری به جایگاه نگرش‌های انسان در انتخاب جهت و سبک زندگی و اثر این موضوعات در تغییر نگرش بازگشت دارد.

با توجه به مقدمات چهارگانه فوق، می‌توانیم روح «الگوی پیشرفت اسلامی» را «هدایت نظامات ذهنی» بدانیم. در «الگوی پیشرفت اسلامی» پایه همه مسائل -به دلیل محوریت انسان‌ها در اداره جامعه- به مفهوم «هدایت نظامات ذهنی» بازگشت دارد و همانطور که گفته شد راه تغییر در نگرش‌ها هم ظرفیت‌سازی برای نگرش‌سازی است؛ که این موضوع هم به «پردازش موضوعات جهت‌ساز» وابسته است!

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه <http://nro-di.blog.ir/1393/05/09>

برای اطلاع بیشتر از بحث هدایت نظامات ذهنی به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.



هدایت، یک موضوع است با سه محصول و سه خروجی. محصول اول هدایت این است که سعادتِ اخروی فرد را تأمین می‌کند. در کلماتِ فقهای عظام شیعه، این موضوع زیاد بحث شده است که ما نمی‌توانیم انتظار سعادت اخروی داشته باشیم ولی در این دنیا اهل ضلالت باشیم. حتماً شاخصه‌های هدایت باید در ما وجود داشته باشند تا نتیجه آنها سعادت اخروی شود. این یک سرفصلِ بحثی است. عرض کردم چون زیاد به آن پرداخته شده من وارد آن نمی‌شوم.

میوه و محصول دوم هدایت این است که آرامش فردی را تأمین می‌کند. انسان‌هایی که نگاهِ سالم و نگاهِ درستی به دنیا دارند، آرام‌تر هستند.^۳ این میوه‌ی هدایت نیز در عصر حاضر خیلی فایده دارد؛ شما می‌دانید که بیماریِ عصر مدرنیته، بیماریِ استرس است، یعنی تمدن مدرنیته یک خروجی برای فرد داشته و آن این است که فرد را ناآرام‌تر از گذشته کرده است.^۴ این مطلب که عرض می‌کنم، تحلیل فلسفی نیست، بلکه گزارش‌های پزشکی امروز است. به قول شما انسان با اندک توجهی متوجه می‌شود؛ یعنی وقتی مثلاً انسان‌های عصر مدرن خودشان را حتی با یک نسلِ قبل مقایسه می‌کنند می‌بینند که پدر و مادر آنها زندگی آرام‌تری از خود آنها داشته‌اند. پس بنابراین ما به مسأله‌ی تأمین آرامش فرد به عنوان یکی از شاخصه‌های رفاه نیاز داریم. به نظر ما با فریه شدن امر هدایت، این میوه و این محصول هم به دست می‌آید. البته این موضوع نیز در کلماتِ فقهای عظام شیعه بحث شده است. ما در نقشه راه، روی این موضوع نیز خیلی تأکید نکرده‌ایم ولی به هر حال این امر، میوه و محصول مهمی است که به نظر ما محصول هدایت می‌باشد.

محصول سومی که از هدایت بنیانی به دست می‌آید این است که اگر جامعه‌ای هدایت‌یافته‌تر از دیگران باشد برخی از مسائل برای آن جامعه مطرح نخواهد شد تا به تبع این مسائل، مدیران جامعه بخواهند آن مسائل را حل و فصل کنند.^۵ من مثال می‌زنم؛ مثلاً افراد هدایت‌یافته کم‌تر به مشکلات خانوادگی مبتلا

۳. در یک فرد نگاه بی‌رغبتی به دنیا یعنی نگاه زاهدانه شکل گرفته است و در یک فرد دیگر نگاه مصرفی شکل گرفته است که از آن با تعبیری همچون رفاه، تلذذ و لذت‌جویی یاد می‌شود، هر دو نگاه ضریب مصرف می‌شود. در نگاه لذت‌جویی، تمام حوزه‌ها متکثر خواهند شد او در نگاه زاهدانه موجب قناعت در مصرف خواهد شد. به عنوان مثال اگر در خرید وسایل زندگی به اینکه یک فرش بیست‌سال برایش کار کند قانع بود، [اما] پس از غلبه این نگاه، حالا معتقد است که باید هر ساله فرش‌ها را عوض کند، این تکثر به همه وسایل زندگی و مصرفی حتی به نحوه و مدل خوردن غذا هم سرایت خواهد کرد و به عنوان مثال به رستوران خواهند رفت، قبلاً نیاز به غذا با پختن غذا در منزل مرتفع می‌شده است، ولی حالا که نگاهش متفاوت شده است، غذای از بیرون هم اضافه شده است. یا در غذای منزل دسرها به چند نوع تکثیر پیدا کرده است. در مسأله جنسی هم به عنوان مثال قبلاً به همسر خویش قناعت داشته است ولی پس از دستکاری این نگرش، مسأله جنسی تکثیر پیدا کرده و به سمت فحشا سوق پیدا خواهد کرد. بنابراین مسأله اول دائم‌المصرف بودن افراد است و ریشه این دائم‌المصرفی به نوع نگاه مردم به دنیا بازگشت دارد، اگر نگاه به دنیا این بود که دنیا محل عبور است، زندگی زاهدانه شکل خواهد گرفت. یعنی آرمان‌هایی که به عنوان افق فرد تعریف می‌شد، اولین اثرش در مصرف این فرد خواهد بود؛ زیرا گفتیم که هدایت نظامات ذهنی از تغییر در نگرش‌های فردی آغاز خواهد شد؛ نگرش فردی یعنی نگرش فرد به خویش، آرمان‌ها و نیازهای خویش است. حالا اگر این نگرش فردی جدی گرفته نشود، نگرش زاهدانه در فرد شکل نخواهد گرفت و در نتیجه مصرف این فرد به صورت انفجاری در همه بخش‌ها کثرت خواهد یافت، اما اگر به نگرش‌های فردی توجه کردید، مصرف او در قناعت باقی خواهد ماند.

جلسه هجدهم از سلسله جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونگی هدایت نظامات ذهنی ۱۳۹۳/۰۳/۱۱

۴. سازمان بهداشت جهانی استرس را به عنوان بیماری قرن ۲۱ معرفی کرد.

وبسایت خبرگزاری هافینگتون پست http://www.huffingtonpost.com/gina-soleil-/workplace-stress-the-heat_b_8923678.html

۵. اگر به مسأله هدایت نظامات ذهنی توجه نشود، در اثر عدم توجه به این مسأله عوارضی به وجود می‌آید که حل آن مسائل، به موضوع اصلی در اداره‌ی جامعه تبدیل خواهد شد. در واقع اگر در زمان حاضر به بررسی مسائل بپردازیم، متوجه می‌شویم که تمام مسائل مبتلابه مسئولین کشور - که در حال ارائه راه حل برای آن مشکلات هستند - همگی به نوعی نتیجه عدم توجه به هدایت نظامات ذهنی و فقدان پرداختن به مسأله هدایت است. بنابراین اگر ما به مسأله هدایت نظامات ذهنی توجه کنیم، بافت موضوعات مبتلابه مدیران به تدریج تغییر پیدا خواهد کرد. به عنوان مثال یکی از معضلاتی که هم‌اکنون مدیران جامعه به دنبال راه حل برای آن می‌باشند، مسائل اجتماعی است، مثل مسأله ارتکاب به جرم و مسائل مرتبط با عوارض



می‌شوند. پس حکومتی که بر این افراد حکومت می‌کند دیگر مثلاً مجبور نیست تا خرج کلانی را برای دادگاه‌های خانواده صرف کند یا خرج کلانی را صرف مسائل اجتماعی ناشی از طلاق و فروپاشی نهاد خانواده کند. همین الآن در برنامه ششم سرفصل قابل توجهی از بودجه‌ها به مشکلات حاد اجتماعی‌ای اختصاص پیدا کرده که ریشه تمامی آنها متزلزل شدن نهاد خانواده است.^۶ حال اگر جامعه‌ای هدایت‌یافته بود به این مسائل کمتر مبتلا می‌شود. پس مسائل اجتماعی کمتر به عنوان مسأله برای حکومت مطرح می‌شوند. این امر فقط در حوزه مسائل اجتماعی نیست، به نظر من هدایت در حوزه مسائل اقتصادی نیز تأثیر دارد. فرض بفرمایید مثلاً یکی از آثار خوب هدایت، گسترش وصف ایثار در جامعه است. به هر میزان که جامعه‌ی دینی ایران اهل ایثار هستند شما می‌توانید اثر قرض الحسنه‌هایی که بر پایه‌ی ایثار هستند را برای حوزه اقتصادی محاسبه کنید.^۷ در کشورهای دیگر به این شکل نیست؛ چون آنها به اخلاق محاسبه‌ای و چرتکه‌ای مبتلا هستند. بنده در همین آمارها دیدم که قرض الحسنه‌ای که الآن داریم در سال حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است.^۸ پس امر هدایت در حوزه اقتصاد نیز تأثیر دارد.

فربه‌شدن امر هدایت، در حوزه امنیت نیز تأثیر دارد که حالا دیگر لازم نیست این را به صورت تفصیلی توضیح بدهم. نظریه بسیج که امام خمینی علیه السلام برای حوزه امنیت مطرح کردند حتی کارآمدی خود را در منطقه نشان می‌دهد؛ امنیت مردم ایران را تأمین کرده و در منطقه نیز کارآمدی خود را نشان می‌دهد. اگر جامعه ایران به این میزان هدایت‌یافته نبودند ما نمی‌توانستیم تئوری بسیج را عملیاتی کنیم. ما یک بحث مفصلی داریم - بنده فقط مثال‌های این بحث را بیان کردم - مبنی بر اینکه فربه‌شدن هدایت در جامعه، آثار اجتماعی دارد. این مطلب به چه معناست؟ به این معنا که بافت مسائل مبتلا به مدیران را به تدریج عوض می‌کند؛ یعنی مدیران یک حکومت در یک جامعه‌ی ضلالت‌یافته با مجموعه‌ای از مسائل روبرو هستند و

ناشی از آن. این یک مسأله است و مدیران جامعه نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. اگر به این مسأله و مسائل حول آن بی‌توجهی شود، جامعه دچار هرج و مرج شده و امنیت جامعه بر هم خواهد خورد. در تحلیل پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم ریشه‌ی ارتکاب به جرم را در ناتوانی مسئولین در هماهنگ کردن نظامات ذهنی جامعه با جهت‌گیری جامعه دانسته شده است و این عدم هماهنگی میان نظامات ذهنی و جهت‌گیری جامعه موجب ایجاد اصطکاک میان جهت‌گیری و حدود و صغوری که آن جهت‌گیری را اجرایی می‌کنند، شده است. ضمناً ریشه اصلی عبور مردم از حدود و صغور ناظر به جهت‌گیری، باز می‌گردد به اینکه شما قدرت هدایت نظامات ذهنی، در راستای جهت‌گیری را نداشته‌اید.

مسأله‌ی اقتصاد و امنیت هم مثال‌های دیگر این مسأله است. به عنوان مثال هم اکنون شما به دنبال استقلال اقتصادی هستید، اما مردمی که مردم ایران هستند، دلسوز ایران و متدین هستند و در شیعه‌بودن و محبتشان به اهل بیت علیهم السلام شکی نیست، در حال تهیه کالای خارجی‌اند که این عملشان باعث به چالش کشیده شدن استقلال اقتصادی جامعه می‌شود. ریشه این مسأله چیست؟ ریشه‌ی آن در مسأله «فرهنگ» نهفته است. نگاه آنها در خرید کالا، ناظر به استقلال اقتصادی شکل نگرفته است. بلکه نگاه آنها ناظر به مسأله کیفیت کالا و تأمین نفع شخصی شکل گرفته است. بنابراین اگر قصد مدیران، حل مسأله اقتصاد جامعه است، ابتدا باید به حل این مسأله اهتمام داشته باشند. بنابراین عرض ما در یک کلام این است که اگر شما به مسأله هدایت نظامات ذهنی توجه نکنید، به اجبار باید یک سری مسائل اجتماعی [که به علت بی‌توجهی به مسأله هدایت به وجود آمده‌اند] را حل کنید. با این اوصاف، چه بهتر است که قبل از آن، به اصل مسأله «هدایت نظامات ذهنی» توجه نمایید. اگر به عنوان یک پایه، به مسأله «هدایت نظامات ذهنی» توجه شود، بافت مسائل اجتماعی تغییر خواهد کرد.

^۶ جلسه بیستم از سلسله جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونگی هدایت نظامات ذهنی ۱۳۹۳/۰۳/۱۸

۶. به عنوان مثال ذیل ماده ۲۲ به بحث مواد مخدر و روان‌گردان پرداخته شده است که این مسأله ناشی از فروپاشی نهاد خانواده است. در ذیل ماده ۲۴ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم به بحث جرم و افزایش زندان و همچنین صرف هزینه برای تربیت بیشتر قضات پرداخته شده است. در صورتی که اگر برای خانواده هزینه کنیم وقوع جرم بسیار کاهش می‌یابد.

۷. اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور به تبیین چگونگی گسترش وصف ایثار و ایجاد بنگاه‌های تولید بر اساس وقف پرداخته است. این بحث را در چهاردهمین سؤال از همین مجموعه توضیح خواهیم داد.

۸. آمار شهریور ۹۴ بانک مرکزی نشان می‌دهد که بانک‌ها ۱۰۲ هزار میلیارد تومان سپرده قرض الحسنه (پس از کسر ذخیره قانونی) از مردم دریافت کرده‌اند. سپرده‌های قرض الحسنه به سپرده‌هایی گفته می‌شود که مردم در ازای سپرده گذاری آن در بانک، هیچ سودی دریافت نمی‌کنند.

وبسایت روزنامه کیهان، کد خبر: ۶۷۴۴۷



مدیران جامعه‌ی هدایت‌یافته با مسائل دیگری روبرو هستند. بر اساس فربه‌کردن امر هدایت مسائل متفاوت می‌شوند.

ما در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی چگونگی تحقق هدایت را در ۱۰۰ بسته بحثی شرح داده‌ایم.^۹ همانطور که عرض کردم ما در مباحث خودمان دولت‌سازی اسلامی را به نظامات اجتماعی منجر به هدایت معنا کردیم. چرا این کار را انجام دادیم؟ برای اینکه به نظر ما اگر جامعه‌ای فقط بر روی مسأله هدایت تمرکز پیدا کند بسیاری از مشکلاتش حل می‌شود. پس این فهرست دوم ما [در پاسخ به ساختار دوم پیوست الگوی پیشرفت اسلامی است؛] یعنی در واقع شما سؤال می‌کنید انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چیست؟ ما در گام اول به صورت اجمالی بحث کرده‌ایم که انقلاب اسلامی، انتظار بسط دولت‌سازی اسلامی را دارد، این را بنده همه‌جا گفته‌ام. اما آن چیزی که بنده می‌خواهم از طریق رسانه‌ی بابرکت شما مطرح کنم، این است که دولت‌سازی اسلامی به معنای نظامات اجتماعی منجر به هدایت است. بنابراین وقتی می‌گوییم نظام برنامه‌ریزی کشور باید تغییر کند مرادمان این است که برای زیرساخت‌های هدایت^{۱۰} برنامه‌ریزی کند.

۹. اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی دارای ۱۰۰ بسته بحثی است که حدود ۱۹ بسته از این بسته‌های ۱۰۰ گانه به تبیین تفوریک هدایت و چگونگی ایجاد آن پرداخته‌اند و ۸۱ بسته دیگری به صورت مصداقی و موضوعی چگونگی مدیریت بخش‌های مختلف کشور برای دستیابی به هدایت را تشریح کرده‌اند.

۱۰. برنامه‌ریزی برای زیرساخت‌های هدایت همان پردازش موضوعات جهت‌ساز یا نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی است. توضیح بیشتر را در ادامه بخوانید:

آیا ایجاد هدایت یا تغییر دادن نگرش‌ها - که قرار است در الگوی پیشرفت اسلامی هدایت‌بنیان عمل شود - صرفاً امری نظری است؛ یعنی تلقی اولیه این است که وقتی قصد داریم نگرش فرد را تغییر بدهیم، باید با فرد گفت‌وگو کرده و برایش استدلال بیاوریم که حرف تو غلط است. البته نمی‌خواهم تو را مجبور کنم ولی حرف ناصحانه مرا بشنو. آیا این‌طور است؟ از نظر بررسی‌هایی که ما انجام دادیم، قطعاً تبیین صحیح سهم زیادی در اصلاح نگرش‌های جامعه دارد. یعنی شمای که نگاهی را غلط و نگاهی دیگر را درست می‌دانید، بایستی قدرت تبیین صحیح مسأله را داشته باشید. اما سؤال آن‌جاست که آیا می‌توانیم فقط به روش‌های تبیینی اکتفا کنیم؟ از اینجا نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز متولد می‌شود. البته تبیین مسأله کار بسیار مهمی [در اصلاح نگرش‌ها] به شمار می‌رود، شکی در آن نیست که تبیین صحیح، نگرش‌ها را ساخته و به اصلاح نگرش‌های غلط می‌پردازد. در روایت دارد که کلام حکیمانه، انسان را به وجد می‌آورد. همان‌طور که وقتی غذای خوشمزه می‌خورید، حالت خوبی به شما دست می‌دهد، در هنگام شنیدن کلامی حکیمانه، همین حالت خوب در شما ایجاد خواهد شد. همه‌ی ما این‌ها را تجربه کرده‌ایم.

با این توضیحاتی که در مورد تأثیر کلام داده شد، آیا اکتفا کردن به تبیین و مکانیزم‌های کلامی، تنها راه اصلاح نگرش‌هاست؟ یا باید علاوه بر مکانیزم‌های کلامی روی موضوعات دیگری هم سرمایه گذاری کنیم که آن موضوعات دیگر در واقع با تبیین صحیح ترکیب شده و ایجاد نگرش می‌کنند؟ مثالی می‌زنم. ما طلبه‌ها گاهی مواقع که بحثی فنی و اعتقادی را مطرح می‌کنیم، با دو گروه هدف مواجه می‌شویم. یک گروه هدف، گروهی است که در دوران تربیت، مجموعه‌ای از استانداردها و آداب لازم برای شکل‌گیری شخصیت‌شان مد نظر قرار داده شده است و زمانی هم که تبیین صحیح می‌کنیم، این تبیین صحیح در شخصیت او یک اثر می‌گذارد. ولی همین تبیین در شخصیت دیگری - که در دوران شکل‌گیری شخصیت، نامتعادل شکل گرفته - اثر و میوه‌ی دیگری ایجاد می‌کند.

بگذارید مثال دیگری عرض کنم. ما در اسلام مسأله‌ای به عنوان نفی سبیل داریم. نفی سبیل یعنی این‌که کفار نباید راه تسلط بر مؤمنین و مسلمان‌ها داشته باشند. نفی سبیل معادل استقلال عرفی است، البته کمی عمیق‌تر. شما فکر کنید قدرت تبیین صحیح دارید - یعنی می‌توانید مسأله و نگرش صحیح را جا بیندازید - اما کفار بر کشور شما مسلط هستند. مثل الآن که کفار از طریق ماهواره در تک‌تک خانه‌هایی که از ماهواره استفاده می‌کنند سبیل پیدا کرده‌اند. در این موقعیت، شما قدرت دارید ولی نفی سبیل شکسته شده و ضربه دیده است. چه اتفاقی می‌افتد؟ بسیاری از گفت‌وگوهایی که شکل می‌گیرد به محوریت پاسخ به شبهاتی است که شب‌ها از ماهواره پخش می‌شود. یعنی بخش عظیمی از ماهیت تبیین، صرف پاسخ گویی به شبهات شده است. وقتی کفار مسلط بشوند، تبیین تنها مشکل را حل نمی‌کند. شما قدرت تبیین دارید، لکن یا اجازه‌ی تبیین نمی‌دهند یا با تغییر بافت تبیین مواجه می‌شوید، یعنی به جای اینکه معارف را در اوج خودش بحث کنید در سطح اولیه‌ی پاسخ به شبهات می‌مانید.

بنابراین مجموعه‌ای از موضوعات وجود دارند که - اگر ما به آنها توجه نکنیم - اثرشان برابر با اثر تبیین است. یعنی شاید تبیین خوبی داشته باشیم، اما نفی سبیل و دوران تربیت مناسبی؛ نه. لذا نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی می‌گوید: یک حکومت باید بتواند موضوعات جهت‌ساز را پردازش کند. مسأله نفی سبیل، مسأله تربیت و مسأله تبیین صحیح چند نمونه از موضوعات جهت‌ساز هستند. اگر هدایت می‌خواهید، باید همه موضوعات جهت‌ساز را پردازش کنید نه فقط یکی را. اگر همه موضوعات جهت‌ساز را با هم پردازش کنید چه اتفاقی می‌افتد؟ آثار موضوعات جهت‌ساز با هم ترکیب می‌شوند



مبنای تحلیل از دیدگاه مختار، مفهوم هدایت نظامات ذهنی است و تحلیل و ارزیابی هر موضوعی بر این مبنا می‌باشد. هدایت نظامات ذهنی در یک تعریف ساده عبارت از «تصرف در نظام نگرش‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری فرد» است، یعنی باید جایگاه یک موضوع را به گونه‌ای تعریف و تحلیل کرد که منجر به تغییر و اصلاح نگرش‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری فرد و در نتیجه اتخاذ تصمیم صحیح گردد. بنابراین باید این نگاه به عنوان محور همه مباحث در فضای مفهومی که تعریف می‌شود، بسط پیدا کند. زمانی که از هدایت نظامات ذهنی بحث می‌شود در واقع از برقراری نسبت بین موضوعات و نظام نگرش‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری فرد بحث می‌گردد.

نظام نگرش‌ها یعنی سه سطح نگرش؛ سطح اول نگرش‌ها، نگرش‌های فردی است. یعنی اگر فرد بین یک موضوع و نظام نیازمندی‌های خود ارتباط ببیند، نسبت به آن موضوع اقبال پیدا می‌کند. زیرا حرکت انسان تابع رفع نیاز اوست. حال اگر قصد مدیریت یک موضوع را داشته باشید، اولین گام این است که باید بین آن موضوع و نیازهای فرد مورد نظر ارتباط برقرار کنید. اگر این ارتباط برقرار شد، توجه آن فرد نسبت به موضوع مورد نظر جلب خواهد شد.

از جمله نیازهای افراد را می‌توان معیشت، نیازهای روحی و هویتی، نیازهای عاطفی و جنسی، نیازهای علمی و معرفتی دانست که هرم نیازهای «اصلی، فرعی و تبعی» انسان متناسب با فطرت الهی او در شرایط موجود و مطلوب، در فضای مباحث تکمیلی طراحی خواهد شد. اما در کل باید دانست نظام نیازمندی‌ها چه مادی و چه معنوی منشا حرکت هستند.

بنابراین برای مدیریت یک موضوع باید نسبت بین آن موضوع و نظام نیازمندی‌های افراد مخاطب ملاحظه شود. میزان موفقیت در ایجاد این ارتباط -یعنی تحلیل ارتباط میان یک موضوع و نیازمندی‌های فرد- اثر مستقیم در میزان اقبال فرد نسبت به آن موضوع دارد. زیرا غرض اصلی در مدیریت یک موضوع، تصمیم به مشارکت افراد نسبت به موضوع مورد مدیریت است و ایجاد ارتباط میان یک موضوع و نظام نیازمندی‌های افراد جامعه‌ی نیازمند، بسته تحلیلی متناسب است. زیرا نگرش‌های فردی افراد -یعنی نگرش فرد به خود و نیازمندی خود- پایه حرکت است و اگر بین این پایه حرکت و موضوع مد نظر ارتباط برقرار شود، افراد نسبت به آن موضوع توجه خواهند کرد و معنای این حرف موفقیت در مدیریت آن موضوع است.

سطح دوم نگرش‌های مؤثر بر تصمیم‌گیری افراد که در مدیریت موفق یک موضوع باید به آن توجه کرد، این است که افراد علاوه بر اینکه نسبت بین یک موضوع و نیازها خود را رصد می‌کنند، موانع موجود در مسیر تحقق آن موضوع را نیز رصد می‌کنند. به عنوان مثال پاسخ مثبت یا منفی افراد به موضوع مطابق با فطرت بشری مانند ازدواج -که همه آن را درک می‌کنند- وابسته است به موانعی که افراد در مسیر تحقق آن مشاهده می‌کنند و اگر بسته تحلیلی شما حاوی تبیین موانع موجود در راه تحقق آن موضوع مرتبط با نیازهای انسان و راه‌حل عبور از آنها باشد در واقع توانسته‌اید به تصمیم‌گیری صحیح افراد کمک کنید. به عبارت ساده‌تر یک بخش از تصمیم‌گیری افراد به نگرش‌های فردی آنها باز می‌گردد. بخش دیگر تصمیم‌گیری به نوع نگرش افراد به موانع موجود در مسیر تحقق آن موضوع بازگشت دارد. زیرا ممکن است در نظر برخی افراد موانع خیلی بزرگ به نظر آید و یا ممکن است موانع را معمولی ببینند، اما راه‌حلی برای عبور از موانع به ذهن آنها خطور نکند. ارائه راه حل برای عبور از موانع در بسته تحلیلی، در واقع کمک به افراد برای تصمیم‌گیری صحیح نسبت به موضوع مدنظر

و این ترکیب آثار موضوعات جهت‌ساز، تربیت را فربه‌تر می‌کند. زمانی هم که صحبت از فرآیند هدایت در جامعه می‌شود، باید میزان برنامه‌ریزی مدیران جامعه در مورد جهت‌سازها سنجیده گردد. به میزانی که پردازش موضوعات جهت‌ساز در دستور کار قرار گیرد، ترکیب‌شان غنی‌تر شده و نگرش‌ها با سرعت بیشتری اصلاح پیدا می‌کنند. زمانی هم که نگرش‌ها اصلاح شد، به همان میزان اراده‌ها -خودشان- تصمیمات در جهت‌تر و متناسب‌تری با جهت اسلامی خواهند گرفت. این نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی است.

نشست تبیین نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی در شهرستان ورامین ۱۳۹۳/۹/۲۹

برای بیشتر راجع به پردازش موضوعات جهت‌ساز به سلسله جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونه هدایت نظامات ذهنی مراجعه کنید.



است، که از آن به نگرش‌های اجتماعی تعبیر می‌شود. بنابراین نگرش‌های اجتماعی یعنی نگرش به واقعیت‌هایی که افراد با توجه به آن واقعیت‌ها تصمیم می‌گیرند.

مثال بارز و روشن نگرش‌های اجتماعی در مسأله ازدواج است، با اینکه موضوع ازدواج یک جایگاه محوری در نگرش‌های فردی انسان دارد، ولی در بسیاری از موارد نگرش‌های اجتماعی نادرست به این مسأله تحقق این موضوع را به تأخیر می‌اندازد. اشتغال، خدمت سربازی، تحصیل، الگو رفاه و .. موانع و واقعیت‌های اجتماعی هستند که ازدواج را به تأخیر می‌اندازد. اگر قرار است به افراد گفته شود که زود ازدواج کنند، باید فکری به حال موانع ذهنی موجود در مسیر ازدواج که ناشی از یک واقعیت‌های بیرونی می‌باشد کرد، وگرنه افراد به صرف اینکه شما دعوت‌شان کنید، تصمیم نمی‌گیرند.

مسأله سومی که در مدیریت موفق یک موضوع مطرح بوده و بر تصمیم‌گیری افراد مؤثر است نگرش‌های تاریخی است. نگرش‌های تاریخی یعنی تحلیل گذشته و حال و آینده یک موضوع، یعنی باید گفت در صورت تحقق این موضوع مورد نظر چه آینده‌ای در انتظار مخاطب می‌باشد، در وضعیت فعلی باید تحلیل کرد که موضوع مورد نظر در وضعیت فعلی در چه وضعیتی قرار دارد و چه فعالیت‌هایی باید انجام داد تا محقق شود، همچنین باید گفت در گذشته نسبت به این موضوع چه اتفاقات مثبت یا منفی اتفاق افتاده است، یعنی در گذشته با فقدان این موضوع چه آفت‌هایی ایجاد شده است یا در صورت تحقق آن در برخی نقاط، چه حسن‌هایی داشته است. از این لایه به نگرش‌های تاریخی یا افق‌نمایی موضوع که مؤثر بر تصمیم‌گیری فرد است نام می‌بریم.

بنابراین زمانی که از تحلیل یک موضوع با مبنای هدایت نظامات ذهنی بحث می‌شود، در واقع باید از نگرش‌سازی حول آن موضوع در سه سطح بحث کرد. به عبارت دیگر باید اثر آن موضوع، در نگرش‌های پایه افراد را مشاهده و تحلیل کرد و در صورت موفقیت در این امر، افراد نسبت به موضوع مورد نظر تصمیم مورد نظر اتخاذ خواهند کرد.^{۱۱}

۱۱. جلسه پنجم از سلسله جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونگی هدایت نظامات ذهنی ۱۳۹۲/۱۲/۱۹

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال دهم: فرآیند دولت‌سازی اسلامی و فراهم کردن زیرساخت‌های هدایت از کدام نقطه آغاز خواهد شد؟

خلاصه کشف، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی

سؤال ۱۰



بسم الله الرحمن الرحيم

در مباحث گذشته در پاسخ به سؤال "انتظار انقلاب اسلامی از حوزه برنامه‌ریزی چیست؟" بیان کردیم که انتظار انقلاب، بسط دولت‌سازی اسلامی است و دولت‌سازی اسلامی را به فراهم‌کردن زیرساخت‌های هدایت تعریف نمودیم. در صورت پذیرش این موضوع آنگاه باید پرسید: نقطه شروع دولت‌سازی اسلامی کجاست؟ به عبارت بهتر چگونه باید زیرساخت‌های هدایت توسط نظام برنامه‌ریزی فراهم شود؟ پاسخ به این سؤال، ساختار سوم پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه را تشکیل می‌دهد. دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۱ به تبیین پاسخ این سؤال پرداختند:

حالا سؤال سوم این است که -طبیعتاً این سؤال به صورت طبیعی برای مخاطب نخبه‌ی ما مطرح می‌شود- اگر ما بخواهیم نظام‌سازی منجر به هدایت داشته باشیم یا اگر بخواهیم دولت‌سازی اسلامی داشته باشیم، دقیقاً نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی کجاست؟ نظام‌سازی اجتماعی منجر به هدایت از کجا آغاز می‌شود؟ جواب این سؤال، ساختار سوم مباحث ما در پیوست الگو را تشکیل می‌دهد. ما در ساختار سوم این نکته را مطرح کرده‌ایم که شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی، نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی است. ما در نظام برنامه‌ریزی کشور اصطلاحی موسوم به عدم توازن‌های فرهنگی را مطرح کرده‌ایم. این اصطلاح، در مقایسه با اصطلاح عدم توازن‌های اقتصادی -که جریان توسعه‌گرا مطرح کرده- مطرح شده است. شرح بیشتر اینکه جریان توسعه‌گرا می‌گوید ما باید عدم توازن‌های موجود در کشور را برطرف کنیم.^۲ ولی مراد آنها از عدم توازن‌ها، امور ناهماهنگ با بخش اقتصاد جامعه است؛ یعنی جریان توسعه‌گرا اقتصاد را به عنوان محور تعادل اجتماعی تعریف می‌کند و هر امری که با بخش اقتصاد ناهماهنگ باشد را یک امر نامتوازن می‌داند. به عنوان مثال در همین مذاکرات مربوط به برجام، جریان توسعه‌گرا این موضوع را مطرح می‌کرد که سیاست خارجی ما ناهماهنگ با اقتصاد عمل می‌کند. حتی یک اصطلاح رسانه‌ای هم مطرح شد مبنی بر اینکه تا الآن اقتصاد ما به حوزه سیاست خارجی یارانه می‌داد ولی از این پس حوزه سیاست خارجی باید به اقتصاد یارانه بدهد.^۳ این در واقع بیان عرفی همین اصطلاح عدم توازن اقتصادی است. یا مثلاً جریان توسعه‌گرا می‌گوید بین تولید و محیط زیست ما عدم توازن وجود دارد. غرض تولید، افزایش رفاه است ولی ما تولید جامعه را به نحوی اداره می‌کنیم که محیط زیست را آلوده می‌کند و آلودگی محیط زیست به معنای به چالش کشیده شدن رفاه است. پس تولید غیر پاک، یک نامتوازن در جامعه‌ی ماست. آنها موارد زیادی را برای عدم توازن‌ها مطرح می‌کنند ولی حرف بنده این است که هر کجا جریان توسعه‌گرا اصطلاح عدم توازن را استعمال می‌کند مراد او عدم توازن‌های اقتصادی و امور نامتوازن با بخش اقتصاد است. حتی مثلاً وقتی راجع

۱. ۱۳۹۵/۳/۰۳

۲. وزیر کشور گفت: عدم توازن در بخش‌های مختلف شکاف‌های اقتصادی و طبقاتی را در کشور ایجاد می‌کند. به گزارش خبرنگار سیاسی میزان، عبدالرضا رحمانی فضلی صبح امروز در همایش ملی توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای اظهار کرد: آنچه ما امروز در پهنه جغرافیای ایران شاهد آن هستیم عدم وجود توازن و تعادل در حوزه فعالیت‌های خدماتی و منابع است از این رو باید برای حل این روند به صورت جدی در محورهای مختلف وارد عمل شویم.

خبرگزاری میزان، <http://www.mizanonline.ir/fa/news/35399>

۳. شما می‌دانید که در کشور ما سال‌ها و دهه‌هاست که اقتصاد به سیاست یارانه می‌دهد و این یارانه، دائمی نمی‌شود و یک روزی باید قطع شود و باید یک روز تصمیم بگیریم که این اقتصاد ما تا کی به سیاست یارانه بدهد. آقای روحانی ادامه داد: اقتصاد هم به سیاست خارجی و هم به سیاست داخلی یارانه می‌دهد. بیایم یک دهه برعکس کنیم و یک دهه امتحان کنیم و از سیاست خارجی و داخلی به اقتصاد یارانه بدهیم تا ببینیم زندگی و معیشت مردم و اشتغال جوانان چگونه خواهد شد؛ از مردم سؤال کنیم و بپرسیم.

سخنرانی دکتر روحانی در نخستین کنفرانس اقتصاد ایران، <http://www.irinn.ir/news/76633>



به جمعیت صحبت می‌کنند و می‌گویند ما به افزایش جمعیت نیاز داریم، آثار اقتصادی افزایش جمعیت را بررسی می‌کنند که رأی به افزایش جمعیت می‌دهند، نگاه اقتصادی در جریان توسعه‌گرا عمومیت دارد. حتی وقتی بخش آموزش جامعه را بحث می‌کنند با صراحت این سوال را مطرح کرده و می‌گویند: چرا نظام آموزشی ما قدرت تربیت کارآفرین ندارد؟^۴ از منظر نگاه توسعه‌گرا هیچ بخشی امنیت ندارد و همه بخش‌ها باید به نفع بخش اقتصاد تغییر کنند. حتی اخیراً می‌گویند بدون لیبرالیسم نمی‌توانیم به توسعه دست پیدا کنیم.^۵ با این بیان می‌خواهند بگویند نظام حکومتی فعلی با بخش اقتصاد نامتناسب است و باید تغییر کند. حتی جریان توسعه‌گرا به صراحت می‌گوید من خط قرمزهای رهبری را حفظ می‌کنم ولی در روح مباحث خودشان به دنبال هماهنگ‌سازی همه بخش‌ها با بخش اقتصاد جامعه هستند. حتی در برنامه ششم تنها حکمی که راجع به بخش آموزش و پرورش وجود دارد این است که آموزش و پرورش موظف است خدمات آموزشی را از بخش خصوصی و تعاونی خریداری کند؛^۶ یعنی بر روی حل مسائل اقتصادی آموزش و پرورش تمرکز کرده‌اند. ولی به این میزان بر روی تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش - که مد نظر انقلاب است - تمرکز نشده است. به هر حال عرض بنده این است که جریان توسعه‌گرا به دنبال رفع عدم توازن‌های اقتصادی - به این تعریفی که بنده عرض کردم - می‌باشد.

دبیر شورای راهبردی در نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام ^۷ این بحث را اینگونه پیگیری کردند که:

بعدها جریان توسعه‌گرا اصلاح قرائت دینی^۸ را مطرح می‌کند. چرا؟ چون می‌گویند اگر اعتقادات انسان‌ها، اقتصادبنیان و اقتصادمحور نباشد، این انسان‌ها در بخش اقتصاد تحرک زیادی نمی‌کنند و لذا ارزش افزوده و

۴. آموزش برای توسعه با توجه به تعریفی که در ابتدای این نوشته از توسعه اقتصادی ارائه شد، از بخش‌های محوری سیاست‌گذاری اقتصادی است. به خاطر اهمیت این امر، نباید منابع محدود آموزشی کشور را به حوزه‌های آموزشی غیر مرتبط با امر توسعه تخصیص داد. به عبارت دیگر با تکیه بر آموزش توسعه‌ای نباید هر نوع آموزشی را توجیه و در شرایط محدودیت امکانات اجرا کرد. آموزش توسعه‌ای به آن دسته از فعالیت‌های آموزشی اطلاق می‌شود که مستقیماً معطوف به انتقال دانش و فن نوین به بطن و هسته فعالیت‌های تولیدی جامعه می‌باشد. بنابراین گسترش ناسنجیده آموزش‌های عمومی مثلاً تا حد دیپلم و متوسطه برای تمام جمعیت ۶-۱۸ ساله کشور در شرایط محدودیت منابع آموزشی در مراحل اولیه توسعه می‌تواند نه تنها مشوق توسعه نباشد، بلکه ممکن است در عمل به عنوان عامل بازدارنده فرایند توسعه اقتصادی عمل کند، یا گسترش حداکثر تحصیلات نظری دانشگاهی بدون رعایت جوانب لازم از نظر کیفیت و کاربردهای عملی نمی‌تواند نقش حیاتی‌ای در فرآیند توسعه داشته باشد. آموزش‌های توسعه‌ای در مراحل اولیه توسعه باید الزاماً به انتقال تکنولوژی و درون‌زا کردن آن معطوف باشد. لذا حیاتی‌ترین آموزش‌ها در این مراحل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در سطوح مختلف تحصیلی است.

^۴ عظیمی، حسین؛ *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۲

۵. لیبرالیسم و سوداگری دو موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگرند. لیبرالیسم یعنی اینکه همه برای کسب حقوق خود آگاه باشند و کسی به حق آنها تعدی نکند. این موضوع با سوداگری متفاوت است. اینکه شهروندان هزینه بی‌خود بدهند سوداگری است اما اگر هزینه را بر اساس عدالت بپردازند لیبرالیسم است. در حالی که آنها را جای یکدیگر می‌گذاریم و نمی‌توانیم نتیجه درستی بگیریم. کسانی که علیه لیبرالیسم حرف می‌زنند در واقع دارند علیه سوداگری صحبت می‌کنند. در حالی که اساس لیبرالیسم علیه سوداگری قیام کرده است سوداگری یعنی اینکه شما وقتی هزینه‌ای می‌دهید درباره علت پرداخت آن آگاه نیستید و به نوعی هزینه بیخودی داده‌اید. سوداگری با توسعه هم مخالف است در حالی که لیبرالیسم برای توسعه به میدان آمده است.

^۵ دکتر آخوندی، وزیر شهر و راه‌سازی در همایش جامعه مهندسی و مدیریت اخلاق حرفه‌ای به نقل از خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۴/۲۰/۱۳۹۴

۶. وزارت آموزش و پرورش مجاز است در جهت ارتقاء کیفیت، عدالت آموزشی و بهره‌وری نسبت به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی اقدام نماید. ارائه خدمات آموزشی در این‌گونه مدارس با استفاده از نیروی انسانی، تجهیزات و امکانات بخش خصوصی و تعاونی و یا با مشارکت در استفاده از امکانات و تجهیزات بخش دولتی و نیروی انسانی خصوصی و تعاونی بر اساس ضوابطی که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، صورت می‌گیرد. آموزش عمومی دولتی در طول سال‌های برنامه ششم رایگان می‌باشد.

^۷ بند یکم ماده ۱۴ لایحه احکام مورد نیاز برای اجرای برنامه ششم توسعه



تولید ناخالص ملی این کشور به چالش کشیده می‌شود. برخی از آنها به تصریح گفته‌اند که به دنبال واتیکانیزه کردن قم هستند^۹ تا نهایتاً یک شبکه‌ی ماهواره‌ای در اختیار علما قرار دهند و نماز خواندن و مسأله‌گفتن آقایان پخش شود ولی توسعه‌گرایان کار خود را بکنند. به هر حال عدم توازن‌هایی که آنها

۸. جریان روشنفکری می‌گوید: اگر در پی تحقق اهداف اسلامی هستید، باید به اصلاح قرائت دینی بپردازید. این، مبنای جریان روشنفکری است. جریان روشنفکری برای این مبنای پیش‌فرض با استدلالات مفصل دارد که نمی‌خواهیم وارد استدلالات تفصیلی آنها شویم؛ اما می‌توانید پیگیری کنید. اصل اول جریان روشنفکری این است که بشر در طی یک رشد تاریخی به تمدن مدرن رسیده و مفاهیم، محصولات و ساختارهای تمدن مدرن، زندگی را برای بشر آسان‌تر از گذشته کرده است. آنها یک نگاه فلسفه تاریخی دارند که معتقدند بشر ابتداءً در دوران ماقبل کشاورزی زندگی می‌کرده و در ادامه به دوران کشاورزی رسیده و سپس وارد دوران مدرن صنعتی شده است. در ادامه نیز باید به توسعه پایدار دست یابد. توسعه پایدار به معنای صنعتی‌شدن به شرط عدم آلودگی محیط زیست است. آنها یک افق و رشد تاریخی و گذشته، حال و آینده‌ای را برای بشر تعریف کرده و در ادامه می‌گویند: اگر می‌خواهیم زندگی بهتری داشته باشیم باید مدرن باشیم. بنابراین اصل اول جریان روشنفکری معتقد است که زندگی مدرن باعث می‌شود بسیاری از مشکلات برای بشر حل شود.

از اصل اول، اصل دومی متولد می‌شود. این اصل می‌گوید: البته تصور نکنید که مسیر مدرن‌شدن -یا فرایند مدرنیزاسیون- یک شبه اتفاق افتاده و مانعی بر سر راه آن نیست، موانعی بر سر راه مدرن‌شدن جوامع وجود دارد. اصلی‌ترین لازمه مدرن‌شدن این است که فرهنگ و اخلاق جامعه تغییر یابد و مانع اصلی بر سر تغییر اخلاق و تغییر فرهنگ، فرهنگ و اخلاق قبلی است. آنها می‌گویند: درست است که مدرنیته مشکلات را حل می‌کند، اما مدرنیزاسیون، راهی پرسنگلاخ و پر از مانع است. نباید توقع داشته باشیم که بدون مبارزه و اصلاحات، جامعه خود را مدرن کنیم، حتماً باید اصلاحاتی در فرهنگ و باورهای بنیادین جامعه اتفاق بیفتد تا جامعه بتواند مدرن شود و فرایند مدرنیزاسیون را طی کند. لذا اصل دوم جریان روشنفکری این است که جوامع میزبان مدرنیته، الزاماً باید فرهنگ قبلی خودشان را هماهنگ کنند. نمی‌گوییم فرهنگ قبلی از بین برود، بلکه باید با فرهنگی که لازمه مدرن‌شدن است هماهنگ شود. لذا روشنفکرها همواره یک بحث دو محوری داشته و جنگی را میان سنت و تجدد راه می‌اندازند، آنها یک دوگانه‌ای دارند. روشنفکرها همواره خود را مظهر تجدد، رشد و گزینه برتر می‌دانند و فرهنگ جامعه -هر چه باشد حتی سنت رسول الله ﷺ- را به عنوان مانع معرفی کرده و معتقدند که این مانع باید برداشته شود. منظور آنها از سنت، تفکر مخالف فرهنگ غربی و مدرن است. این، اصل دوم است. بنابراین اصل دوم عبارت است از: اصلاح فرهنگ جوامع میزبان مدرنیته. آنها می‌گویند: حتی در کشورهایی که مبدع مدرنیته هستند و مدرنیته و رنسانس از آنها آغاز شده نیز پیش از وقوع این تغییرات عینی، در یک دوران طولانی اصلاح‌گری به وجود آمده است، یعنی ریشه‌ها و تفکرات قبلی جامعه ابتدا نقد و به چالش کشیده شده، اصلاح گردیده‌اند و در نتیجه کشور انگلستان یا کشورهای اروپایی توسعه یافته‌اند. این، یک مسأله طبیعی است؛ توسعه در خود این کشورها نیز موجب اصلاح فرهنگ شده است. چطور شما انتظار دارید که مدرنیته در کشوری بیاید و شما از محصولات آن استفاده کنید، اما فرهنگ جامعه شما اصلاح نشود؟! روشنفکران می‌گویند: مدرنیته به معنای رفتن به رستوران مکدونالد و مکدونالد خوردن و سوار اتومبیل بنز شدن نیست، باید پایه‌های اصلی مدرنیته در کشور ورود یافته و به پذیرش برسند، این اصل دوم است.

با توجه به اصل دوم آنها، اصل سومی شکل می‌گیرد. آن اصل این است که ایران نیز -به عنوان جامعه‌ای که ناگزیر برای بهترشدن زندگی خود باید مدرنیته را بپذیرد- باید فرهنگ جامعه خود را اصلاح کند. روشنفکران این حرف را -اگر چه حرف غلطی است، ما در حال گزارش دادن آن هستیم- در ایران مطرح می‌کنند که فرهنگ اصلی جامعه ایران، فرهنگی دینی است و این فرهنگ دینی در همین ابعاد فعلی که حوزه‌های فعلی و فقه‌های عظام شیعه -کثره الله امثالهم- مطرح می‌کنند، مانع مدرنیزاسیون است. بنابراین به دنبال این هستند که ابتدا این فرهنگ را -به عنوان مانع اصلی- اصلاح کنند. لذا قائل به اصلاح قرائت دینی می‌باشند. بنابراین روشنفکران از مجموعه‌ی این سه مقدمه، این نتیجه را می‌گیرند که اگر شما می‌خواهید اهداف اسلامی را در جامعه محقق کنید، ابتدا باید این اهداف اسلامی را با فضای اصلی تمدن مدرن متناسب کرده، تعارضات آن را از بین برده و آن را اصلاح کنید تا زمینه تحققش به وجود آید. مثلاً روشنفکران می‌گویند: اگر شما می‌خواهید به حکم خانواده عمل کنید ما مشکلی نداریم؛ البته در ابتدا این حرف را می‌زنند، اما در ادامه -نمی‌دانم متوجه هستند یا نه ولی برخی به صراحت و برخی نیز شاید متوجه نباشند- می‌گویند: باید به این اکتفا کنید که صیغه محرمیتی میان زن و مرد خوانده شود، نباید خانواده را بیش از این بالا ببرید؛ زیرا اگر بخواهید از این حد بالاتر رفته و بگویید: خانواده مرکز تربیت نسل بوده و در خانواده مفهوم اذن یک اصل است و بر شروط مختلف خانواده تأکید کنید؛ نمی‌توان این شروط را اجرا کرد. زیرا در شرایط موجود زن نیروی کار محسوب می‌شود. وقتی زن نیروی کار محسوب شد، دیگر وقتی برای تربیت فرزند ندارد و باید مهد کودک‌ها گسترش پیدا کرده و نظام آموزش و پرورش فربه شود. بنابراین اگر بخواهید احکام را به گونه‌ای که اسلام در واقع عالم گفته، اجرا کنید، در واقع به سوی اجراء نشدن آنها حرکت کرده‌اید. خوب‌ترین روشنفکران این حرف را می‌زنند؛ کسانی که علاقه‌ای به اسلام و پیامبر ﷺ و دین دارند، معتقدند که شریعت در شرایط مختلف قبض و بسط پیدا می‌کند.

جلسه ششم از سلسله جلسات هم‌اندیشی پنجم ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

۹. دین یک قسمت از فرهنگ است، حرکت اصلاح‌طلبان ما عاقبت به جدایی دین از سیاست خواهد انجامید. در یک جامعه‌ی مدرن جدایی دین از سیاست یک امر بدیهی است. وقتی شما جامعه را مدرنیزه کنید این جدایی بالاخره پیش خواهد آمد. ایران در حال حاضر از فاز قبل از مدرن به فاز مدرن پیش می‌رود.

اکبر گنجی در مصاحبه با روزنامه تاگس اشپیگل آلمان (منتشر شده در روزنامه کیهان ۱۳۷۹/۰۱/۲۴)



می‌گویند از جایی شروع شده و در نهایت به این می‌رسد که ما باید در دین بدعت ایجاد کنیم. به عبارت دقیق‌تر باید دین را دست زده و کم و زیاد کنیم تا کشور توسعه پیدا کند.

ایشان در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر خاطرنشان کردند که:

ما در مقابل این اصطلاح، اصطلاحی را مطرح کرده‌ایم تحت عنوان عدم توازن‌های فرهنگی و نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی را کشف عدم توازن‌های فرهنگی می‌دانیم.

حجت‌الاسلام کشوری در نشست دانشگاه امام صادق (ع) در ادامه‌ی این بحث به این نکته اشاره کردند که:

اگر جریانی ۱۰ نامتوازن فرهنگی را شناسایی کرد به این معناست که دولت‌سازی را از ۱۰ نقطه شروع کرده است. شما سؤال می‌کنید تعریف شما از دولت‌سازی چگونه اتفاق می‌افتد؟ پاسخ می‌دهیم خیلی پیچیده نیست؛ همینکه شما یک نامتوازن فرهنگی را شناسایی و تبیین کرده و برای حل آن راه حل ارائه دهید تغییر را شروع کرده‌اید. پس سؤال سوم و جواب آن را توضیح دادیم. اگر کسی از نقشه‌ی راه ما بپرسد شما می‌گویید نظام برنامه‌ریزی کشور باید دولت‌سازی کند ولی دولت‌سازی چگونه اتفاق می‌افتد؟ ما پاسخ می‌دهیم: جناب آقای سازمان مدیریت! شما در مطالعات صفر خود با مدلی که به شما پیشنهاد می‌دهیم به سمت کشف عدم توازن‌های فرهنگی در کشور حرکت کنید.

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال یازدهم: تعریف عدم توازن‌های فرهنگی به عنوان متغیر اصلی دولت‌سازی اسلامی و متغیر اصلی فراهم کردن زیرساخت‌های هدایت چیست؟

خلاصه جواب: عدم توازن‌های فرهنگی یعنی امور معارض با هدایت جامعه

سؤال ۱۱



بسم الله الرحمن الرحيم

در مباحث گذشته بیان شد که نقطه‌ی شروع بسط دولت‌سازی اسلامی شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی است. اما شاید این سؤال مطرح شود که اساساً عدم توازن‌های فرهنگی چه چیزی هستند و چگونه موجب بسط دولت‌سازی اسلامی می‌شوند؟ آیا می‌توان نمونه‌هایی را برای این امر ذکر کرد؟ دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۱ به تبیین پاسخ این سؤال پرداختند:

ما در ساختار سوم پیوست الگوی پیشرفت اسلامی این نکته را مطرح کرده‌ایم که شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی، نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی است. ما در نظام برنامه‌ریزی کشور اصطلاحی موسوم به عدم توازن‌های فرهنگی را مطرح کرده‌ایم. این اصطلاح، در مقایسه با اصطلاح عدم توازن‌های اقتصادی - که جریان توسعه‌گرا مطرح کرده - مطرح شده است. تعریف‌مان از اصطلاح عدم توازن‌های فرهنگی، امور ناهماهنگ با هدایت‌بنیان اداره کردن اداره جامعه است. در واقع ما هر امری که به هدایت جامعه مضر باشد را نامتوازن دانسته و آن را در حوزه‌ی اداره جامعه یک امر نامتوازن به حساب می‌آوریم. پس بنابراین نقطه‌ی آغاز دولت‌سازی اسلامی [فراهم کردن زیرساخت‌های هدایت -] کشف عدم توازن‌های فرهنگی - به این تعریفی که عرض کردم - می‌باشد.

ایشان در نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام در ادامه این بحث بیان داشتند که:

ما گفته‌ایم کشف عدم توازن‌ها باید به محوریت هدایت در جامعه باشد. هدایت، بنیان اداره جامعه است و هر آنچه در تعارض با هدایت جامعه باشد، یک امر ناهماهنگ و ناموزن محسوب می‌شود. لذا اگر نیروهای انقلاب بتوانند حتی در یک حوزه یک امر نامتوازن با هدایت جامعه را شناسایی کنند - یعنی هدایت جامعه را پایه‌ی تعادل قرار داده و امور نامتوازن با آن را شناسایی کنند - اتفاقی که می‌افتد این است که توانسته‌اند دولت‌سازی را از آن نقطه آغاز کنند. حالا اگر جریانی ۱۰ نامتوازن فرهنگی را شناسایی کرد به این معناست که دولت‌سازی را از ۱۰ نقطه شروع کرده است. چون در تعریف دولت‌سازی گفته‌ایم: دولت‌سازی به معنای تغییر نظامات اجتماعی منجر به هدایت است. شما سؤال می‌کنید تعریف شما از دولت‌سازی چگونه اتفاق می‌افتد؟ پاسخ می‌دهیم خیلی پیچیده نیست؛ همینکه شما یک نامتوازن فرهنگی را شناسایی و تبیین کرده و برای حل آن راه حل ارائه بدهید تغییر را شروع کرده‌اید. پس سؤال سوم و جواب آن را توضیح دادیم. اگر کسی از نقشه راه ما بپرسد شما می‌گویید نظام برنامه‌ریزی کشور باید دولت‌سازی بکند ولی دولت‌سازی چگونه اتفاق می‌افتد؛ ما پاسخ می‌دهیم: جناب آقای سازمان مدیریت! شما در مطالعات صفر خود با مدلی که به شما پیشنهاد می‌دهیم به سمت کشف عدم توازن‌های فرهنگی در کشور حرکت کنید.

همانطور که می‌دانید فرهنگ، بطن تمام امور است. راجع به فرهنگ سه قرائت وجود دارد؛ برخی می‌گویند: فرهنگ، خدمه‌ی اقتصاد است، این دیدگاه جریان توسعه‌گراست. برخی می‌گویند فرهنگ در کنار اقتصاد و سیاست جزئی از جامعه می‌باشد. ولی نظریه‌ی صحیح این است که فرهنگ، بطن تمام امور است. لذا وقتی می‌گوییم عدم توازن‌های فرهنگی را شناسایی کنید، باید بدانید که عدم توازن‌های فرهنگی در حوزه اقتصاد



نیز قابل بحث می‌باشند، چون اقتصاد، آثار فرهنگی دارد. عدم توازن‌های فرهنگی در حوزه سیاست خارجه نیز قابل بحث است. فرهنگ، جزئی در کنار سایر اجزاء جامعه نیست؛ بلکه میوهی باقی اجزاء جامعه می‌باشد. لذا اگر ما مثلاً مجموعه‌ای از عدم توازن‌های فرهنگی را در بخش اقتصاد شناسایی کنیم - یعنی به صورت مشخص بگوییم در حوزه اقتصاد این ده مسأله، مثلاً مدل تجمیع سرمایه ضد فرهنگ اسلامی ما هستند - به سمت اقتصاد مقاومتی و بازتعریف یک نظام اقتصادی جدید حرکت کرده‌ایم که به هدایت جامعه کمک می‌کند.

حجت‌الاسلام کشوری در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر این بحث را به این صورت ادامه دادند که:

اما نکته دقیق ما این است که ما نگفته‌ایم زیر ساخت اداری جامعه، فرهنگ است، بلکه نکته‌ی مطرح شده توسط ما این است که زیرساخت اداره جامعه، توجه به فرآیند هدایت می‌باشد و نتیجه توجه جدی به فرآیند هدایت در اداره جامعه، اصلاح فرهنگ است؛ یعنی خود اصلاح فرهنگ، میوهی توجه به فرآیند هدایت است. به عبارت بهتر اگر شما اصلاح فرهنگی را می‌خواهید باید به فرآیند هدایت توجه کنید.

به عنوان مثال حتماً یکی از زیرساخت‌های هدایت، دوران تربیت است و تربیت در نهاد خانواده اتفاق می‌افتد؛ اگر ما میوه‌های اجتماعی، میوه‌های فردی و میوه‌های اخروی هدایت را می‌خواهیم باید حتماً دوران شکل‌گیری شخصیت و دوران تربیت را جدی بگیریم. حالا اگر بخواهیم دوران تربیت را جدی بگیریم باید نهاد خانواده را جدی بگیریم، این یک طرف قضیه است. چه اموری با جدی گرفتن نهاد خانواده در تعارض هستند؟ به عنوان مثال برابر بودن قوانین اشتغال بانوان با قوانین اشتغال آقایان، یک امر نامتوازن محسوب می‌شود؛ وقتی زن‌های شما باید پا به پای مردهایتان در جامعه کار کنند، نهاد خانواده تضعیف می‌شود. پس ما حتماً به اصلاح قوانین اشتغال بانوان در جمهوری اسلامی نیاز داریم؛ زیرا عدم توجه به اصلاح قوانین اشتغال در حوزه بانوان، منجر به تضعیف نهاد خانواده و آسیب‌زدن به آرامش بانوان ما می‌شود. پس این یک امر نامتوازن است منتهی بر اساس تعریف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از مفهوم عدم توازن.

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در ادامه‌ی گفت‌وگو با خبرگزاری مهر به یکی دیگر از عدم توازن‌های فرهنگی یعنی تجمیع سرمایه با روش تحریک حرص اشاره کردند:

از آدام اسمیت^۳ به بعد گزاره‌ی معروفی وجود دارد که تا به حال تغییر نکرده است. آنها می‌گویند: فضایل فردی، رذائل اجتماعی هستند.^۴ هم کینز^۵ و هم آدام اسمیت و هم افراد دیگر به نوعی این حرف را زده‌اند که

۳. آدام اسمیت فیلسوف اسکاتلندی در دوران روشنگری اسکاتلند است که از او به عنوان پیش‌گام در اقتصاد سیاسی و «پدر علم اقتصاد مدرن» یاد می‌شود.

۴. جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۰ و در بحبوحه‌ی بحران جهان‌گیر اقتصادی، وعده‌ی روزی را می‌دهد که همگان ثروت‌مند شده‌اند و اضافه می‌کند که در آن زمان «بار دیگر هدف‌ها را برتر از وسایل می‌شماریم و خوب‌ها را بر مفیدها ترجیح می‌دهیم. ... اما آگاه باشید! زمان این آرمان‌ها هنوز فرا نرسیده است. زیرا دست کم برای یک‌صد سال دیگر باید برای خود و هر کس دیگر تظاهر کنیم که بدی، نیکی است و نیکی، بدی؛ زیرا بدی، مفید است و نیکی، مفید نیست. حرص، ربا و احتیاط باید همچنان برای یک مدت کوتاه دیگر، خدایان ما باشند. زیرا فقط آنها می‌توانند ما را از گذرگاه تاریک نیاز اقتصادی به روشنایی روز، رهنما شوند.» کینز در ادامه تصریح می‌کند: «هنوز زمان آن نرسیده است که به پاره‌ای اصول بسیار متقن مذهب و فضایل اخلاقی، یعنی «حرص، رذیلت است»، «رباخواری، معصیت است» و «حب مال، نفرت انگیز است»، بازگردیم.»

مقاله جان مینارد کینز در سال ۱۹۳۰ با عنوان امکانات اقتصادی برای نوه‌های ما، ص ۶ و ۷

۵. جان مینارد کینز یکی از اقتصاددانان برجسته قرن بیستم محسوب می‌شود.



اگر جامعه‌ای حریص نباشد در آن جامعه تولید ثروت اتفاق نمی‌افتد.^۶ آنها تحریک حرص را در بانک تئوریزه کرده‌اند. بانک‌ها چه کاری انجام می‌دهند؟ بانک‌ها به شما وعده‌ی سود می‌دهند و به همین دلیل است که می‌توانند سرمایه‌ی شما را جمع کنند. پس درست است که بانک‌ها تجمیع سرمایه می‌کنند ولی در حال تحریک حرص جامعه هستند و در روایات اسلامی این نکته به عنوان یک امر متقن ذکر شده است که حرص، پایه دوم کفر است؛ یعنی سه چیز، ریشه کفر است^۷ و اگر اجازه دهیم این سه امر فربه شوند، هدایت جامعه به چالش کشیده شده و جامعه کافر می‌گردد و به مشکلاتی که جوامع هدایت‌نیافته به آنها مبتلا هستند مبتلا می‌شود. ریشه اول کبر، ریشه دوم حرص و ریشه سوم حسد است. وقتی شما دائماً و در مقیاس کلان در ذهن مردم این نکته را وارد می‌کنید که پول خود را به بانک بدهید تا ۲۰ یا ۳۰٪ سود بگیرید، تحریک حرص رخ می‌دهد. می‌فهمم که شما با این کار تجمیع سرمایه می‌کنید ولی این کار به قیمت ضربه‌زدن به اخلاق و تربیت جامعه است. [پس یک امر نامتوازن می‌باشد].

بنابراین نقطه آغاز دولت‌سازی اسلامی و فراهم‌کردن زیرساخت‌های هدایت، شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی - به همان معنایی که بیان کردیم - می‌باشد. یعنی باید امور ناهماهنگ با هدایت را شناسایی کرده و به اصلاح آنها اقدام نماییم.

۶. آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳: Adam Smith)، بنیان‌گذار مکتب کلاسیک، در زمینه جریان طبیعی فعالیت‌های اقتصادی از فلسفه فیزیوکرات‌ها و به‌ویژه اصالت فرد دکنتر کنه (۱۷۷۴-۱۶۹۴) الهام می‌گیرد و پس از اعتقاد به اقتصاد آزاد، محرک اصلی فعالیت اقتصادی هر فرد را فقط نفع شخصی می‌داند و جستجوی افراد برای منافع شخصی را مطابق با افزایش ثروت ملی به‌طور خودکار می‌داند که نیاز به مداخله دولت هم نیست.

تفضلی، فریدون؛ *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران، نی، ۱۳۷۵، چاپ دوم، ص ۸۶-۸۸

۷. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْحِرْصُ وَالِإِسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ

امام صادق علیه السلام فرمودند: پایه‌های کفر سه تا هستند: حرص، کبر و حسد.

کلینی، محمدبن یعقوب؛ *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۱

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال دوازدهم: چگونه باید عدم توازن‌های فرهنگی را کشف، تبیین و رفع نمود؟

خلاصه جواب: شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی باید ذیل نظریات، نحس الگوی پیشرفت اسلامی باشد



بسم الله الرحمن الرحيم

در مباحث گذشته بیان شد که نقطه‌ی شروع بسط دولت‌سازی اسلامی: شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی است. همچنین توضیح داده شد که شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی چگونه موجب بسط دولت‌سازی اسلامی می‌شوند. سؤال بعدی که مطرح می‌شود چگونه شناسایی عدم توازن‌های فرهنگی است؟ پاسخ به این سؤال، ساختار چهارم مباحث ما را تشکیل می‌دهد. دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۱ به تبیین پاسخ این سؤال پرداختند:

از درون ساختار سوم، سؤال چهارمی مطرح می‌شود. ما چگونه عدم توازن‌های فرهنگی را شناسایی و رفع کنیم؟ هم شناسایی و هم رفع عدم توازن‌های فرهنگی یک مسأله و مشکل است. در اینجا دو دیدگاه مطرح می‌باشد. این دو دیدگاه به لحاظ جامعه‌شناسی است؛ یعنی مدیران ما الآن راجع به عدم توازن‌های فرهنگی دو کار انجام می‌دهند؛ یک دیدگاه، با اتکا به تجربیات خود این کار را انجام می‌دهد که این دیدگاه در بین نمایندگان مجلس شیوع دارد؛ یعنی فرد، یک آدم فرهنگی‌ای بوده، سال‌ها سخنرانی کرده، سال‌ها مشاور خانواده بوده و در حوزه‌ی امور خانواده مشکلی را لمس کرده است و وقتی به مجلس می‌آید تجربیات خود را به قانون تبدیل می‌کند. این یک روال است و ما به این روال نقد وارد کرده‌ایم. نقد ما به این روال چیست؟

به روال مذکور سه اشکال وارد است که حجت‌الاسلام کشوری در پیشخوان کتاب هسته‌های توازن فرهنگی^۲ آنها را ذکر کرده‌اند:

اگرچه این نوع از تشخیص دارای مزایایی است اما سه چالش مهم و اثرگذار مانع از انتخاب صحیح عدم توازن‌ها به این شیوه خواهد شد. نخستین آفت تشخیص تجربی، غلبه‌ی نگاه موردی و بخشی بر نگاه کلان و همه‌جانبه است. بخشی‌نگری، توانایی تضمین زیرساخت بودن فرهنگ در همه نامتوازن‌ها را ندارد. در حالی که در شناسایی عدم توازن‌ها و نوع بیان آنها باید به گونه‌ای رفتار نمود که فرهنگ به عنوان پایه و اصل قرار گیرد و مؤلفه‌های معارض با فرهنگ تعدیل گردند.

آفت دوم تشخیص موردی و تجربی عدم توازن‌های فرهنگی ناتوانی در فهم تأثیر بخش‌های دیگر جامعه در نامتوازن مورد نظر است. آنگاه که یک نامتوازن به صورت موردی شناسایی می‌شود به سختی می‌توان (و در برخی موارد غیر ممکن است) رابطه نامتوازن را با حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فضای عمومی جامعه، ارکان تصمیم‌ساز و ... شناسایی نمود و عدم شناسایی این روابط منجر به ارائه راه حلی ناقص از موضوع خواهد شد و با فرض پردازش روی عدم توازن مورد نظر، در نهایت شاهد باقی ماندن عدم توازن و یا تبدیل عدم توازن از شکلی به شکل دیگر خواهیم بود.

آفت سوم تشخیص موردی و تجربی عدم توازن‌های فرهنگی، عدم وجود نظریه‌ی پایه برای عدم توازن مورد نظر است. نظریه دارای یک کارکرد بسیار مهم است و آن، جانمایی موضوع نظریه نسبت به فضای کل و نسبت به اجزای مؤثر در موضوع خواهد بود. به عبارت دیگر در حوزه برنامه‌ریزی میان‌مدت، کل جامعه با

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

۲. هسته‌های توازن فرهنگی مجموعه‌ای از سخنرانی‌های دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در جلسات گفت‌وگویی پیشرفت اسلامی و نشست‌های رسانه‌ای می‌باشد که به صورت یک کتاب تدوین شده است. در ابتدای این جزوه به تبیین اجمالی نظریه هسته‌های توازن فرهنگی پرداخته می‌شود و پس از آن روش اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای پیگیری و تحقق هسته‌های توازن فرهنگی مورد بحث قرار می‌گیرد. این روش در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی به الگوی ساخت نظامات اسلامی مشهور است. پس از این دو سرفصل بحثی به تبیین نظریات چهارگانه مطرح در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی به صورت تفصیلی پرداخته می‌شود.



ارکان و روابط مؤثر در آن مورد بحث قرار می‌گیرند. آنگاه که نسبت به موضوع مورد نظر، نظریه‌ای به عنوان پشتیبان قرار می‌گیرد، نخست جایگاه عدم توازن نسبت به فضای کلی و در مرحله بعد نسبت جایگاه عدم توازن به مؤلفه‌های مؤثر پیرامونی نیز مشخص می‌شود. نتیجه این جانمایی ایجاد تفاهم عمومی بر سر عدم توازن و در نهایت حذف بن‌بست‌های اجتماعی است.

دبیر شورای راهبردی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر به تبیین بیشتر آفت سوم پرداختند:

اگر ما به این روال عمل کنیم تجربه‌ی قانون‌گذار به وسیله قانون به افراد جامعه و نخبگان انتقال پیدا نمی‌کند. لذا این قانون قابلیت تفاهم ندارد و ما می‌دانیم که اگر قانونی تفاهم نشود به سرنوشت عدم اجرا مبتلا می‌گردد؛^۳ یعنی نباید تصور کنیم که اگر امری به قانون تبدیل شد حتماً در جامعه اجرا می‌شود. به نظر ما امری که به قانون تبدیل می‌شود نیازمند نظریه پشتیبان است تا این نظریه بتواند از قانون مورد نظر دفاع تئوریک کند.

حجت‌الاسلام کشوری در نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام به تبیین دومین راه حل شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی پرداختند:

نسخه دیگر می‌گوید - ما در نقشه راه از این نسخه دفاع کرده‌ایم - عدم توازن‌های فرهنگی را ذیل نظریات بخشی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت^۴ شناسایی کنید.

ایشان در خبرگزاری مهر در تکمیل این بحث نکته‌ای را اضافه کردند:

اگر نخبه و مدیر ما دقیقاً بخواهد بداند که نظریات الگوی پیشرفت - چه نظریه مادر^۵ و چه نظریات بخشی - در کجا ورود پیدا کرده و در اداره‌ی جامعه تأثیر می‌گذارند، باید بدانند که این نظریات، نقش خود را در

۳. این مشکل، تنها مشکل برنامه ششم نیست، مدل تقنین کشور به این آفت مبتلاست که این آفت از عدم توجه به مفهوم هدایت در تقنین نشأت می‌گیرد. توضیح بیشتر را در ادامه بخوانید:

از جمله دیگر بخش‌هایی که جایگاه هدایت در آن محسوس است، قوه تقنین کشور است. براساس گزارش‌های کارشناسان فعلی جامعه بسیاری از قوانین در کشور جاری نمی‌شوند، می‌توان به عنوان بخشی از دلیل عدم اجرای قوانین در کشور، عدم توجیه افراد نسبت به اجرای آن قوانین دانست. یعنی نگرش‌های افراد جامعه با آن قانون به عنوان ابزار نظم هماهنگ نیست. فلسفه قانون‌گذاری ایجاد نظم در جامعه است، اما اگر آن قانون متناسب با نظامات ذهنی بخش‌های مختلف جامعه از جمله نظامات ذهنی مدیران، نخبگان و عموم جامعه نباشد، آن قانون به سمت تحقق حرکت نخواهد کرد. البته در حوزه قانون‌گذاری مشکلات دیگری نیز وجود دارد که از جمله این مشکلات می‌توان به تعارض در قوانین اشاره کرد، متعارض بودن قوانین مانع هدایت نظامات ذهنی افراد می‌گردد، یعنی تا امسال در کشور ۱۰۲ سال قانون‌گذاری و بیش از صد و هشتاد مرجع قانون‌گذاری موجود است و ۱۰۲ سال قانون‌گذاری فقط مختص یکی از مراجع قانون‌گذاری یعنی مجلس شورای اسلامی است. یکی از بحث‌ها درباره تقنین کشور این است که تعدد مراجع قانون‌گذاری موجب تعارض قوانین متعدد و تعارض قوانین مانع هدایت می‌باشد، یعنی قانون متعارض فرصت برای جا انداختن یک قانون را در جامعه نمی‌دهد، حالا اگر این قوانین متعارض زیاد شد یعنی هیچ یک از قوانین فرصت تفهیم و جا افتادن نخواهد داشت و در نتیجه عدم توجیه افکار عمومی نسبت به قوانین مصوب، هیچ یک از قوانین محقق نخواهد شد. بنابراین تصویب قوانین متعارض، متکثر و تکثر مراجع قانون‌گذاری مانند شوراهای اسلامی شهرها، تصویب آیین‌نامه‌های دولتی و ... مانع هدایت نظامات ذهنی هستند. با این حال قوه مقننه در سالروز تأسیس مجلس، مراسم رونمایی از سامانه ۱۰۲ سال قانون‌گذاری برگزار کرده و به این کار افتخار می‌کند؛ ۱۰۲ سال قانونی که قابلیت اجرایی شدن ندارد و بسیاری از قوانین آن با هم متعارض هستند چه افتخاری دارد؟! قانون برای اجراست و زمانی که قوانین اجرایی نشوند یک عیب محسوب می‌گردند نه موجب افتخار.

۴. جلسه دوم از سلسله تبیین چرایی، چیستی و چگونه هدایت نظامات ذهنی

۱۳۹۵/۰۳/۰۴ .۴

۵. اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی دارای دو نوع نظریه است. دسته اول نظریات، نظریات هستند که تصویر کلی اداره جامعه بر اساس اسلام را شرح می‌دهند که مجموعه این نظریات ذیل نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز گنجانده می‌شود. دسته دوم نظریات نقشه راه، نظریات بخشی هستند که چگونگی دولت‌سازی اسلامی را در ۸۱ بخش کشور مورد بحث قرار داده‌اند.



شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی نشان می‌دهند؛ یعنی شما می‌توانید در حوزه‌ی تصمیم‌سازی به محوریت کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی کارکرد نظریات بخشی‌الگوی پیشرفت اسلامی را حس کنید.

بنابراین راه حل شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی استفاده از نظریات الگوی پیشرفت اسلامی است.

۶. در نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی، یک نظریه مادر موسوم به نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز وجود دارد. اگر کسی به این نظریه مسلط شد، در ذهنش یک تصویر کلان از نحوه اداره جامعه براساس اسلام شکل می‌گیرد. واضح می‌گردد زمانی که می‌گوییم باید جامعه را بر مبنای اسلام اداره کرد، دقیقاً ابعاد این اداره اسلامی چیست. البته براساس نظریه مادر، ۸۱ مسأله در نقشه راه تحلیل شده که در واقع در هر یک از این نظریات بخشی، تکلیف یک مسأله جهت‌ساز در جامعه اسلامی تعیین گردیده است. به عنوان مثال در جامعه با یک مسأله به عنوان معیشت مردم -یا به اصطلاح امروزی اقتصاد- روبرو هستیم. در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور سعی کردیم به این مسأله پاسخ دهیم. همچنین در جامعه با مسأله وقوع جرم روبرو هستیم. ما در نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم، روندی را برای تحقق پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم ارائه داده‌ایم. ولی در نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی، راجع به مسائل مبتلابه مدیران در اداره جامعه اظهار نظر نشده است، بلکه تصویر کلی اداره جامعه بر مبنای اسلام را بحث کرده‌ایم. بگذارید مسأله نظریه مادر و کارکردش را مقایسه کنیم، تا مسأله شفاف شود. فرض بفرمایید الآن در این جلسه نشست‌ایم، اگر از ما پرسیده شود "یک فرد مسلمان کیست؟"، این سؤال از ما یک تصویر کلان درباره مسلمانی می‌خواهد. البته اگر از شما پرسیده شود که نماز را هم تحلیل کنید، باید بنشینید درباره نماز سخن به میان بیاورید. راجع به حج هم می‌توانید صحبت کنید. اما سؤال راجع به ابعاد مسلمانی نیست، بلکه راجع به کلیت مسلمانی است. پس شما باید جوابی بدهید که شامل همه ابعاد شود تا تصویر کلانی از مفهوم مسلمانی را در ذهن طرف مقابل ایجاد کند. فرض بفرمایید شما جواب می‌دهید فرد مسلمان براساس شریعت عمل می‌کند. یک تصویر کلی در ذهن طرف مقابل ایجاد می‌شود. بعد می‌گویید شریعت امری بشری نبوده و الزاماً از طریق وحی تبیین می‌شود. بعد می‌گویید که حتماً باید در شریعت و در اینکه مثلاً چرا خدای متعال خمس یا نماز را واجب کرده است، تفکر کرد. بنابراین در پاسخ به این سؤال سه بحث مطرح می‌کنید: ۱. مسلمان، شریعت‌محور است. ۲. شریعت را از منبع وحی استنباط می‌کند. ۳. در مناسک شریعت تأمل می‌کند. به عنوان مثال اگر این تعریف از مسلمان پذیرفته شود، یک تصویر کلان از فرد مسلمان یا از مسلمانی یک فرد ایجاد می‌شود.

شبیبه به این سؤال، یک سؤال جامع -که از اول انقلاب بوده و متفکران جواب‌های مختلفی به آن داده‌اند- مطرح می‌کنیم. آن سؤال این است که شما بعد از انقلاب گفتید قصد اداره کردن جامعه را داریم، خوب حالا اداره جامعه بر مبنای اسلام چیست؟ چه تعریفی دارد؟ درست مانند مثالی که زدم یک بخش‌هایی در اداره جامعه وجود دارد که جواب آنها را هم باید بدهیم اما در ابتدا باید یک تصویر کلانی را به مخاطب ارائه می‌دهیم. پس ما در نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی سعی کرده‌ایم این تصویر کلان -از مفهوم اداره جامعه بر مبنای اسلام- را ارائه دهیم.

بحث تصویر کلان را به این جهت طرح کردیم که علت نام‌گذاری نظریه پردازش موضوعات جهت‌ساز به نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی -یا به تعبیر دیگر نظریه پایه الگوی پیشرفت اسلامی- را مشخص کنیم. خوب اگر تصویر کلانی در ذهن شما نباشد در مرحله‌ی بعد نخواهید توانست بخش‌های مختلف جامعه را با یکدیگر هماهنگ کنید. می‌دانید خاصیت این بحث چیست؟ اگر شما بحث را از ارائه تصویر کلان شروع نکنید و بحث را بخشی آغاز کنید، به مشکلی که الآن در تفکر سیستمی دچار شده‌اند، گرفتار خواهید شد. در تفکر سیستمی، سیستم‌ها را به صورت مجزا تحلیل می‌کنند. مثلاً شما یک سیستم برای بخش صنعت، سیستم دیگری را برای بخش قضایی و یا بخش معماری و شهرسازی طراحی می‌کنید و سیستم‌های مختلف بحث می‌شوند. ولی پس از آنکه سیستم‌ها ساخته شده و بحث شدند، مسأله‌ای به عنوان تعارض سیستم‌ها به وجود می‌آید. اگر از اول به فکر یک تصویر کلان نباشید، در آینده تعارض به وجود خواهد آمد.

نشست تبیین نظریه مادر الگوی پیشرفت اسلامی در شهرستان ورامین ۱۳۹۳/۰۹/۲۹

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً‌انخبگان، عمدتاً‌افراد مؤثر، عمدتاً‌تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال سیزدهم: پیوست الگوی پیشرفت اسلامی حاوی چند نظریه از نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است؟

خلاصه جواب: وجود چهار نظریه بخشی در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی

سؤال ۱۳



بسم الله الرحمن الرحيم

با توجه به مباحث گذشته مشخص شد که راهکار بسط دولت اسلامی در نظام برنامه‌ریزی کشور شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی است. همچنین بیان شد که شناسایی و رفع عدم توازن‌های فرهنگی باید ذیل نظریات الگوی پیشرفت اسلامی صورت گیرد. اما پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه حاوی چند نظریه از نظریات بخشی الگوی پیشرفت اسلامی است؟ دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگاری مهر^۱ پاسخ این سؤال را ارائه کردند:

با توجه به اینکه پیوست الگوی پیشرفت اسلامی یک نمونه‌سازی محدود است ما از نظریات مطرح در اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی ۴ نظریه از نظریات بخشی الگوی پیشرفت را انتخاب کرده‌ایم تا از آنها برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی استفاده کنیم.

به عنوان مثال برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی در مورد ترجمه‌زدایی از علم از نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز استفاده کرده‌ایم. نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز به شما توضیح می‌دهد که چگونه عدم توازن‌های فرهنگی در حوزه پایان‌نامه‌ها را مدیریت کنید. من به مناسبت اینکه در خبرگزاری مهر هستیم این مطلب را بیشتر توضیح می‌دهم. ما در حوزه علمی کشور به یک عدم توازن فرهنگی حاد مبتلا هستیم. این عدم توازن فرهنگی چیست؟ از یک سو می‌دانیم که باید کشور را علمی اداره کنیم - این یک حرف فنی و قابل دفاع است - ولی از طرف دیگر تقریباً اکثر پایان‌نامه‌هایی که نوشته شده‌اند برای رفع عدم توازن‌های اقتصادی راه حل ارائه داده‌اند. با اینکه ما به صورت بنیادین به دنبال کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی هستیم ولی خود این امر که پایان‌نامه‌های ما نمی‌توانند عدم توازن‌های فرهنگی را توضیح داده، رفع کردن آنها را بحث کرده و راه حل ارائه دهند، یک عدم توازن است. در نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز راه حل رفع این مشکل ارائه شده است.

از نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم، برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی حوزه قضایی استفاده کرده‌ایم. باز در اینجا یک توضیح مختصر عرض می‌کنم. شما می‌دانید که ما سالانه ۱۵ میلیون خدمت قضایی انجام می‌دهیم.^۲ معنای این سخن آن است که در جامعه‌ی ما آمار جرم بالاست. بنابراین مسأله پیشگیری از جرم برای جامعه‌ی ما یک مسأله حیاتی است که به آن احتیاج داریم و باید رفع شود. برای رفع مسأله پیشگیری از جرم و امور نامتوازن با این مسأله حیاتی، الآن در کشور ما سه نظریه به عنوان آبرنظریه مطرح است؛ دوستان نیروی انتظامی از نظریه پیشگیری محیطی استفاده می‌کنند. بنده در همین جا به این دوستان عرض می‌کنم که نظریه پیشگیری محیطی، منجر به پیشگیری از جرم نخواهد شد، بلکه منجر به تغییر بافت جرم می‌شود. نظریه پیشگیری ساختاری نیز در کشور ما طرفدارانی دارد که نتیجه آن تشکیل شورای عالی پیشگیری از جرم می‌باشد. بعد از سال‌ها معطلی در مجمع تشخیص این طرح تبدیل به قانون شد و آخرین خبرها حکایت از آن دارد که جناب آقای رئیس‌جمهور نامه‌ای به مقام معظم رهبری نوشته و گفته‌اند این قانون اجرایی نمی‌شود. این، مضمون مطلب ایشان است؛ یعنی این طرح همین الآن نیز

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

۲. وجود ۱۵ میلیون پرونده قضایی یعنی اینکه در ۱۵ میلیون نقطه دستگاه قضایی مشغول بوده که این رقم بسیار بالایی است که حتی در برخی قسمت‌ها میزان رسیدگی به پرونده‌ها بیشتر از وارده بوده است.

آیت‌الله آملی لاریجانی در گفت‌وگوی تلویزیونی - باشگاه خبرنگاران، کد خبر: ۵۲۴۰۵۲۶



متوقف است ولی به هر حال نظریه پیشگیری ساختاری در کشور ما طرفدارانی دارد. تئوری دیگری که در حوزه پیشگیری از جرم مطرح است، نظریه پیشگیری توسعه‌ای می‌باشد که این نظریه نیز طرفدارانی دارد. طرفداری‌هایی نیز از نظریه پیشگیری کیفری می‌شود که البته طرفدار جدی‌ای ندارد و سه نظریه دیگر در کشور غالب هستند. ما در مقابل این ۴ نظریه - که در حوزه پیشگیری از جرم وجود دارد - نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم را مطرح کرده‌ایم. این نظریه کمک می‌کند تا عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با مسائل قضایی حل شوند.

نظریه سومی که در این پیوست استفاده کرده‌ایم این است که عدم توازن‌های مرتبط با بحث تربیت را در نظریه **بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت** شناسایی کرده‌ایم. ما در نامگذاری نظریه‌ی تربیتی نقشه راه عمده‌ی نام این نظریه را شبیه به نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر کسب و کار انتخاب کرده و خواسته‌ایم در نامگذاری، این مسأله را القا کنیم که از نظر الگوی پیشرفت اسلامی نهادهای متکفل تربیت، سلول‌های اولیه جامعه محسوب می‌شوند، برخلاف جریان توسعه غربی که فضای کسب و کار را به عنوان سلول اولیه جامعه تعریف می‌کند. ما در این نظریه شرح داده‌ایم که اگر بخواهیم نهادهای متکفل تربیت را - که عمده‌ترین این نهادها، نهاد خانواده است - فربه کنیم باید چه کاری انجام دهیم.

نظریه‌ی آخری که در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم به منظور رفع عدم توازن‌ها از آن استفاده کرده‌ایم، نظریه **بنگاه‌های وقف‌محور** است. این نظریه شاید برای ناکارآمدی‌های حوزه اقتصاد که در حال حاضر وجود دارد نیز مفید باشد. ما در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور در گام اول نحوه‌ی تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیده‌ایم.

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً‌انخبگان، عمدتاً‌افراد مؤثر، عمدتاً‌تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال چهاردهم: نظریه بنگاه‌های وقف محور چه می‌گوید؟

خلاصه جواب: ۱. تغییر مدل تجمیع سرمایه از محوریت سودمادی به محوریت سود اخروی ۲. تغییر تعریف اشتغال در جهت احیای نهاد خانواده

سؤال ۱۴





بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث‌های گذشته بیان کردیم که پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم دارای ۴ نظریه بخشی است که عبارتند از: نظریه بنگاه‌های وقف‌محور، نظریه بانک سوالات جهت‌ساز، نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت و نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم. اما چون این ۴ نظریه به صورت اجمالی توضیح داده شدند بهتر است به تبیین تفصیلی‌تر آنها بپردازیم. نظریه بنگاه‌های وقف‌محور چه می‌گوید و چه اثر مثبتی در هدایت جامعه دارد؟ دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸ پاسخ این سؤال را ارائه کردند:

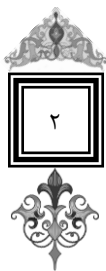
یکی از عدم توازن‌های فرهنگی، عدم توازن‌های مرتبط با موضوع اقتصاد است. در بخش اقتصاد مهمترین عدم توازن، محور دیدن اقتصاد در جامعه است و در گام اول باید سعی نمود تا این تلقی را تغییر داد و موضوع اقتصاد را به عنوان یکی از زیرساخت‌های فرهنگ بازتعریف نمود. به عبارت روشن‌تر چون انسان مختار، بر محور قوه‌ی عاقله خود حرکت می‌کند اگر ما اقتصاد را اصل قرار دهیم فکر انسان بخشی و اقتصادی شکل می‌گیرد و این به معنای شکوفا نشدن ظرفیت‌های انسان است. از سوی دیگر در وضعیت فعلی چون درک خاصی از اقتصاد وجود دارد لذا ما در گام اول باید کارآمدی نگاه اقتصادی اسلام را به رخ بکشیم و در گام‌های بعد اقتصاد را به عنوان زیرساخت فرهنگ بازتعریف نماییم. در پیوست الگوی پیشرفت مسیر شکل‌گیری گام اول این فرآیند پیچیده در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور تشریح شده است.

گام اول این فرآیند پیچیده، تغییر نگاه افراد نسبت به سود است. حجت‌الاسلام کشوری در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۱ به تبیین این فرآیند پیچیده پرداختند:

ما در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور در گام اول نحوه تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیده‌ایم. شرح بیشتر مسأله اینکه؛ در حال حاضر نقدهای زیادی به نظام سرمایه‌داری وارد می‌شود. به عنوان مثال می‌گویند در نظام سرمایه‌داری عدالت وجود ندارد و این حرف، حرف درستی است. همچنین می‌گویند نظام سرمایه‌داری خانواده را با فروپاشی روبرو می‌کند. این حرف نیز حرف درستی است. ولی به نظر من این نوع نقدها منجر به تغییر نظام سرمایه‌داری نمی‌شود. ما نقاطی از نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیده‌ایم که اگر این نقاط به چالش کشیده شوند نظام سرمایه‌داری در عمل نیز با شکست روبرو می‌شود. یکی از این نقاط، مدل تشکیل سرمایه در نظام سرمایه‌داری است. من بازهم توضیح بیشتر بدهم؛ شما می‌خواهید یک ساختمان فکری را به چالش بکشید. به چالش کشیدن یک ساختمان فکری از جهاتی دقیقاً مانند تخریب یک ساختمان است. اگر کسی ناشی باشد چه کار می‌کند؟ طبقه‌به‌طبقه اقدام به تخریب می‌کند. ولی اگر با انسان‌های فنی روبرو شوید به شما ۲، ۳ یا ۱۰ نقطه از آن ساختمان را نشان داده و می‌گویند: به چالش کشیدن این ۳ نقطه موجب تخریب تمام ساختمان می‌شود. درست شبیه به همین مثال به نظر ما اگر ۳ نقطه از نظام سرمایه‌داری را به چالش بکشیم تمام دستگاه فکری نظام سرمایه‌داری به چالش کشیده خواهد شد. یکی از این نقاط، مدل تشکیل سرمایه است. ما در نظریه بنگاه‌های وقف‌محور با ارائه مدل تشکیل سرمایه از منظر اسلام، مدل تشکیل سرمایه از منظر نظام سرمایه‌داری را به چالش کشیده‌ایم. این امر چگونه رخ می‌دهد؟ همانطور که از عنوان نظریه‌ی ما مشخص است ما گفته‌ایم: می‌توان در جامعه به

۱. ۱۳۹۴/۰۶/۲۹

۲. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳



محوریت بخش وقف بنگاه‌های اقتصادی‌ای را ایجاد کرد.^۳ همه می‌دانیم که هزینه‌ی تمام‌شده‌ی کالاها در بخش اقتصادی از ۳ محور افزایش پیدا می‌کند. محور اول، هزینه‌ی خودِ بخش تولید است که شامل قطعات تولید، تکنولوژی تولید، دانش مربوط به این بخش خاص و ... می‌شود. هزینه‌ی دوم مربوط به توزیع و تبلیغات است. سومین و شاید مهمترین محور، سود سرمایه‌دار است که به هزینه‌ی تمام‌شده اضافه می‌شود. ما گفته‌ایم: **فعلاً و در گام اول**، با دو هزینه‌ی اول کاری نداریم، یعنی بنده الآن نمی‌خواهم مدل تولید را برهم بزنم، البته این در ابتدای کار است و به این معنا نمی‌باشد که در آینده نمی‌خواهیم مدل تولید را به چالش بکشیم، ما نرمش قهرمانانه کرده و می‌گوییم: همین مدل تولید فعلی برقرار باشد. نحوه تولید و تبلیغات را به چالش نمی‌کشیم. ما ابتدا از مدیریت بخش توزیع شروع نمی‌کنیم. نقطه آغاز ما کجاست؟ ما گفته‌ایم: به هر میزان که بتوانیم سرمایه‌ی تشکیل‌دهنده‌ی بنگاه‌ها را از بخش وقف تأمین کنیم، به همان میزان قیمت تمام شده‌ی کالا کاهش پیدا می‌کند؛ یعنی ما سود سرمایه‌دار را حذف کرده‌ایم.^۴

۳. نکته مهم این است که ما با بحث وقف معاد را در جامعه تسری و گسترش می‌دهیم:

در اسلام اصلی وجود دارد به نام «اصل معاد»، قصد شما هم ایجاد توجه در مخاطب نسبت به وجود معاد و یادآوری آخرت است. شما قصد تذکر این مطلب را به مخاطب دارید که متوجه باشد اگر آخرت خود را فراموش نماید، دچار خسران مبین خواهد شد. این موضوع در اسلام و در دعوت انبیاء ذکر شده است. از سوی دیگر می‌دانیم که تمام انسان‌ها به دنبال سود و منفعت خود می‌باشند. حد واسط میان مسأله منفعت‌طلبی انسان و مسأله معاد، مسأله وقف است. در مسأله وقف، هم به آخرت افراد توجه شده و هم به منفعت‌طلبی و سود افراد پاسخ داده می‌شود. بنابراین نقطه‌ی ورود ما به مبحث معاد از مدخل «سود» است، که موضوعی قابل درک و غیرقابل انکار برای تمام مردم است. اسلام نمی‌خواهد یک امر غیرقابل انکار را خط بزند. بلکه در اسلام، سودطلبی انسان به عنوان یک مسأله غیرقابل انکار پذیرفته شده و از مجرای وقف به یک آرمان بلند به نام آخرت‌گرایی و معاد، گره زده شده است. هنگامی که بحث شما راجع به اقتصاد اسلامی است، قادر نخواهید بود فقط راجع به مسأله سود و یا مسأله آخرت به تنهایی صحبت نمایید. بلکه حتماً می‌بایست اقدام به استخراج حد واسط میان جهت‌گیری صحیح و موضوع غیرقابل انکار نمایید.

جلسه دوازدهم از سلسله جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونگی هدایت نظامات ذهنی ۱۳۹۲/۱۲/۱۹

۴. عنوان دیگری در فضای اقتصادی داریم تحت عنوان "تعادل اقتصادی". به نظرم می‌رسد که در ادبیات اقتصاد فعلی، وقتی می‌خواهند؛ اقتصاد یک جامعه را شکوفا کنند، در نهایت یک تعدیل کلان در جامعه اتفاق می‌افتد و همه چیز به محوریت بخش اقتصاد سامان می‌یابد. از منظر توسعه، آموزش خوب، آموزشی است که خلاقیت برای اقتصاد ایجاد کند، حقوق و قضای خوب، حقوق و قضائی است؛ که امنیت سرمایه‌دار را تأمین کند، سیاست خوب سیاستی است که منجر به رشد اقتصادی شود و ... این حرف‌ها در ادبیات اقتصاد و توسعه مطرح است. اگرچه در قانون اساسی گفته شده اقتصاد هدف نیست ولی در تئوری‌های علمی اینها اقتصاد را محور قرار می‌دهند و همه چیز باید به محوریت اقتصاد تعدیل شود! حتی میزان درآمد مردم، اگر به سمتی برود که با یک نحوه عدالتی - مسأله به ضرر صاحبان سرمایه تمام شود، به آن می‌گویند اقتصاد صدقه‌ای و کمیته امدادی! از منظر این اقتصاد، منافع سرمایه‌دار، نباید ضربه بخورد. البته در ظاهر حرف قشنگی می‌زند و می‌گویند این عدالت به ضرر تولید است؛ ولی در نهایت وقتی تئوری‌ها بازشکافی می‌شود، می‌بینیم که در واقع منظور تأمین منافع سرمایه‌دار است. این فضای فعلی تئوری‌های اقتصادی است. حال اگر بخواهیم ریشه شکل‌گیری این تئوری‌های اقتصادپرست! را بدانیم، باید به چند محور توجه کنیم: محور اول، نحوه جمع سرمایه است، این بخش را توضیح می‌دهم تا مسأله روشن شود. همانطور که گفتیم: اقتصاد فعلی عیب بزرگش این است که اقتصاد را هدف قرار داده و بقیه جامعه را خدمه این هدف. از نظر ما کسی که بخواهد این اقتصاد را با چالش روبرو کند باید ارکان این اقتصاد را به چالش بکشد و لازم نیست که همه بخش‌های این اقتصاد را نظری نقد کنیم. رکن اول اقتصاد سرمایه‌داری، شکل جمع سرمایه در این اقتصاد است. یعنی اقتصاد فعلی چون می‌خواهد بخش‌های بزرگ اقتصادی را راه بیاندازد نیاز دارد پول‌های خرد را جمع کند و در اختیار سرمایه دار قرار دهد؛ تا سرمایه‌دار بتواند صنایع مادر و ... را ایجاد کند. اگر یک سیستم اقتصادی نتواند جمع سرمایه ایجاد کند نمی‌تواند کارهای بزرگ انجام دهد. حال اقتصاد سرمایه‌داری این کار را چگونه انجام می‌دهد؟ در مکانیزم جمع سرمایه در سیستم اقتصاد فعلی، با تحریک حرص و دادن وعده سود، سرمایه جمع می‌شود؛ یعنی اینکه به شما می‌گویند: اگر پولتان را در بانک بگذارید، به شما ۲۰ درصد سود می‌دهیم، در واقع دارند حرص شما را تحریک می‌کنند که البته منجر به ربا هم می‌شود. پس با دادن سود، مردم در اقتصاد مشارکت می‌دهند؛ ولی از آن طرف این سود داده شده به مردم را به همراه سود سرمایه‌دار و سود بانک بر قیمت تمام شده کالاها و خدمات می‌افزایند. حال اگر ما بتوانیم یک جمع سرمایه‌ای داشته باشیم که به اصطلاح، متکی به اصل آهنین! منافع افراد نباشد؛ در واقع توانسته‌ایم یک تولید بسیار ارزان‌تر در جامعه ایجاد کنیم. تولیدی که از قیمت تمام شده آن، سود سرمایه‌دار و سود سپرده‌گزار کسر شده است! این چه طور ممکن است. ما در نقشه راه بحث کرده‌ایم که اگر به محوریت تأمین سبد نیازهای عمومی خانواده موقوفات هدایت و جمع شوند، این اتفاق مبارک خواهد افتاد و در عمل یکی از ارکان اقتصاد سرمایه‌داری به چالش کشیده خواهد شد. توضیح بیشتر اینکه برای تحقق جمع سرمایه، یکی از عوامل، انگیزه داشتن افراد برای سپرده‌گذاری است؛ که به شهادت محاسبه‌ی ارزش مالی موقوفات فعلی، این انگیزه در سطح بسیار بالایی در مردم به محوریت این



چرا ما این مسأله را نقطه شروع می‌دانیم؟ این چرایی اهمیت دارد. به این خاطر که آثار تربیتی حوزه اقتصاد برای ما خیلی مهم است. اساساً در نگاه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت رویکردی وجود دارد مبنی بر اینکه وقتی می‌خواهد مسأله‌ای را ارزیابی کند جزء بسته‌ی اول مباحث او - که باید بر روی آن حساسیت نشان بدهد - این است که آیا فلان مسأله اقتصادی، آثار تربیتی سوء دارد یا نه؟ اصلاً به نظر ما این نکته، یک مایز و یک شاخص برای این است که آیا ما در اداره جامعه یک نظریه را بپذیریم یا نپذیریم. اگر طرحی در حوزه اقتصاد اثر سوء تربیتی داشت ما می‌توانیم با ملاحظه این اثر سوء تربیتی تمام طرح را به چالش بکشیم؛ چون مسأله تربیت، خیلی مهم است.

دبیر شورای راهبردی در ادامه‌ی گفت‌وگو با خبرگزاری مهر به تبیین آثار سوء تربیت فعلی پرداختند:

وقتی شما می‌گویید: ما مدل تشکیل سرمایه‌ی خودمان را به محوریت بخش وقف تنظیم می‌کنیم کاملاً پیداست که بخش وقف بر مبنای تحریک ایثار اتفاق می‌افتد. لذا اگر بخش وقف را زیرساخت تشکیل سرمایه قرار دهید هم کار اقتصادی کرده‌اید و هم آثار تربیتی ایثار را در جامعه گسترش داده‌اید؛ یعنی در واقع نظریه‌ی مترقی وقف می‌گوید: ایثار نه تنها سود فردی و اخروی دارد بلکه سود اجتماعی و اقتصادی نیز دارد. در واقع نظریه‌ی مترقی وقف، نظریات اقتصادی کلاسیک^۵ و نئوکلاسیک^۶ را از آدام اسمیت به این طرف به

بخش وجود دارد. این شوق فعلی در شرایطی به وجود آمده که هیچگونه تلاش تشویقی و ترویجی در سطح برنامه‌ریزی برای مسأله وقف وجود ندارد و تشویق‌ها به صورت محدود در منابر، مساجد و هیئات انجام می‌شود. حال اگر به مردم توجه داده شود که نتیجه این وقف تأمین نیازهای اصلی نهاد خانواده - مانند مسکن - است؛ انگیزه برای تجمیع سرمایه حول بخش وقف افزایش می‌یابد.

با تجمیع سرمایه حول بخش وقف، علاوه بر حل مسأله انگیزه برای سپرده‌گذاری که اقتصاددانان غرب‌زده، تنها راه آن را اصل منافع شخصی می‌دانند - یکی دیگر از عواملی که بر اساس آن واگذاری تولید به بخش خصوصی توجیه می‌شود؛ حل می‌شود. کدام مسأله؟ مسأله انگیزه بیشتر برای تولید در بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی. اگر هدف اصلی تجمیع سرمایه به محوریت وقف را تأمین نیازهای خانواده و به تبع احیای نهاد خانواده بدانیم؛ به وسیله انگیزه‌ی انسانی تولید شده بر اساس این هدف، می‌توان تولید پر رونقی را در این بخش ایجاد کرد. فراموش نکنیم که به دلیل استحکام انگیزه‌های دینی، ایجاد مشارکت برای تحقق اسلام گاهی تا سطح جانفشانی ارتقاء می‌یابد؛ که تکرار این تجربه‌ها در مورد تحقق نهاد خانواده، تحقق عدالت و رفع فقر هم قطعی است. به عبارت دیگر اگر در ابتدای امر تأمین نیازهای عمومی خانواده را اصل قرار دهیم و مثلاً به دنبال تأمین مسکن، امکانات ازدواج و ... باشیم؛ هم بخشی از مشکل اشتغال را با محوریت بخش وقف حل کرده‌ایم و هم با انگیزه ناشی از این هدف مقدس، انگیزه‌ی رونق بنگاه‌های وقف محور را افزایش داده‌ایم. اگر شما این کار را کردید، در واقع اصل آهنگین منافع شخصی که مهم‌ترین اصل در اقتصاد غربی است را به چالش کشیده‌اید. این اصل می‌گوید اقتصاد جامعه شکوفا نمی‌شود آنگاه همه منفعت و سود مادی ببرند. می‌گویند بیایید کار کنید تا ۲۰ درصد سود ببرید! اگر کتاب‌های تمام اقتصاددانان را مطالعه کنید اگر نگویم مهمترین اصل در اقتصاد این است، حتماً باید بگویم یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد غربی است. با تجمیع سرمایه به محوریت بخش وقف این اصل به چالش کشیده می‌شود و در عمل اگر بتوانیم این طرح را حول آستان قدس رضوی پیاده کنیم؛ یک مدل تجمیع سرمایه را در ایران پیشنهاد کرده‌ایم که در واقع این الگو متکی بر دادن سود مادی صرف به افراد نیست؛ بلکه متکی بر تحریک آخرت و اعتقاد به زندگی ابدی است. انگیزه اخروی باعث می‌شود تا مردم مال را سرمایه‌گذاری کنند. به نظر ما با این کار یکی از ستون‌های اقتصاد سرمایه‌داری با چالش و تردید عملی و نظری روبرو می‌شود! و نگرش به مفهوم سود، از سود ناچیز دنیوی به سود ابدی گسترش می‌یابد. این مطلب قابل تفاهم با مردم است؛ مثل دستگاه عزاداری امام حسین علیه السلام که هزار سال است مردم خرج می‌کنند ولی احساس می‌کنند آنها سود می‌برند و احساس نمی‌کنند که به دستگاه امام حسین علیه السلام سود می‌رسانند! بنابراین در این بخش ما نگرش به مفهوم سود را تغییر می‌دهیم.

گفت‌وگوی دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با خبرگزاری اهل بیت علیهم السلام (ابنا) ۱۳۹۲/۱۰/۲۳

۵. مکتب کلاسیک (نظریه لیبرالیسم اقتصادی)، بر اساس فلسفه اصالت فرد در امور اقتصادی، در سال ۱۷۷۶ در انگلستان بنیان نهاده شد. آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰) دانشمند اسکاتلندی‌الصل انگلیسی در این سال کتاب معروف خود را تحت عنوان "پژوهشی درباره ماهیت و علل ثروت ملل" انتشار داد. با این کتاب، او به‌عنوان بنیان‌گذار علم اقتصاد و مکتب کلاسیک شناخته شد. کتاب اسمیت جامع‌ترین کتابی بود که تا آن زمان راجع به سازمان‌های اقتصادی نوشته می‌شد و ضمناً اولین کتابی بود که در قرن هیجدهم با روشی نو و بنیانی علمی در علم اقتصاد نگاشته می‌شد.

تفضلی، فریدون؛ ظهور اندیشه‌ها، مکاتب فکری و نظریات اقتصادی جدید در دوران انقلاب صنعتی، پژوهشنامه اقتصادی، تابستان ۱۳۸۳، ش ۱۳، ص ۲۹

۶. مکتب نئوکلاسیک یا ماژینالیسم، یکی از مکاتب اقتصادی است که با پایه‌قرار دادن نظریات کلاسیک‌ها، اقتصاد را از سطح کلان به سطح خرد کشید و رفتار فرد و بنگاه تولیدی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؛ از طرف دیگر هر دو طرف عرضه و تقاضا را در تجزیه و تحلیل اقتصادی داخل کرد.

دادگر، پناالله؛ تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۲۵۶



چالش می‌کشد. از آدام اسمیت به بعد گزاره‌ی معروفی وجود دارد که تا به حال تغییر نکرده است. آنها می‌گویند: فضایل فردی، رذائل اجتماعی هستند. هم کینز و هم آدام اسمیت و هم افراد دیگر به نوعی این حرف را زده‌اند که اگر جامعه‌ای حریص نباشد در آن جامعه تولید ثروت اتفاق نمی‌افتد. آنها تحریک حرص را در بانک تئوریزه کرده‌اند. بانک‌ها چه کاری انجام می‌دهند؟ بانک‌ها به شما وعده‌ی سود می‌دهند و به همین دلیل است که می‌توانند سرمایه‌ی شما را جمع کنند. درست است که بانک‌ها تجمیع سرمایه می‌کنند ولی در حال تحریک حرص جامعه هستند و در روایات اسلامی این نکته به عنوان یک امر متقن ذکر شده است که حرص، پایه دوم کفر است؛ یعنی سه چیز، ریشه کفر است و اگر اجازه بدهیم این سه امر فربه شود، هدایت جامعه به چالش کشیده شده و جامعه کافر می‌گردد و به مشکلاتی که جوامع هدایت‌نا یافته مبتلا هستند مبتلا می‌شود. ریشه اول، کبر ریشه دوم، حرص و ریشه سوم حسد است. وقتی شما دائماً و در مقیاس کلان در ذهن مردم این نکته را وارد می‌کنید که پول خود را به بانک بدهید تا ۲۰ یا ۳۰٪ سود بگیرید، تحریک حرص رخ می‌دهد. می‌فهمم که شما با این کار تجمیع سرمایه می‌کنید ولی این کار به قیمت ضربه‌زدن به اخلاق و تربیت جامعه است.

نظریه بنگاه‌های وقف‌محور علاوه بر تجمیع سرمایه بر مبنای تحریک ایشار فایده تربیتی و هدایتی دیگری نیز دارد. دبیر شورای راهبردی در گفت‌وگو با برنامه پیشرفت رادیو معارف^۷ به تبیین این حیث از نظریه بنگاه‌های وقف‌محور پرداختند:

حیث دوم بنگاه‌های وقف‌محور این است که موضوع این نظریه تأمین سبد کالای نیازهای ضروری خانواده می‌باشد؛ یعنی موضوع تولید این بنگاه‌ها محصولات مبتنی بر رفاه نخواهد بود؛ موضوع تأمین آن رقابت نیز نمی‌باشد. در حال حاضر در کشور ما برای اینکه دو شرکت تلفن همراه، افزایش فروش و به تبع آن ارزش افزوده‌ی بیشتری داشته باشند؛ هر روز مدل‌های متنوع‌تری را به بازار ارائه می‌دهند. فضای رقابتی در اقتصاد جامعه منجر به تخصص‌های کثیری خواهد شد؛ زیرا حجم تولیدات در بستر رفاه و فضای رقابت است. برای به دست آوردن این حجم از تولیدات متنوع، چند برابر بیش از مورد نیاز سبد خانواده به نیروی کار احتیاج پیدا شده است. ولی نیاز به اشتغال در بنگاه‌های وقف‌محور کمتر خواهد بود؛ زیرا تقسیم کار کمتری برای راه‌اندازی بنگاه‌های وقف‌محور وجود دارد. با راه‌انداختن بنگاه‌های وقف‌محور به تدریج سطح اشتغال بانوان در شغل‌های غیرضروری نیز کاهش خواهد یافت و به هر میزانی که اشتغال در شغل‌های غیرضروری برای بانوان کاهش پیدا کند، می‌توان "کار در خانه" را به عنوان شغل حساب کرده و تعریف اشتغال را در جهت احیای نهاد خانواده به کار گرفت.

۷. جلسه سی‌وششم از سلسله جلسات تبیین نقشه راه در رادیو معارف ۱۳۹۳/۰۹/۲۷

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً‌انخبگان، عمدتاً‌افراد مؤثر، عمدتاً‌تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال پانزدهم: نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز چه می‌گوید؟

خلاصه جواب: ضرورت ترجمه‌زدایی از علوم و پانچ‌کوینی نظریات علمی دانشگاه به مسائل کشور ایران



بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث‌های گذشته بیان کردیم که پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم دارای ۴ نظریه بخشی است که عبارتند از: نظریه بنگاه‌های وقف‌محور، نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز، نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت و نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم. اما چون این ۴ نظریه به صورت اجمالی توضیح داده شدند بهتر است به تبیین تفصیلی‌تر آنها بپردازیم. نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز چه می‌گوید؟ دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸ پاسخ این سؤال را ارائه کردند:

در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم عدم توازن‌های مرتبط با موضوع ترجمه‌زدائی از علم به عنوان اولویت سوم عدم توازن‌های فرهنگی معرفی شده‌اند. به دلیل جایگاه رفیع و غیر قابل انکار علم در پیشرفت یک جامعه باید مواظبت کنیم تا علم و توصیف ما از امور به صورت غیر واقعی و ناقص شکل نگیرد. به عبارت دیگر اگر ما از محصولات ترجمه‌ای دیگران در تحلیل‌های خودمان استفاده کنیم؛ این امر باعث می‌شود تا در بهترین وضعیت نتوانیم در محصولات علمی، مسائل بومی خود را تحلیل کنیم. به دلیل تفاوت بوم در ایران با کشورهای دیگر ما با تفاوت مسائل روبرو هستیم و معمولاً این مسائل خاص جامعه ایران، منشأ تحلیل در تحلیل‌های وارداتی نیستند. البته ما در بحث آفت‌های ترجمه‌گرایی به حداقل آسیب‌ها یعنی آسیب عدم توجه به مسائل خاص کشورمان در پایان‌نامه‌ها و مقالات توجه نموده‌ایم و این در حالی است که در این موضوع نظریات حداکثری دیگری نیز موجود است. به هرحال با توجه به این نگاه حداقلی به آفت ترجمه‌گرایی، دستگاه علمی و آموزشی کشور باید به مکانیزمی قابل تفاهم در شناسائی مسائل ملی دست یابد و اگر قرار است ما مسائل کشورمان را به صورت علمی حل کنیم باید راه‌های علمی ناظر به مسائل ما باشند و نه مسائل دیگران. تأکید بر استفاده از روش‌های علمی در کنار موضوع قرار ندادن مسائل کشور در مراکز تحقیقاتی یکی از عدم توازن‌ها در بخش علمی کشور است که در برنامه ششم باید برای آن تدبیری اندیشید.

بر این اساس ما در پیوست الگوی پیشرفت برای برنامه ششم پیشنهاد داده‌ایم تا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سؤالات مرتبط با موضوع دولت‌سازی اسلامی^۱ را از طریق کارگاه‌های آموزشی و دیگر روش‌ها با گروه‌های علمی، دانشجویان و اساتید تفاهم نماید و از محصولات علمی مرتبط با این جهت‌گیری حمایت خاص نماید. نحوه تفاهم و تولید این سؤالات - که در نظام مفاهیم الگوی پیشرفت به سؤالات جهت‌ساز^۳ شهرت یافته‌اند- در نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز تشریح شده است.

حجت‌الاسلام کشوری در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۴ به تبیین تفصیلی‌تر این بحث پرداختند:

نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز به شما توضیح می‌دهد که چگونه عدم توازن‌های فرهنگی در حوزه پایان‌نامه‌ها را مدیریت کنید. من به مناسبت اینکه در خبرگزاری مهر هستیم این مطلب را بیشتر توضیح می‌دهم. ما در

۱. ۱۳۹۴/۰۶/۲۹

۲. سؤالات مرتبط با مرحله دولت اسلامی سؤالاتی هستند که پاسخ به آنها موجب انتقال ما از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی می‌شود.

۳. سؤالات جهت‌ساز سؤالاتی هستند که حول موضوعات جهت‌ساز افراد طرح شده‌اند و قادر به هدایت نظامات ذهنی افراد در راستای جهت حرکت انقلاب اسلامی می‌باشند.

۴. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳



حوزه علمی کشور به یک عدم توازن فرهنگی حاد مبتلا هستیم. این عدم توازن فرهنگی چیست؟ از یک سو می‌دانیم که باید کشور را علمی اداره کنیم - این یک حرف فنی و قابل دفاع است - ولی از طرف دیگر تقریباً اکثر پایان‌نامه‌هایی که نوشته شده‌اند برای رفع عدم توازن‌های اقتصادی راه حل ارائه داده‌اند. با اینکه ما به صورت بنیادین به دنبال کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی هستیم ولی خود این امر که پایان‌نامه‌های ما نمی‌توانند عدم توازن‌های فرهنگی را توضیح داده، رفع کردن آنها را بحث کرده و راه حل ارائه دهند، یک عدم توازن است.

برای رفع این عدم توازن دو راه حل در جامعه‌ی ما مطرح شده است؛ عده‌ای گفته‌اند باید کار را از تغییر معادلات علمی شروع کرد. لذا قائلند که ما به روش تحقیق جدید، فلسفه علم جدید و فلسفه‌های مضاف جدید احتیاج داریم. آنها مسیر طولانی‌ای را تعریف کردند که اگر -بنده روی کلمه "اگر" تأکید می‌کنم؛ زیرا به نظر من این "اگر" محقق نخواهد شد- این مسیر طولانی طی شود، بعداً پایان‌نامه‌های ما نیز ناظر به مسائل فرهنگی و کشف عدم توازن‌های فرهنگی نوشته خواهند شد. این نظریه چندین اشکال دارد. مهم‌ترین این اشکالات آن است که در صورت استفاده از این روش، در کوتاه‌مدت نمی‌توانیم برای رفع عدم توازن‌های فرهنگی راه حل ارائه دهیم و شما می‌دانید که اگر نظریه‌ای نتواند برای خود پشتیبانی علمی تأمین کند، عمر آن نظریه کوتاه می‌شود؛ یعنی اگر راجع به دولت‌سازی اسلامی - که به دنبال رفع عدم توازن‌های فرهنگی است - سالانه ۱۰۰ پایان‌نامه نوشته نشود، دولت‌سازی اسلامی متوقف می‌گردد. ایده، ایده خوبی است ولی در کتابخانه‌ها خواهد ماند. حالا باید چه کار کنیم؟ از طرفی مسیری که دوستان برای ایجاد علم دینی پیشنهاد می‌کنند، مسیر طولانی مدتی است^۵ و از طرف دیگر ما الآن نیازمند این هستیم که برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی حاد کشور راه حل علمی ارائه بدهیم. به عنوان مثال ما نمی‌توانیم صبر کنیم تا آمار ۳۸ درصدی طلاق به ۶۰ درصد تبدیل شود و بعد از آن راه حل ارائه دهیم. این مسأله همین حالا نیز بسیار خطرناک است، بنابراین باید الآن راه حل بدهیم. ما در نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز سعی کردیم این مشکل را حل کنیم. این کار به چه شکل است؟ به این شکل که ۲۴۳ مادر سؤال را تشریح کرده‌ایم^۶ که اگر این ۲۴۳ مادر سؤال در دپارتمان‌های دانشگاه‌های ما و در حضور کسانی که قصد دارند پایان‌نامه بنویسند تشریح و تبیین شود، خود این تبیین سؤال باعث می‌شود که با ظرفیت علمی موجود، دانشجویها و دانشگاه‌های ما برای ارائه راه حل فعال شوند؛^۷ یعنی حتی اتفاقی فراتر از نوشتن پایان‌نامه و کشف راه حل برای سؤالات فعلی به

۵. ایجاد تحول در همه کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی یک برنامه ۳۰ تا ۵۰ ساله است.

۶. دکتر حداد عادل در *اختتامیه اردوی طرح ملی نخبگان گفتمان علوم انسانی کشور در سالن همایش‌های دفتر تبلیغات اسلامی قم - خبرگزاری ایرنا*، کد خبر: ۸۱۷۲۸۲۷۴ در «اولین نقشه‌ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی»، ۸۱ سؤال حول موضوعات جهت‌ساز، استخراج شده است. هر کدام از این سؤالات به سه بخش «نقد»، «نقض» و «طرح» تقسیم‌بندی می‌شوند که در مجموع به ۲۴۳ «مادر سؤال»، تبدیل می‌شوند. کاری که در نقشه‌ی راه انجام شده است، استخراج موضوعات جهت‌ساز است و کاری که باید در ادامه انجام شود، بررسی این مطلب است که آیا معادلات دستگاه سکولار، پاسخی درخور برای تمام «موضوعات جهت‌ساز» دارد یا خیر؟ موفقیت ما در پردازش این سؤالات، نگرش نخبگان را تغییر داده و این مطلب را به آنها القاء می‌کند که استفاده از معادلات غیر دینی، به علت ضرورت و از روی اضطرار است؛ زیرا این معادلات، پاسخ‌گوی تمام موضوعات جهت‌ساز نیستند. تمام حرف ما در «بانک سؤالات الگوی پیشرفت اسلامی» این است که سرعت و قدرت نگرش‌سازی از طریق اثبات و نمایاندن محدودبودن کارآمدی معادلات سکولار، بسیار بیشتر از نگرش‌سازی با راهبرد اثبات ناکارآمدی معادلات موجود از پایگاه مبانی نظری است.

۷. *نخستین تبیین نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز در بنیاد علمی-فرهنگی مبنا - تیر ماه ۱۳۹۳*

۷. شما باید یک سال زمان صرف کنید تا بانک سؤالات را درست بکنیم. سپس خود شما که این سؤالات را تولید می‌کنید، باید کارگاه‌های سه‌روزه تشکیل دهید، باید برای هر رشته سه روز کارگاه تشکیل دهید و به عنوان مثال در روز اول، سؤال اول انقلاب از جامعه‌شناسی، در روز دوم، سؤال دوم انقلاب از جامعه‌شناسی و در روز سوم، سؤال سوم انقلاب از جامعه‌شناسی را مطرح بکنید. پس از این کار افرادی که در کارگاه شرکت کرده‌اند مجهز



دست می‌آید. با توجه به اینکه پس از اجرا کردن این بانک، سؤال مشخص روشن روی زمین وجود دارد -گرچه جواب آن وجود نداشته باشد- می‌توان زمینه‌ی فهم نظریه علوم دینی را برای دوستان دانشگاهی ما فراهم کرد.

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در نشست تبیین نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز در بنیاد علمی-فرهنگی مینا^۸ به تبیین بیشتر کاربرد نظریه بانک سؤالات جهت‌ساز پرداختند:

اگر شما بتوانید نظامی از سؤالات -که بر اساس الگوی استخراج سؤال^۹ تدوین شده‌اند- را برای نهادهای تصمیم‌ساز جامعه مطرح کنید با وجود اینکه هنوز به معادله‌ای بر اساس مبانی اسلامی دست پیدا نکرده‌اید

شده و به کلاس‌های خود می‌روند و با نوشتن نامه یا حضور در سر کلاس یا هر روش دیگری -روش‌ها فراوان است- این سؤالات را از اساتید خود می‌پرسند. در اینصورت اساتید به چالش کشیده می‌شوند و باید جواب سؤال انقلاب را بدهند. حالا درست است که این فرد این سؤال را در دانشگاه خود مطرح کرده است ولی نوار جلسه ضبط می‌شود، متن آن تولید می‌گردد و در رسانه‌ها پخش می‌شود. در نتیجه انتقال به آرامی در عمل واقع می‌شود. انتقال، امری نظری نیست. جناب آقای دکتر فرجی! اگر ما بر تحلیل پایه مسلط شویم، با مفروض گرفتن تحلیل پایه وارد درگیری می‌شویم. با همین سطح درک از تحلیل پایه، سؤال می‌کنیم که چرا این تحلیل پایه محقق نشده است. در نتیجه به مرور درک ما از تحلیل پایه ارتقا و انتقال پیدا می‌کند. این پیشنهاد ما برای ظرفیت‌سازی است. اگر الان ما ۲ میلیارد پول و ۱۰ هزار نیرو داشته باشیم، ۲۷ قرارگاه تشکیل می‌دهیم و در ابتدا بحث خود را تبیین نموده و سپس نیروهای دانشگاه‌ها را دعوت می‌کنیم و کارگاه برگزار کرده و اعلام عملیات می‌کنیم. به عنوان مثال در ماه محرم که همه سینه می‌زنند ما شروع به جنگ می‌کنیم و عملیات محرم را برگزار می‌کنیم، البته عملیات نرم محرم. نیروهای ما در دانشگاه در تمام رشته‌های جامعه‌شناسی سؤال می‌کنند. روزنامه‌ها و سایت‌های خودمان و صدا و سیما را به کار می‌گیریم و به یکباره ظرف ۱۰ روز از تمام اساتید ۳۰ سؤال می‌پرسیم. آنها مجبور می‌شوند به این سؤالات پاسخ دهند و در نتیجه به چالش کشیده می‌شوند. این، جنگ نرم است. منتهی این بار شما در جنگ نرم در یک گوشه ننشسته و نگفته‌اید که انقلاب و ولی فقیه خوب است؛ بلکه به آنها می‌گویید که غرب! تو خوبی و توانمندی خودت را اثبات کن.

^۸ جلسه چهارم از سلسله جلسات تبیین چگونگی ایجاد گفتن عدالت و پیشرفت ۱۳۹۰/۰۸/۲۶

۸. این نشست در تیرماه ۱۳۹۲ در بنیاد علمی-فرهنگی مینا برگزار شده است.

۹. الگوی استخراج سؤال یکی از ریز الگوهای الگوی ساخت نظامات اسلامی می‌باشد. توضیح بیشتر را در ادامه بخوانید:

نقشه راه، یک جدولی تحت عنوان «الگوی ساخت نظامات اسلامی» دارد. این نقشه راه، مبتنی بر این الگو تولید شده است، مبتنی بر «الگوی ساخت نظامات اسلامی». طبیعتاً وقتی می‌خواهیم [نقشه راه را] معرفی کنیم باید محورهای «الگوی ساخت نظامات اسلامی» را بحث نماییم. همانطور که از اسم این جدول بر می‌آید، نام آن، الگوی ساختن نظامات اجتماعی اسلام است، به زبان شما سیستم. شما اصطلاح سیستم را بهتر متوجه می‌شوید. با توجه به اینکه جامعه بدون سیستم اداره نمی‌شود، ما در شورای راهبردی برای ساخت نظامات اجتماعی اسلام، الگو و روشی را تدوین کرده‌ایم موسوم به «الگوی ساخت نظامات اسلامی». اگر ما محورهای «الگوی ساخت نظامات اسلامی» را بحث کنیم، تسلط بر نقشه راه نیز حاصل می‌شود.

«الگوی ساخت نظامات اسلامی» سه محور اصلی دارد. محور اول، «الگوی حفظ جهت» است، محور دوم آن، «الگوی استخراج سؤال» است. عنوانی وجود دارد موسوم به «الگوی استخراج سؤال». محور سوم نیز «الگوی پردازش اجتماعی» می‌باشد. ما در «الگوی ساخت نظامات اسلامی» راجع به این سه مسأله صحبت می‌کنیم. یعنی اگر کسی از ما بپرسد «الگوی ساخت نظامات اسلامی» چیست؟ پاسخ می‌دهیم: «الگوی ساخت نظامات اسلامی» شامل «الگوی حفظ جهت»، «الگوی استخراج سؤال» و «الگوی پردازش اجتماعی» است. وقتی این سه محور را بحث کنیم نقشه راه خودبه‌خود معرفی می‌شود. هر یک از این سه محور نیز خود سه محور درونی دارند. یعنی «الگوی ساخت نظامات اسلامی» در واقع ۹ محور بحثی دارد.

مفهوم بسیار مهمی داریم به نام «الگوی استخراج سؤال» که بعدها ان شاء الله آن را تبیین خواهیم کرد. من فقط به این الگو اشاره‌ای کنم، مسأله خیلی مهمی است. در معارف اهل بیت علیهم‌السلام راجع به مفهوم سؤال، راجع به یک سؤال خوب صحبت‌های فراوانی شده است. اگر یک سؤال خوب در جامعه مطرح شده و راجع آن بحث صورت گیرد، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. ما در محور دوم، به اندازه فهم اندک خودمان از روایات، روشی ارائه داده‌ایم که وقتی شما با تئوری‌های الحادی، التقاطی و غربی برخورد می‌کنید، بتوانید یک سؤال خوب از تئوری‌ای که شما آن را قبول ندارید بپرسید. برای چه [باید سؤال خوب بپرسیم؟] زیرا ما می‌خواهیم ضعف آن تئوری را نشان بدهیم و این، بدون طرح یک سؤال خوب امکان ندارد. من یک مثال روشن برای شما بزنم. مثلاً ما می‌خواهیم بگوییم توسعه غربی خوب نیست و می‌خواهیم این را جا بیندازیم. اگر یک سؤال خوب بپرسید ۵۰٪ قضیه حل می‌شود. ما همیشه در جلسات از کارشناسان و برادران دانشگاهی می‌پرسیم -در جلسات قبل نیز در این کار گروه گفته‌ایم- چرا خانواده در جوامع توسعه‌یافته دچار فروپاشی شده است؟ این، یک سؤال است ولی وقتی آن را شکافته و خوب مطرح کنیم؛ توسعه با همین یک سؤال زیر سؤال می‌رود! وقتی شما می‌گویید "چرا جوامع توسعه‌یافته دچار فروپاشی خانواده است؟" در این سؤال به چیزی که همه در ایران و حتی در غرب قبول دارند اتکا کرده‌اید؛ بالاخره مسأله تشکیل خانواده جزء فطریات است و با فطرت انسان‌ها تناسب دارد. این فطرت در ایران نیز می‌باشد. وقتی می‌گویید "چرا جوامع توسعه‌یافته دچار فروپاشی خانواده هستند؟" اگر این سؤال را خوب پردازش کنید، فطرت مخاطب خود را در مقابل این مفهوم قرار داده‌اید. یا مثلاً سؤال می‌کنید چرا در آمریکا -که توسعه‌یافته‌ترین کشور دنیاست- ۵۰ میلیون نفر با کوپن غذا زندگی می‌کنند؟ چرا فاصله طبقاتی وجود دارد؟ با طرح این سؤال، کسی که از



اما قادر خواهید بود مبانی نظری و کارآمدی معادلات سکولار را به چالش بکشید. به هر میزان که شما بتوانید - به دور از تبیین مباحث نظری - با این روش به نقد معادلات سکولار اقدام کنید به همان میزان زمینه برای گسترش نگرش سازی بر اساس مبانی اسلامی فراهم خواهد شد. مثلاً فرض کنید که ما هنوز در حوزه اقتصاد اسلامی به یک معادله دست پیدا نکرده ایم. نگاه سکولار می گوید: تنها راه حل مسائل اقتصادی توسعه است. کاری که باید انجام شود این است که نظامی از سؤالات - بر اساس یک فرآیند خاص - به منظور نشان دادن ناکارآمدی های توسعه آماده شود. این سؤالات باید ذهن مخاطب را متوجه مشکلاتی کند که در کشورهای توسعه یافته دنیا بر اثر فرآیند توسعه یافتگی به وجود آمده است. نکته بسیار مهم این است که این نوع مقابله با دستگاه سکولار از نوع مقابله با مبانی نیست؛ بلکه ما با نظام سؤالات طراحی شده اقدام به نگرش سازی کرده^{۱۰} و این مطلب را به مخاطب اثبات می کنیم که کارآمدی ادعا شده توسط دستگاه سکولار بسیار محدود و ناظر به برخی از موضوعات جهت ساز و با تحلیل غلط است. اگر در شرایط فعلی به اینصورت عمل نشود دستگاه سکولار کارآمدی های جزئی خود را مستمسک قرار داده و ادعا می کند که این کارآمدی قابل بسط و گسترش به سایر حوزه های اداره ی جامعه است. کاری که ما باید انجام دهیم این است که با نظام سؤالاتمان وارد بحث شده و محدود بودن کارآمدی دستگاه سکولار را نشان دهیم. به این ترتیب یک حوزه در کنار حوزه نقد مبانی نظری به وجود می آید که خلأ تئوریک به وجود آمده را پر کرده و موازنه را به نفع دستگاه ایمان عوض می کند.

توسعه صحبت می کند نمی تواند به راحتی توسعه را مدح نماید. شما با این سؤال، نصف مسأله را حل کرده اید. یعنی اگر کسی می خواهد اثبات کند که توسعه امری مطلوب است، باید پاسخ این سؤال را بدهد. به عبارت بهتر با این سؤال، مسأله را از یک مسأله مفروض و یک مسأله بدیهی به یک مسأله نظری تبدیل می کنید. چون الآن این مسأله را بدیهی می دانند؛ کارشناسان به ما که می رسند می گویند: حاج آقا چرا شما کمک نمی کنید ایران توسعه پیدا کند؟! مفروض می گیرند که ما باید به سمت توسعه حرکت کنیم. می گویند: چرا شما در مقابل لوازم توسعه صف آرای می کنید؟ اگر او از شما سؤال ببرد باید وارد بحث شوید ولی اگر شما سؤال بپرسید موضع او دچار تزلزل می شود و باید موضع خود را راجع به موضوعی که بحث می کند تثبیت نماید.

در مسأله «الگوی ساخت نظامات اسلامی» یک بحثی هم به نام «الگوی پردازش اجتماعی» وجود دارد. «الگوی پردازش اجتماعی» یعنی شما یک حرف خوب دارید ولی چگونه می توان این حرف خوب را در جامعه طرح کرده و به اصطلاح امروزی آن را تبدیل به گفتمان کرد؟ یک مسأله را چگونه می توان به گفتمان ذهن نخبگان تبدیل نمود؟ آیا بردن یک مسأله به ذهنیت جامعه با سخنرانی اتفاق می افتد؟ باید بر روی این بحث کنیم. البته این با «الگوی استخراج سؤال» متفاوت است. یعنی با وجود اینکه شما سؤال خوب دارید، ما می گوئیم سؤال خوب باید چگونه در جامعه مطرح شود؟ این را در «الگوی پردازش اجتماعی» توضیح خواهیم داد.

جلسه اول از سلسله جلسات الگوی حفظ جهت در مدرسه رویش کاشان ۱۳۹۲/۰۱/۲۹

۱۰. این مسأله به نقش بی بدیل سؤال در هدایت نظامات ذهنی افراد و نگرش سازی ارتباط دارد. توضیح بیشتر را در ادامه بخوانید:

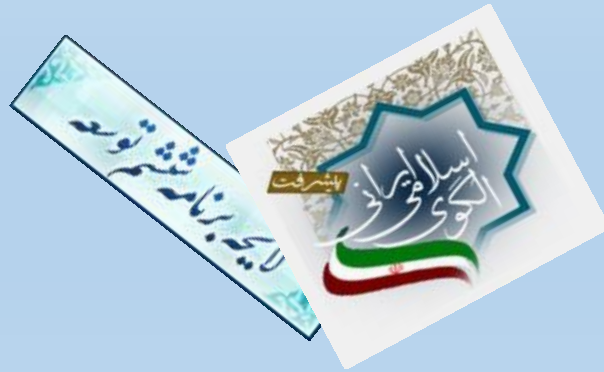
سؤال خوب، مسأله خیلی مهمی است. ما نقش سؤال خوب را در اداره جامعه خیلی مهم می دانیم. چون به نظر ما ضریب چهار اداره ی جامعه - یعنی مهمترین بخش آن - کنترل «نظامات ذهنی» است. خیلی مسأله مهمی است که بتوانید در اداره جامعه با آدم ها - چه کسی که در روستا و چه کسی که در شهر است، چه کسی که مدیر است و چه کسی که نخبه و کارشناس می باشد - حرف بزنید؛ اگر شما می خواهید حکومت خوب و اسلامی داشته باشید باید بتوانید با این افراد ارتباط برقرار کنید. سؤال خوب، ۵۰٪ ارتباط است. سؤال خوب ذهن را درگیر می کند. متأسفانه و متأسفانه از جمله بخش های روایات ما که بر روی آن کار نشده، فرمایشات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام راجع به سؤال است. باید یک باب ایجاد شود به نام باب السؤال، باب السؤال الحسن. از نظر اهل بیت علیهم السلام سؤال خوب یعنی چه؟ اگر بر روی سؤال خوب کار کرده و آن را استخراج کنیم - که ما به اندازه فهم اولیه ی الگو آن را بیرون آورده ایم - می توانیم با انسان ها و «نظامات ذهنی» آنها ارتباط برقرار کنیم. هر کسی که بتواند با انسان ها ارتباط برقرار کند می تواند بر روی آنها تأثیر گذاشته و در ذهن شان تصرف نماید.

جلسه اول از سلسله جلسات الگوی حفظ جهت در مدرسه رویش کاشان ۱۳۹۲/۰۱/۲۹

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً‌انخبگان، عمدتاً‌افراد مؤثر، عمدتاً‌تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال شانزدهم: نظریه الگوی بهبود مستمر فضایی حاکم بر نهادهای مستکفل تربیت چه می‌گوید؟

خلاصه جواب: ضرورت شناسایی عوامل بیرونی مؤثر بر نهادهای مستکفل تربیت و بازتعریف آنها در خدمت نهادهای مستکفل تربیت



بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث‌های گذشته بیان کردیم که پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم دارای ۴ نظریه بخشی است که عبارتند از: نظریه بنگاه‌های وقف‌محور، نظریه بانک سوالات جهت‌ساز، نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت و نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم. اما چون این ۴ نظریه به صورت اجمالی توضیح داده شدند بهتر است به تبیین تفصیلی‌تر آنها بپردازیم. نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت چه می‌گوید؟ دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۱ به پاسخ این سؤال پرداختند:

نظریه سومی که در این پیوست استفاده کرده‌ایم این است که عدم توازن‌های مرتبط با بحث تربیت را در نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت شناسایی کرده‌ایم. ما در نام‌گذاری نظریه‌ی تربیتی نقشه راه عمداً نام این نظریه را شبیه به نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر کسب و کار^۲ انتخاب کرده‌ایم و خواسته‌ایم در نامگذاری، این مسأله را القا کنیم که از نظر الگوی پیشرفت اسلامی نهادهای متکفل تربیت، سلول‌های اولیه‌ی جامعه محسوب می‌شوند، برخلاف جریان توسعه غربی که فضای کسب و کار را به عنوان سلول اولیه جامعه تعریف می‌کند. ما در این نظریه شرح داده‌ایم که اگر بخواهیم نهادهای متکفل تربیت را - که عمده‌ترین این نهادها، نهاد خانواده است - فریه کنیم باید چه کاری انجام دهیم.

حجت‌الاسلام کشوری در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸^۳ در ادامه‌ی این بحث به تبیین تفصیلی‌تر نظریه الگوی بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت پرداختند:

قسمت اول عدم توازن‌های فرهنگی کشور، شامل عدم توازن‌های مرتبط با تربیت است. همانطور که در ساختار سوم [پیوست الگوی پیشرفت] گفته شد عدم توازن‌های مرتبط با موضوع تربیت بر اساس نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت شناسایی و رفع می‌شوند. بر اساس این نظریه برای تحقق تربیت باید عوامل بیرونی مؤثر بر نهادهای متکفل تربیت شناسایی و در خدمت نهادهای متکفل تربیت بازطراحی شوند. عوامل بیرونی مؤثر بر نهادهای متکفل تربیت در نقشه راه الگوی پیشرفت شامل ۸۱ بخش است که پیشنهاد می‌شود با توجه به امکانات و شرایط کشور مدیریت ۴ بخش از آنها در دستور کار برنامه‌ی ششم قرار گیرد.

وضعیت فعلی اشتغال بانوان، وضعیت فعلی متون آموزشی، تعریف اقتصادی و ناقص از سبب حمایت از خانوار و تخریب محیط خانواده توسط رسانه‌ها و فضای مجازی، چهار دسته از مهمترین عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده - به عنوان مهمترین نهاد متکفل تربیت - هستند که به سرعت باید برای ترمیم و بازطراحی آنها در برنامه ششم اقدام کنیم.

یکی از این عوامل بیرونی که ضرر فراوانی به نهاد خانواده زده است، یکسان‌بودن قوانین اشتغال بانوان و قوانین اشتغال آقایان است. اگر به گسترش نسبی گرایش به اشتغال در بانوان توجه کنیم و نخواهیم با این

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

۲. قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۳ از طرف مجلس به رئیس جمهور وقت، دکتر محمود احمدی‌نژاد ابلاغ گردید. این قانون بیان می‌دارد که باید فضای حاکم بر کسب و کار و بنگاه‌های تولید را اصلاح کنیم تا کسب و کار رونق یافته و رشد اقتصادی حاصل شود.

برای مطالعه این قانون و مفاد آن مراجع شود به: وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/810363>

۳. ۱۳۹۴/۰۶/۲۹



پدیده برخورد دفعی و ناکارآمد داشته باشیم و اگر از سوی دیگر به تأثیر منفی اشتغال بانوان بر سلامت روحی و جسمی بانوان و همچنین تأثیر منفی این عامل بر نهاد خانواده توجه کنیم؛ باید برنامه‌ای برای تغییر تدریجی قوانین مربوط به اشتغال بانوان داشته باشیم. تغییر قوانین اشتغال بانوان به تدریج هم پسند اجتماعی بانوان در موضوع اشتغال را تغییر می‌دهد و هم در کوتاه‌مدت زمینه‌ی حضور گسترده‌تر بانوان در خانواده را فراهم می‌آورد. به نظر ما اگر کیفیت و کمیت حضور بانوان را در خانواده افزایش دهیم؛ این امر باعث می‌شود تا حتی هزینه‌های مادی جامعه هم کاهش یابد. بر خلاف القائاتی که بعضی در مورد هزینه‌سازبودن تغییر قوانین اشتغال انجام می‌دهند این امر در میان‌مدت به کاهش هزینه‌های مادی هم می‌انجامد. همین الآن به دلیل کاهش کیفیت در موضوع تربیت اسلامی حتی هزینه‌های ما در بخش تولید هم افزایش می‌یابد. ما در این بخش با معضل وجدان کاری و اثرات آن بر بنگاه‌های تولیدی روبرو هستیم.^۴ در بخش‌های اجتماعی به صورت روزافزونی هزینه‌های میلیاردی انجام می‌دهیم.^۵ این در حالی است که اگر فقط هزینه‌های مربوط به تقویت نهاد خانواده را تقبل کنیم؛ در همه‌ی بخش‌ها با کاهش هزینه روبرو خواهیم

۴. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی کار مفید کارمندان ایرانی (به خصوص در بخش دولتی) ۲۲ دقیقه در روز است.

خبرگزاری تابناک، کد خبر: ۳۰۶۹۹

۵. آمار نگهداری زندانی‌ها

هفته گذشته، حبیب کاشانی خزانه دار شورای شهر تهران در جلسه شورا هزینه زندگی در شهرهای بزرگ را با زندان مقایسه کرد. او گفت که قوه قضایی در زندان رجایی شهر ماهی یک میلیون و ۹۵۰ هزار تومان خرج هر زندانی می‌کند در حالی که الآن کارگران ۷۱۲ هزار تومان حقوق می‌گیرند. این عضو شورای شهر در راستای همین بحث مطرح شده، به خبرنگار خبرآنلاین گفت: در بازدیدی که از زندان رجایی شهر کرج داشتم، مسئولان این زندان اعلام کردند هر زندانی روزی ۶۷ هزار تومان خرج روی دست سازمان زندان‌ها می‌گذارد. یعنی مخارج هر زندانی ماهانه یک میلیون و ۹۵۰ هزار تومان می‌شود که به مراتب از میزان دریافتی حداقل کارگران و کارمندان بالاتر است. در همین رابطه دو سال پیش علی ولی‌نیا مدیر کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان کرمان به مهر گفته بود که هزینه نگهداری روزانه هر زندانی قریب به پنجاه هزار تومان است. صدای اقتصاد هم چندی پیش در گزارشی متوسط هزینه نگهداری هر فرد زندانی در طول یک سال را ۱۸ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان برآورد کرده بود و گفته بود که این عدد در مورد یک فرد در خانواده عادی به طور متوسط سالی ۸ میلیون تومان است.

خبرگزاری تابناک، کد خبر: ۵۰۴۳۹۵

به گزارش خبرنگار قضایی خبرگزاری تسنیم، براساس آخرین آمار جمع‌آوری شده در تاریخ ۵ فروردین امسال، تعداد کل زندانیان کشور، ۲۱۰ هزار و ۶۷۲ نفر است.

خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۳۳۷۸۸۱

با توجه به اخبار بالا به طور تقریبی می‌توان گفت که هزینه نگهداری یک زندانی در هر روز ۵۰ هزار تومان است. از طرف دیگر تعداد زندانیان نیز ۲۱۰ هزار و ۶۷۲ نفر است. به این ترتیب می‌توان گفت: هزینه نگهداری زندانیان کشور در هر روز رقمی بالغ بر ۱۰ میلیارد تومان است؛ یعنی ماهانه ۳۰۰ میلیارد تومان بابت زندانیان کشور هزینه می‌شود که این رقم در طول یک سال به ۳۸۰۰ میلیارد تومان است.

آمار مبارزه با مواد مخدر:

وی با اشاره به اینکه مواد مخدر یکی از عوامل مرگ و میر در ایران می‌باشد، ابراز کرد: ایران سالانه ۱۰ هزار میلیارد تومان در بحث مبارزه با مواد مخدر هزینه می‌کند و متأسفانه قاچاقچیان مواد مخدر از شهروندان ۱۰ ساله تا ۹۰ ساله، همچنین افراد بی‌سواد تا تحصیل کرده، می‌باشند.

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان کرمان در نشست خبری به نقل از خبرگزاری ایسنا، کد خبر: ۹۵۰۳۱۷۱۴۳۳۵

هزینه‌های طلاق برای خانواده و جامعه:

مدیرکل امور جوانان استان تهران با بیان اینکه طلاق، عامل اصلی بروز آسیب‌های جدی در جامعه است، گفت: هر طلاق حدود ۷۰ میلیون تومان هزینه برای جامعه و خانواده به همراه دارد.

خبرگزاری تابناک، کد خبر: ۱۴۶۳۷۴

طبق آمار ثبات احوال در سال ۱۳۹۴، ۱۶۳ هزار و ۷۶۵ مورد طلاق اتفاق افتاده است.

وبسایت ثبت احوال کشور - آمار طلاق سال ۱۳۹۴

طبق دو آمار فوق هزینه طلاق در سال ۱۳۹۴ برای خانواده‌ها و جامعه چیزی حدود ۱۱۴۶۳ میلیارد تومان است. هزینه تقویت‌نکردن نهاد خانواده فقط در این سه حوزه در سال مبلغی بالغ بر ۲۵۲۵۵ میلیارد تومان می‌باشد و این آمار تنها بخشی از هزینه‌های تقویت‌نکردن نهاد خانواده است. از آمار راه‌اندازی مهدکودک‌ها، گسترش رشته‌های روان‌شناسی، اختلالات روحی افراد جامعه، افزایش اصطکاک میان افراد جامعه و ... بگذریم.



بود. البته بنده الآن فقط آثار اقتصادی تربیت اسلامی را بررسی می‌کنم ولی کاملاً واضح است که ارزش الهی و اجتماعی برنامه‌ریزی برای تربیت با معیار ارزش افزوده قابل محاسبه نیست.

دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی در دانشگاه امام صادق علیه السلام به تبیین بیشتر آثار اقتصادی تربیت اسلامی پرداختند:

بعضی‌ها می‌گویند این امر ممکن است برای دولت بار مالی داشته باشد ولی محاسبات ما نشان می‌دهد که این کار، بار مالی نداشته و بلکه سود هم دارد؛ زیرا در حال حاضر که خانواده‌ها دچار فروپاشی شده‌اند دولت چهار نوع خرج می‌کند: ۱. برای کنترل ناامنی‌های ناشی از فروپاشی خانواده. ۲. خرج دیگر برای کنترل آثار سوء اجتماعی فروپاشی نهاد خانواده است ۳. هزینه دیگر ما مربوط به آن است که انسان‌های طلاق‌گرفته حال و حوصله‌ی کارکردن ندارند و بهره‌وری آنها پایین است. ۴. هزینه‌ای نیز باید صرف این شود تا افراد طلاق‌گرفته سر حال بیایند و خانواده‌ی مجدد تشکیل دهند.

ایشان در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸ به تبیین یکی دیگر از عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده پرداختند:

یکی دیگر از عوامل بیرونی که امروزه باعث تضعیف نهاد خانواده -به عنوان اصلی‌ترین نهاد متکفل تربیت- می‌شود؛ سیستم فعلی نظام آموزشی است. نظام آموزشی فعلی قدرت ایجاد درک درست از سبک زندگی اسلامی و زندگی خانوادگی را در پسران و دختران ما ندارد و این باعث می‌شود تا افراد جامعه وقتی با مسائل زندگی مشترک روبرو می‌شوند؛ نتوانند این مسائل را به درستی درک و تحلیل کنند. کم‌عمقی درک افراد جامعه از خانواده به صورت پیش‌فرض نهاد خانواده را با اصطکاک روبرو می‌کند و این امر به معنای کاهش رفاه در جامعه است. برای مقابله با این آفت بزرگ پیشنهاد کرده‌ایم تا وزارت آموزش و پرورش با همکاری حوزه‌های علمیه مطالعات مربوط به راه‌اندازی واحدهای درسی مربوط به نهاد خانواده و سبک زندگی را در همه پایه‌های درسی و به محوریت مسائل گوناگون سبک زندگی و نهاد خانواده تا پایان سال دوم برنامه به اتمام رسانده و لایحه قانون آموزش‌های حیاتی را -به عنوان جزئی از قانون مادر تربیت اسلامی- تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر نهاد خانواده که ضروری است در برنامه ششم برای تحول در آن برنامه‌ریزی شود؛ مفهوم سبب حمایت از خانوار است. این مفهوم در واقع در بردارنده‌ی حمایت‌های کوتاه‌مدت دولت‌ها از نهاد حیاتی خانواده است؛ که متأسفانه در وضعیت فعلی مفهومش به سبب کالا تنزل یافته! از آنجا که نیازهای فعلی نهاد خانواده برای بقاء بسیار بیشتر و متنوع‌تر از تعاریف فعلی است لذا ما پیشنهاد داده‌ایم دولت محترم تا پایان سال اول برنامه‌ی ششم مطالعات مربوط به تحول در سبب حمایت از خانواده را به اتمام رسانده و لایحه مربوط به حمایت‌های حیاتی از نهاد خانواده را -به عنوان جزئی از قانون مادر تربیت اسلامی- تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.



دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در نشست تبیین نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادی متکفل تربیت در حوزه علمیه مروی^۷ به تبیین بیشتر این نظریه پرداختند. ایشان در این نشست به مقدمات چهارگانه نظریه بهبود مستمر اشاره‌ای داشتند:

در مقدمه اول باید جایگاه مسأله تربیت به عنوان یک مسأله‌ی جهت‌ساز و غیر قابل انکار مورد بازخوانی قرار گیرد. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مسأله تربیت در حکم زیرساخت و ریشه همه مسائل جهت‌ساز موضوعیت دارد و بدون توجه و برنامه‌ریزی برای این موضوع، همه‌ی موضوعات جهت‌ساز دچار آسیب و نقصان خواهند شد.

در مقدمه دوم باید جایگاه نهادهای متکفل برنامه‌ریزی برای تربیت از منظر اسلام و جایگاه بی‌بدیل خانواده در فرآیند تربیت را مورد بازخوانی قرار دهیم. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی نباید تحت عنوان برنامه‌ریزی برای تربیت جایگاه خانواده در فرآیند تربیت تضعیف و نهادهای موازی با خانواده برای تربیت تعریف شود. مجموعه برنامه‌ریزی‌های تربیتی و آموزشی در جامعه باید به تقویت و احیای نقش خانواده در فرآیند تربیت منتهی گردند ولی در وضعیت فعلی تضعیف جایگاه نهاد خانواده در فرآیند تربیت به جایی رسیده است که بسیاری از خانواده‌ها تربیت را به نهادهایی مانند آموزش و پرورش تفویض نموده‌اند. استدلال اصلی برای اعلام ناکارآمدی نهادهای جایگزین خانواده در فرآیند تربیت، به جایگاه رفق و محبت در فرآیند تربیت بازگشت دارد. فقدان یا کمبود رفق در نهادهای جایگزین خانواده برای تربیت، تحقق تربیت را با چالش روبرو می‌کند.^۸

در مقدمه سوم، عوامل مؤثر بر تقویت و احیای نهاد خانواده در فرآیند تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی عوامل مؤثر بر نهاد خانواده را می‌توان در دو دسته کلی "عوامل درونی مؤثر بر نهاد خانواده" و "عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده" (فضای حاکم بر نهاد خانواده) دسته‌بندی کرد. مراد از عوامل درونی مؤثر بر خانواده عواملی هستند که مدیریت آنها در اختیار اعضای خانواده می‌باشد. پرهیز از نزاع در میان زن و شوهر، نامگذاری صحیح و متعالی برای فرزند و ... از جمله این عوامل محسوب می‌شوند. همچنین از منظر این نقشه راه مراد از "عوامل بیرونی مؤثر بر خانواده و تربیت"

۷. این نشست در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۹۳ در حوزه علمیه مروی برگزار گردید.

متن حاضر به نقل پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه می‌باشد: <http://nro-di.blog.ir/1393/06/31>

۸. از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی بستر اصلی رشد افراد یک جامعه و تربیت آنها رفق می‌باشد. توضیح بیشتر را در ادامه بخوانید: آنچه باعث آمادگی جامعه‌ی اسلامی برای رشد می‌شود موضوعی به نام رفق و محبت است که جایگاه آن برای انسان مانند جایگاه آب و غذا و حتی مهم‌تر از این دو می‌باشد؛ زیرا انسان بدون آب و غذا حیاتش سلب و در صورت سلب رفق و محبت از یک انسان شاهد اتفاقی بدتر از سلب حیات خواهیم بود؛ نتیجه‌ی کاهش رفق و محبت نسبت به یک انسان، عدم تعادل روحی و شکل‌گیری عقده‌های روانی است. در صورت عدم تعادل روحی در شخص، نه تنها شخص نمی‌تواند از نعمت‌های موجود در حیات دنیوی استفاده‌ی مطلوب کند، بلکه موجب به خطراتدان حیات خود و دیگران نیز می‌شود. لذا تأثیر جایگاه رفق و محبت در رساندن زندگی به سعادت از همه چیز مهم‌تر است؛ پس در گام اول نیازمند یک بستر محبت و پر عمق هستیم. مسأله رفق و محبت یک مسأله فطری است؛ حتی جوامع توسعه‌یافته - که در آن جوامع به آیات و روایات کفر ورزیده و به سمت انکار حقایق عالم رفته‌اند - قادر به انکار این مسأله فطری نیستند. مسأله رفق و محبت مدخل ورودی قرآن در بحث با تمام مردم جهان است؛ در صورت کفر اشخاص به آیات و روایات نیز می‌توان بر سر مسأله رفق با آنان تفاهم کرد. این مسأله، غیر قابل انکار و غیر قابل حذف از شخصیت می‌باشد؛ یعنی یک شخصیت سالم را نمی‌توان بریده از محبت موجود در محیط دریافت رفق فرض کرد.

بنابراین برنامه‌هایی که برای بخش‌های مختلف جامعه - در مسیر پیشرفت اسلامی - ارائه می‌گردد مثل برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی و یا تغییر متون آموزشی - برای آموزش در سن شکل‌گیری شخصیت - نباید موجب کاهش عمق محیط دریافت رفق افراد شود. جامعه‌ای که مکانیزم‌های اداره‌ی آن عمق محیط دریافت رفق را کاهش و دچار اختلال کند، نه تنها به سمت پیشرفت حرکت نمی‌کند بلکه دچار پسرفت نیز خواهد شد. شاخصه‌ی رفق یک شاخص محوری برای محاسبه‌ی پیشرفت است.

جلسه پنجم از سلسه جلسات تبیین نقشه راه در رادیو معارف ۱۳۹۳/۰۵/۱۴



مجموعه عواملی هستند که ضمن تاثیرگذاری بر فرآیند تربیت، مدیریت آنها از حوزه تصرف و اختیار اعضای خانواده خارج است. آثار سوء نظام آموزش فعلی کشور بر نهاد خانواده و آثار سوء اتکاء به اصل آهنگین منافع شخصی (حرص)^۹ در فرآیند تجمیع و تشکیل سرمایه در نظام اقتصادی فعلی کشور (عملکرد ضد تربیتی بانکها) نمونه‌ای از عوامل بیرونی مؤثر بر تربیت و نهاد خانواده تلقی می‌شود.

از منظر اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده (فضای حاکم بر نهاد خانواده) از ساختار اداره جامعه تبعیت می‌کند و برای احیای جایگاه نهاد خانواده در فرآیند حیاتی تربیت -در گام اول- نیازمند مدیریت و بهبود مستمر این عوامل هستیم. بدون توجه به جایگاه عوامل بیرونی مؤثر بر نهاد خانواده برنامه‌ریزی‌های مرتبط با عوامل درونی تربیت با تضعیف و چالش جدی روبرو خواهند شد.

در مقدمه چهارم الگوی پیشنهادی اولین نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی برای مدیریت و بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده تبیین می‌گردد. از منظر نقشه راه برای مدیریت و بهبود مستمر فضای حاکم بر نهاد خانواده نیازمند تحقق سه گام ۱. شناسائی مستمر ابعاد و اجزای فضای حاکم بر نهاد خانواده ۲. پیشنهاد راه حل برای بخش‌های مختلف جامعه با ملاحظات تربیتی و ۳. نسبت‌سنجی میان اجزای فضای حاکم و ایجاد هماهنگی بخشی و کلان در میان آنها در راستای پشتیبانی از نهاد خانواده می‌باشیم.

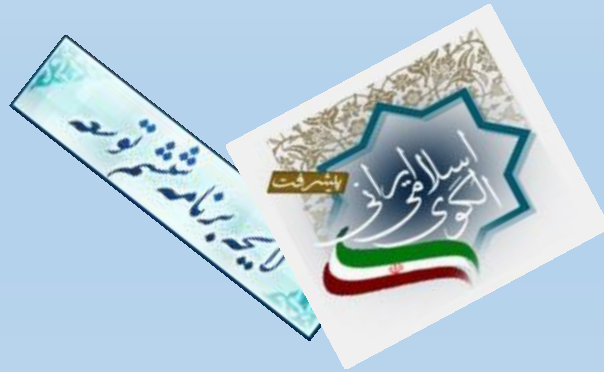
۹. آدام اسمیت (Adam Smith: 1723-1790)، بنیان‌گذار مکتب کلاسیک، در زمینه جریان طبیعی فعالیت‌های اقتصادی از فلسفه فیزیوکرات‌ها و به‌ویژه اصالت فرد دکتر کنه (۱۷۷۴-۱۶۹۴) الهام می‌گیرد و پس از اعتقاد به اقتصاد آزاد، محرک اصلی فعالیت اقتصادی هر فرد را فقط نفع شخصی می‌داند و جستجوی افراد برای منافع شخصی را مطابق با افزایش ثروت ملی به‌طور خودکار می‌داند که نیاز به مداخله دولت هم نیست.

تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نی، ۱۳۷۵، چاپ دوم، ص ۸۶-۸۸

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال هفتم: نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم چه می‌گوید؟

خلاصه جواب: تغییر نگرش افراد نسبت به ارزش‌های و بنیان‌ها با استفاده از تقویت نهاد خانواده از طریق از بین بردن عوامل تضعیف‌کننده‌ی این نهاد

سؤال ۱۷



بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث‌های گذشته بیان کردیم که پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم دارای ۴ نظریه بخشی است که عبارتند از: نظریه بنگاه‌های وقف‌محور، نظریه بانک سوالات جهت‌ساز، نظریه بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت و نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم. اما چون این ۴ نظریه به صورت اجمالی توضیح داده شدند بهتر است به تبیین تفصیلی‌تر آنها بپردازیم. نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم چه می‌گوید؟ دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۱ به پاسخ این سؤال پرداختند:

از نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم، برای کشف و رفع عدم توازن‌های فرهنگی حوزه‌ی قضایی استفاده کرده‌ایم. باز در اینجا یک توضیح مختصر عرض می‌کنم. شما می‌دانید که ما سالانه ۱۵ میلیون خدمت قضایی انجام می‌دهیم. معنای این سخن آن است که در جامعه‌ی ما آمار جرم بالاست. بنابراین مسأله پیشگیری از جرم برای جامعه ما یک مسأله حیاتی است که به آن احتیاج داریم و باید رفع شود.^۲

برای رفع مسأله پیشگیری از جرم و رفع امور نامتوازن با این مسأله حیاتی، الان در کشور ما سه نظریه به عنوان آبرنظریه مطرح است؛ دوستان نیروی انتظامی از نظریه پیشگیری محیطی^۳ استفاده می‌کنند. بنده در همینجا به این دوستان عرض می‌کنم که نظریه پیشگیری محیطی، منجر به پیشگیری از جرم نخواهد شد، بلکه منجر به تغییر بافت جرم می‌شود. نظریه پیشگیری ساختاری^۴ نیز در کشور ما طرفدارانی دارد که نتیجه

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

۲. در حال حاضر اگر به فعالیت‌های قوه قضائیه کشور دقت کنید، متوجه معضلی به نام افزایش پرونده‌های ورودی قوه قضائیه خواهید شد یعنی ارتکاب جرم توسط افراد جامعه در حال افزایش است. قوه قضائیه بین یک دو راهی قرار گرفته است که هر دو راه هم دارای تالی فاسد است. راه اول مسامحه و چشم‌پوشی از برخی از جرائم است که معنای انتخاب این راه تضعیف نظام ارزشی کشور خواهد بود، زیرا حکم باید و نباید درباره افعال دارای یک پشتوانه ارزش‌گذاری است و آلا چرا باید به یک فعل نهی یا امر تعلق بگیرد، در این صورت اگر درباره مرزهای جامعه دچار تسامح شوید، نتیجه آن تضعیف نظام ارزشی کشور است. بنابراین اگر قوه قضائیه راه مسامحه را در برخورد با جرم این است که بالآخره در هر پرونده حداقل یک شاکی و یک متشاکلی وجود دارد و اگر بخواهیم منطقی محاسبه کنیم خانواده‌ی آنها نیز درگیر پرونده هستند و معنای این حرف این است که اگر پنج میلیون پرونده در سال ثبت شود حداقل ده میلیون نفر و در شرایط منطقی سی میلیون نفر درگیر با قوه قضائیه هستند. با توجه به این مطلب اگر قوه قضائیه بخواهد راه دوم یعنی برخورد با جرائم را در دستور کار خویش قرار دهد، معنایش این است که چالش نظام جمهوری اسلامی با مردمش ارتقاء یافته است و در نتیجه عدم اعتماد به نظام خصوصاً در برخورد با جرائم سنگین‌تر در جامعه رشد خواهد یافت.

۳. [جلسه دوم از سلسله جلسات تبیین چرایی، چیستی و چگونگی هدایت نظامات ذهنی ۱۳۹۲/۱۱/۱۲](#)

۳. نظریه پیشگیری محیطی: نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی بر پایه یک تفکر ساده استوار است. وقوع جرائم گوناگون در جوامع مختلف تا حد زیادی از فرصت‌های موجود در محیط اطراف ناشی می‌شود. بنابراین می‌توان با ایجاد تغییراتی در آن، ترتیبی اتخاذ نمود تا از میزان وقوع جرائم کاسته شود.

۴. [مقاله نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی نوشته رونالد کلارک](#)

۴. برخی از جریان‌ها زمانی که نحوه‌ی ایجاد جرم در جامعه را بازخوانی می‌کنند، از روابط ساختاری و حقوقی و قانونی آن جامعه بحث می‌کنند. این جریان با معرفی خلأ قانونی در جامعه برای مبارزه با رانت اقتصادی به عنوان عامل اصلی ایجاد جرم، راه‌حل پیشگیری را وضع قانون مناسب معرفی می‌کند. جریان مذکور معتقد است برای وضع قوانین مبارزه با رانت اقتصادی باید پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های حسابداری حول موضوع شفاف‌سازی حسابداری سیستم مالی کشور هدایت شود، تا متغیرهای شفاف‌سازی سیستم مالی کشور بررسی و شناسایی شود. ارائه یک مدل شفاف‌سازی روابط مالی به معنای شفاف‌سازی و بهینه‌سازی کمیّت مالیات‌ها و درآمدها، چگونگی محل هزینه‌کردها و در نتیجه کاهش امکان سوء استفاده و وقوع جرم در جامعه است. کسانی که روابط ساختاری غلط را به عنوان ریشه‌ی جرم تعریف می‌کنند، معتقد به ضرورت بهینه‌سازی قوانین و ترمیم روزه‌های وقوع



آن تشکیل شورای عالی پیشگیری از جرم می‌باشد. بعد از سال‌ها معطلی در مجمع تشخیص^۵ این طرح تبدیل به قانون شد^۶ و آخرین خبرها حکایت از آن دارد که جناب آقای رئیس جمهور نامه‌ای به مقام معظم رهبری نوشته و گفته‌اند این قانون اجرایی نمی‌شود. این مضمون مطلب ایشان است؛ یعنی این طرح همین الآن نیز متوقف است ولی به هر حال نظریه پیشگیری ساختاری در کشور ما طرفدارانی دارد.^۷ تئوری دیگری

جرم و شکاف‌های موجود در ساختارها و در نتیجه پیشگیری از جرم در جامعه هستند. این دیدگاه ریشه‌ی جرم را به روابط ساختاری و حقوقی برمی‌گرداند.

سخنرانی حجت‌الاسلام کشوری در نشست تبیین نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم در جامعه المصطفی العالمیه ۱۳۹۳/۰۸/۲۵

۵. در سال ۸۸ لایحه ۱۰ ماده‌ای پیشگیری از وقوع جرم با ۱۰ ایراد شورای نگهبان دوباره به مجلس بازگشت و در اواخر همان سال این لایحه بار دیگر با رفع ایراد به شورای نگهبان رفت اما شورای نگهبان ایرادات را حل نشده دانست و مجلس هم پافشاری کرد تا اینکه لایحه سر از مجمع تشخیص مصلحت نظام در آورد. لایحه پیشگیری از وقوع جرم چند سال در نوبت صحن مجمع قرار گرفت تا اینکه بالاخره بعد از ۶ سال این لایحه به دلیل ضرورت و نزدیک بودن به انتخابات اسفندماه به تصویب رسید.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۲۹۱۳۹۱۲

۶. دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه در جلسه امروز مجمع، قانون پیشگیری از وقوع جرم در کشور مورد بررسی قرار گرفت، گفت: تشکیل شورای عالی ۲۲ نفره پیشگیری از وقوع جرم به تصویب مجمع رسید.

خبرگزاری مهر، کد خبر: ۲۹۰۴۰۳۰

۷. این دیدگاه برای حل مسأله پیشگیری از جرم، پیشنهاد تشکیل ستادی برای حرکت به سمت بهینه‌سازی روابط ساختاری و حقوقی را ارائه می‌دهد. اشکال اصلی این ایده، تحلیل روبنایی از چگونگی ایجاد جرم در جامعه و سپس ارائه راه حل است. پیداست زمانی که منشأ وقوع جرم را به روابط ساختاری برگشت داده شود و وارد تحلیل جرم در وجود انسان نشویم، در واقع به دنبال چگونگی مقابله با یک جرم خاص انجام شده هستیم، نه به دنبال پیشگیری از جرم هستیم. این ایده برخلاف آنچه که توسط انبیاء علیهم‌السلام ترویج شده است، با بنیادهای ایجاد جرم در وجود انسان مقابله نمی‌کند. انبیاء علیهم‌السلام زمانی که وارد بحث می‌شدند، اول تعالیم ایشان تزکیه بوده است. آنها انسان را وارد فضای تزکیه می‌کردند. فقط انسان تزکیه یافته در مقابل روابط ساختاری غلط مقاومت کرده و تن به انجام جرم و [شکستن] مرزهای اجتماعی [نخواهد داد].

ایده پیشگیری ساختاری، توانایی حل روبنایی مسأله را دارد. البته استفاده از این شیوه در کوتاه‌مدت بلااشکال می‌باشد، زیرا در هر جامعه‌ای، انسان‌های تزکیه نیافته وجود دارند، که باید جلوی آنها گرفته شود. اما قرار گرفتن این دیدگاه به عنوان تئوری بنیادین پیشگیری از جرم، محل اشکال و بحث است. زیرا روابط ساختاری و قانونی در جامعه، محدود به دو یا سه قانون نبوده و شامل بخش‌های مختلفی می‌باشد. لذا پوشش این دیدگاه محدود به حوزه‌ای است که شکاف ساختاری آن شناسایی شده است.

اشکال دیگر قرار گرفتن این دیدگاه به عنوان تئوری پیشگیری بنیادین از جرم قوه‌ی قضائیه، تعارض حقوقی این قوه با برخی اصول قانون اساسی است. طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه موظف است که پیشگیری از جرم را در دستور کار قرار دهد. اگر قوه‌ی قضائیه بخواهد براساس این ایده مسأله‌ی پیشگیری از جرم را حل نماید، ملزم به رعایت اصل تفکیک قوا و عدم دخالت در اختیارات سایر قوا است. این در حالی‌ست که بخشی از روابط ساختاری در اختیار دولت و بخشی در اختیار قوه‌ی مقننه است و طبق قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه نمی‌تواند تفکیک قوا را بر هم بزند. اگر لایحه‌ی پیشگیری از جرم را که هم اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد و براساس پیشگیری ساختاری، تنظیم شده، مطالعه کنید، به این تعارض حقوقی اشاره شده است و شورای نگهبان به همین دلیل این لایحه را رد کرده است. اکنون چندین سال است که این لایحه در مجمع تشخیص مصلحت نظام معطل است. بنابراین دو اشکال عمده به ایده پیشگیری ساختاری وارد است؛ از یک سو قوه‌ی قضائیه را به جای مباشر در مسأله‌ی پیشگیری از جرم، به یک مشاور که فقط می‌تواند به دولت محترم توصیه کند که برخی قوانین را اصلاح کند تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، بر فرض عدم اشکال حقوقی و قانونی، پیشگیری ساختاری عملاً فارغ از پیشگیری بنیادین از جرم بوده و تنها در رونا مانع تشدید جرم در جامعه می‌شود.

با توجه به کارکرد حداقلی این ایده و تجمیع دائمی اراده‌های منفی و سوء برای انجام جرم در جامعه و همچنین با توجه به عدم پیشگیری بنیادین از جرم در این ایده، شاهد افزایش تصاعدی اراده‌های منفی برای انجام جرم بوده و در مقام توازن این اراده‌ها بر پیشگیری ساختاری غلبه پیدا می‌کنند. زیرا از آنجا که این اراده‌ها بنای کسب نفع مورد نظر خویش را دارند، به هر قیمت شکاف‌های ساختاری دیگری پیدا کرده و کار خود را انجام خواهند داد. امام خامن‌ای علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «قانون شکن‌های قانون‌دان» یعنی این افراد می‌دانند از کجا حرکت کنند. با توجه به ضعف قانون‌گذاری در کشور؛ ایده پیشگیری ساختاری از جرم اساساً کاری جز جلوگیری از چند فساد آشکار نمی‌تواند انجام دهد و در نهایت جرم زیرزمینی و مخفی خواهد شد. زیرا از آنجا که هر کس به دنبال منافع خویش است.

سخنرانی حجت‌الاسلام کشوری در نشست تبیین نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم در جامعه المصطفی العالمیه ۱۳۹۳/۰۸/۲۵



که در حوزه پیشگیری از جرم مطرح است، نظریه پیشگیری توسعه‌ای^۸ می‌باشد که این نظریه نیز طرفدارانی دارد.^۹ طرفداری‌هایی نیز از نظریه پیشگیری کیفری^{۱۰} می‌شود که البته طرفدار جدی‌ای ندارد و سه نظریه دیگر در کشور غالب هستند.

ما در مقابل این ۴ نظریه - که در حوزه پیشگیری از جرم وجود دارد - نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم را مطرح کرده‌ایم. این نظریه کمک می‌کند تا عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با مسائل قضایی را حل شوند. در واقع مانند باقی مسائلی که در جامعه به وجود می‌آید و ریشه آنها به نگرش‌های غلط و عدم تبیین هدایت و ضلالتی که در جامعه وجود دارد باز می‌گردد، ریشه بنیادین جرم نیز همین مسأله است. ما چگونه می‌توانیم امور منجر به نگرش‌های ایجادکننده‌ی جرم را شناسایی کنیم؟ این مسأله را در نظریه پیشگیری

۸. نگاه دیگری نیز در جامعه وجود دارد که ریشه‌های جرم را به منشأهای روان‌شناختی و نیازهای انسان برمی‌گرداند. طرفداران این دیدگاه معتقدند عامل ایجاد جرم در جامعه و عبور فرد از مرزهای اجتماعی، عدم تأمین نیازهای فرد و در نتیجه انباشت خواسته‌ها در وجود او و بروز فشار روحی و در نتیجه ایجاد عدم تعادل روحی در فرد است. به عنوان مثال انسان به غذا نیاز دارد؛ اگر این انسان مدتی به غذای خوب دسترسی نداشته باشد، در حالت روحی او کشش عجیبی به غذا خوردن به وجود می‌آید. حال اگر چنین شخص گرسنه‌ای، در مقابل یک فروشگاه مواد غذایی قرار گیرد و به لحاظ قانونی از برداشتن غذا منع شده باشد، در اثر بروز فشار روحی به او، مرزهای اجتماعی شکسته خواهد شد. در این دیدگاه منشأ وقوع جرم، عدم تأمین نیازهای فرد معرفی می‌شود.

سخنرانی حجت‌الاسلام کشوری در نشست تبیین نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم در جامعه المصطفی العالمیه ۱۳۹۳/۰۸/۲۵

۹. در این ایده ظاهر مسأله این است که مسأله جرم به صورت زیربنایی تحلیل شده است. معتقدین به این ایده با این بیان که نباید نیازهای انسان انباشت شود؛ معتقدند که تأمین نیازهای انسان، منجر به کاهش انگیزه‌ی انجام جرم می‌گردد. این ایده راه حل پیشنهادی خود را برای مقابله با وقوع جرم مشروط به ایجاد رفاه برای انسان و تأمین نیازهای او از طریق ایجاد اشتغال بواسطه توسعه و گسترش تولید می‌داند. این دیدگاه جرم را به گونه‌ای تحلیل می‌کند، که ذهن مخاطب میان پیشگیری از جرم و ضرورت ایجاد توسعه ارتباط برقرار می‌کند؛ چنانچه ما میان پیشگیری از جرم و تربیت ارتباط برقرار کردیم. پیشگیری توسعه‌ای معتقد است که اگر نیازهای انسان تأمین شود، این انسان از مرزهای اجتماعی عبور نمی‌کند. ظاهر قضیه این است که ایده پیشگیری توسعه‌ای، یک ایده وارداتی به کشور است و ناظر به جرائم مشهودی است که انسان‌ها در حالت عدم تعادل ناشی از گرسنگی و فقدان مسکن و بی‌عدالتی و فاصله‌ی طبقاتی - به وجود آمده در جوامع غربی - انجام می‌دهند. به عنوان مثال در جایی که زلزله آمده عده‌ای به فروشگاه‌ها هجوم می‌آورند و مواد غذایی آن را غارت می‌کنند. زمانی که با آنها صحبت می‌کنند و می‌پرسند که چرا از فروشگاه دزدی کردید؟ در پاسخ فقدان شغل و زندگی و احتیاج به نان شب را بهانه و علت دزدی خود معرفی می‌نمایند. بنابراین کسانی که نظریه‌ی پیشگیری توسعه‌ای از جرم را مطرح می‌کنند، موضوع مورد بحث آنها پیشگیری از بافت محدودی از جرائم است. زیرا نظریه‌ی پیشگیری توسعه‌ای در واقع محدود به بافت جرائمی خاص است. از سوی دیگر معنای اخذ شده از جرم در این نظریه با معنای جرم در فرهنگ اسلامی کاملاً متفاوت است. مفهوم جرم در نظریه پیشگیری توسعه‌ای و فرهنگ اسلامی، اشتراک لفظی است. جرم در نظریه پیشگیری توسعه‌ای شامل جرائم مشهودی مانند سرقت از فروشگاه، ارتکاب قتل به دلایل مالی و... می‌باشد. اما افرادی هستند که علی‌رغم داشتن شغل مناسب، درآمد خوب، غذا، مسکن و لباس مناسب، مرتکب جرائمی می‌شوند که برخاسته از این نیازها نیست؛ به عنوان مثال آیا کسی که در وال استریت حاکم می‌شود و با عوض کردن اوراق قرضه‌ی یک شرکت را ورشکست می‌کند مرتکب جرم شده است یا خیر؟ چرا معتقدین به این نظریه دزدی از فروشگاه را جرم محسوب می‌کنند، اما ورشکسته کردن سهام‌داران یک شرکت بزرگ در این نظریه جرم به حساب نمی‌آید. در تعالیم دینی اسلام تجاوز به حریم خانواده‌ها و شکسته شدن روابط خانوادگی جرم محسوب می‌گردد، در صورت صحیح بودن این تئوری چرا برخی از افراد علی‌رغم تأمین نیازهای مادی خویش، باز هم به حریم خانواده‌ها تعرض می‌کنند؟ بنابراین در این نظریه بافت جرم محدود می‌شود.

سخنرانی حجت‌الاسلام کشوری در نشست تبیین نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم در جامعه المصطفی العالمیه ۱۳۹۳/۰۸/۲۵

۱۰. پیشگیری واکنشی یا کیفری (Penal Prevention) که از نظر مانوی اقدامی پسینی است، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می‌شود. این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد، به دو گونه «پیشگیری واکنشی عام» و «پیشگیری واکنشی خاص» تقسیم می‌شود. پیشگیری واکنشی عام یک پیشگیری واکنشی جمع مدار یا گروه مدار است که با مخاطب قرار دادن شهروندان از طریق رعب انگیزی و عبرت آموزی جمعی، به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است. پیشگیری واکنشی خاص یک پیشگیری واکنشی مجرم مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزهکار و با رعب انگیزی و عبرت آموزی فردی، درصدد پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد است.

نیازپور، امیرحسین؛ حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، ص ۱۷۰-۱۷۲



بنیادین اسلامی از جرم شرح داده‌ایم. در واقع در نهایت اگر قوه قضائیه بر اساس این نظریه عمل کند بخش تصمیم‌سازی این قوه ارتقا پیدا می‌کند. ولی روح بحث این است که ما در این نظریه به تبع از تفکر انبیاء علیهم‌السلام با بنیادهای ایجاد جرم مقابله کرده‌ایم؛ یعنی به نوعی به دنبال تحقق تزکیه در مقیاس یک تمدن و جامعه هستیم. شاید تا به حال وقتی راجع به مفهوم تزکیه صحبت شده در مقیاس یک فرد بوده است؛ یعنی وقتی شما مشارطه، مراقبه و محاسبه^{۱۱} داشته باشید منجر به تزکیه می‌شود. یا اینکه کثرت زیارت منجر به تغییر شاکیله^{۱۲} و تزکیه می‌شود. حرف دوم از حرف اول دقیق‌تر است ولی هر دوی این نظریات در حوزه تزکیه‌ی فردی هستند. ما در نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم تزکیه را در مقیاس یک تمدن و جامعه تئوریزه کرده‌ایم.

حجت‌الاسلام کشوری در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸^{۱۳} در ادامه‌ی این بحث افزودند:

در نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم تغییر نگرش‌های افراد مهمترین عامل وقوع جرم معرفی شده و بر همین مبنا مسیرهای جلوگیری از شکل‌گیری نگرش‌های غلط در جامعه تبیین گردیده است. بر اساس این نظریه مهمترین عامل تغییر نگرش در افراد، اقدامات و برنامه‌های ساختارهای حکومتی است و لذا باید در تنظیم برنامه‌ها جلوی عوامل منفی مؤثر بر نگرش‌های افراد را گرفت. به عنوان مثال همه‌ی عوامل تضعیف‌کننده‌ی نهاد خانواده و همه‌ی سیاست‌های منجر به گسترش مصرف‌گرایی و ... جزئی از عوامل مؤثر بر تغییر نگرش‌ها محسوب می‌شوند.

ایشان در هشتمین جلسه از سلسله جلسات تبیین الگوی حفظ جهت در مدرسه رویش شهر کاشان^{۱۴} به تبیین بیشتر نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم پرداختند:

هنگام ارتباط با گروه هدف - که ممکن است یک قاضی محترم، یا یک همایش یا یک متن کتبی باشد- در سؤال اول خود می‌گوییم: ابتدا باید مشخص کنید که منشأ جرم را چه می‌دانید. آیا منشأ جرم، تربیت و شخصیت انسان است یا پیدایش جرم بریده از تربیت و شخصیت انسان می‌باشد؟ این، مسأله اول است. من فکر می‌کنم از این سؤال به سرعت عبور می‌نماییم. حتماً همه نخبگان اظهار می‌کنند که جرم، ناشی از شخصیت انسان است؛ اینکه تربیت انسان بر چه فرهنگی شکل گرفته باشد، تأثیر زیادی در این امر دارد که انسان مجرم شده و جرم انجام دهد و به اصطلاح خودمان گناه بکند یا مرتکب جرم نشود. این، مسأله اول است.

سؤال دوم ما این است که شخصیت و تربیت انسان در کجا شکل می‌گیرد؟ فکر می‌کنم همه انسان‌ها اگر یک لحظه تأمل کنند پاسخ می‌دهند که شخصیت، در خانواده شکل می‌گیرد. پس خانواده نقش بسیار مهمی در تربیت پیدا کرده است. تربیت نیز نقش بسیار مهمی در وقوع جرم ایفا می‌کند. بنابراین ساختار اولیه‌ی ما

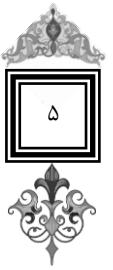
۱۱. مراحل سه‌گانه تزکیه؛ مشارطه یعنی فرد در ابتدای روز با خود شرط کند که گناه انجام نمی‌دهد. مراقبه یعنی در تمام روز مراقب باشد که مرتکب گناه نشود. محاسبه یعنی در پایان روز محاسبه کند که چقدر به شرط خود وفا کرده است.

۱۲. «شاکیله» در اصل، از ماده «شکل» به معنی مهار کردن حیوان است و «شیکال» به خود مهار می‌گویند و از آنجا که روحیات، سجایا و عادات هر انسانی او را مقید به رویه‌ای می‌کند، به آن «شاکیله» می‌گویند و کلمه «اشکله» به سوال‌ها، نیازها و کلیه مسایلی گفته می‌شود که به نوعی انسان را مقید می‌سازد.

مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ج ۱۲، ص ۲۷۳

۱۳. ۱۳۹۴/۰۶/۲۹

۱۴. ۱۳۹۲/۰۱/۳۰



برای کنترل جرم، خانواده است. در اینصورت اگر مشخص کنیم که چه چیزهایی خانواده را تضعیف یا تقویت می‌کنند، به معنای پیشگیری از جرم می‌باشد؛ باید چیزهایی که خانواده را تضعیف می‌کنند تضعیف کنیم و هر آنچه که خانواده را تقویت می‌کند، تقویت نماییم. این، مفهوم پیشگیری است.

حجت‌الاسلام کشوری در گفت‌وگو با ماهنامه کیهان فرهنگی^{۱۵} به تبیین عوامل تضعیف‌کننده‌ی نهاد خانواده پرداختند:

چه چیزی خانواده را تضعیف می‌کند؟ یکی از این عوامل، الگوی آموزش جامعه است. به نظر ما الگوی آموزش ضد خانواده است. به چه بیان؟ به این بیان که فرد مثلاً از سن ۷ سالگی وارد سیستم آموزشی می‌شود و تا وقتی که فارغ‌التحصیل می‌شود بخشی از دوران آموزش او با سن ازدواجش تلاقی می‌کند. پس سیستم آموزشی سن ازدواج را بالا می‌برد. دوران آموزش که تمام شد ۱۰ سال از سن ازدواج او گذشته است. پس سیستم آموزشی خانواده را تضعیف می‌کند؛ این یک عامل تضعیف‌کننده است. البته الگوی آموزش از این حیث هم که افراد را آماده‌ی پذیرش زندگی مشترک نمی‌کند خانواده را تضعیف می‌کند.^{۱۶}

الگوی مصرف هم نهاد خانواده را تضعیف می‌کند. به چه معنا؟ به این معنا که شما پس از سن آموزش تا می‌آید لوازم شروع یک زندگی را تأمین کنید (طبق الگوی مصرف روز جامعه) زمانی را از شما می‌گیرد که این زمان، علت تأخیر در تشکیل نهاد خانواده است. البته نقش الگوی مصرف فقط در تأخیر شروع زندگی نیست بلکه خود زندگی هم که شروع شد پدر و مادر باید هم‌تشان این باشد که این الگوی مصرف را تأمین کنند. تلاش برای تأمین هزینه‌های این الگوی مصرف، نقش پدر و مادری را به نقش‌نان آور مذکر و مؤنث خانه تنزل می‌دهد. الگوی مصرف، هم در شروع زندگی خانوادگی اسلامی و هم در کیفیت آن مانع ایجاد می‌کند. کمترین عارضه‌ی الگوی مصرف انتقال کودکان و تربیت به مهدکودک است.

سومین عامل تضعیف‌کننده خانواده الگوی تولید مدرن است. الگوی تولید جامعه نگاهش به زن این است که زن، نیروی کار است. نگاه به زن بر اساس اولویت‌های الگوی تولید اینطور است! با این وصف انتظار شوهرداری و همچنین مادری انتظاری فرعی هست. البته متغیر اصلی تربیت، مادر است ولی پدر هم متغیر است. به هر حال «تربیت» کار پدر و مادر است ولی کار اختصاصی زن شوهرداری است و اینکه بتواند برای مردش امنیت ایجاد کند و مردش را پایبند خانه کند، خانه بشود محل سکینه؛ یعنی شما از محل کارتان با شوق به خانه بروید و بگویید از سختی‌های روزانه به محل امن می‌روم. این مسأله ریشه سعادت است. اگر خانه‌ها محل‌های امن برای بچه‌ها و پدر و مادر باشند جامعه سعادت می‌یابد ولی وقتی الگوی تولید شما زن را نیروی کار تعریف می‌کند کار شوهرداری و مادری و این جور نقش‌ها کاری فرعی می‌شود. بنابراین هر سه عامل باعث تضعیف نهاد خانواده می‌شوند. نهاد خانواده که تضعیف شد استعداد اجتماعی برای جرم افزایش می‌یابد.

۱۵. شماره ۳۰۱ ماهنامه کیهان فرهنگی - دی‌ماه ۱۳۹۰

۱۶. در آموزش و پرورش فعلی این مسئله را که به پسران بگوییم شما در آینده پدر و همسر یک خانواده خواهید شد و به دختران بگوییم که شما در آینده قرار است مادر و همسر یک خانواده شوید را جدی نمی‌گیریم، به همین دلیل پس از تشکیل خانواده هیچگونه آگاهی نسبت به مسائل و اطلاعات لازم برای تشکیل خانواده را در سیستم آموزش و پرورش کسب نکرده‌اند یا نهایتاً این است که به اندازه‌ای بسیار کم چنین اطلاعاتی را کسب کرده‌اند. در نتیجه این خانواده تازه تشکیل شده دچار مشکلات فراوانی می‌شود از جمله این مشکلات این است که شخصیت فرزندی که در این خانواده شکل می‌گیرند دچار آسیب می‌گردد و همه اذعان دارند یکی از ثمرات و نتایج آسیب‌های شخصیتی در افراد، در هم شکستن مرزهای اجتماعی و ارتکاب جرم می‌باشد.

مناظره حجت‌الاسلام کشوری با مهندس جیت‌چیان در برنامه دو نیم ساعت شبکه خبر مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۰

با این توصیفات چگونه می‌توان از وقوع جرم پیشگیری کرد؟ دبیر شورای راهبردی در گفت‌وگو با پایگاه خبری-تحلیلی ۵۹۸ این سؤال را اینطور پاسخ دادند:



سؤال هفدهم: نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم چه می‌گوید؟

بر اساس این نظریه مؤثرترین راه مقابله با وقوع جرم، مقابله‌ی نرم قوه قضائیه با تغییر زیرساخت‌های فرهنگی از پایگاه برنامه‌ریزی کلان کشور است و برای تحقق این سیاست قوه قضائیه باید بخش تصمیم‌سازی خود را فربه‌تر نماید. بر اساس این نظریه ما در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی پیشنهاد داده‌ایم تا کارشناسان قوه قضائیه به منظور تصمیم‌سازی‌های مرتبط با پیشگیری در همه جلسات مراکز تصمیم‌گیری نظام و از همه مهمتر جلسات کمیسیون‌ها و صحن علنی حضور فعال داشته باشند و با اتخاذ تصمیمات منجر به تخریب زیرساخت‌های فرهنگی به نحو کارشناسی مقابله کنند.^{۱۷} البته اقدامات مرتبط با افزایش تأثیرگذاری قوه قضائیه بر فضای تصمیم‌سازی کشور شامل موارد متعدد دیگری نیز می‌شود که ذکر و پیش‌بینی آن در برنامه ششم ضرورت ندارد.

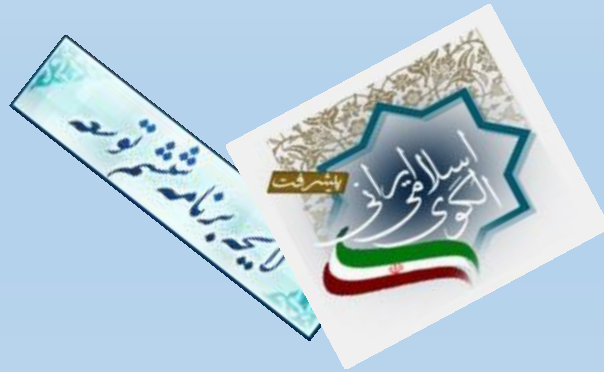
۱۷. بر اساس این نظریه قوه قضائیه به یک نهاد پیش‌گیری تبدیل شده و می‌تواند [تغییر ماهیت داده و] به قوه درجه یک نظام تبدیل شود تا آنجا که در مقام تصمیم‌سازی همه‌ی قوای نظام را به چالش کشیده و نقاط ضعف برنامه‌ریزی‌های آنها را مشخص و واضح نماید. این در حالی است که ورود به مقام تصمیم‌سازی منع قانونی ندارد، زیرا تصمیم‌گیری نمی‌کند، بلکه به لحاظ کارشناسی از غلط یا درست بودن یک تصمیم بحث می‌کند. به عنوان مثال زمانی که از الگوی آموزش فعلی جامعه به عنوان یکی از عوامل تضعیف‌کننده‌ی نهاد خانواده، بحث می‌شود و عدم توانایی الگوی آموزش فعلی جامعه برای آماده‌سازی پسران و دختران برای پذیرش نقش‌های آینده در خانواده برجسته شده و نمایش داده می‌شود؛ قوه قضائیه براساس یک تحلیل صحیح به مسأله ورود پیدا کرده و با تبیین پیشگیری بنیادین از جرم، ضرورت تحول در نظام آموزشی کشور را مطرح نماید. برآیه‌ی تحول در نظام آموزش و پرورش باید نهادینه‌سازی آموزش‌های پشتیبان نهاد خانواده، به نسلی که در آینده تشکیل خانواده می‌دهند، باشد. درست است که تحول در آموزش و پرورش از اختیارات قوه مجریه است، اما قوه قضائیه می‌تواند از پایگاه تصمیم‌سازی برای تحقق پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم به موضوع تحول در نظام آموزش و پرورش ورود پیدا کند.

سخنرانی حجت‌الاسلام کشوری در نشست تبیین نظریه پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم در جامعه المصطفی العالمیه ۱۳۹۳/۰۸/۲۵

امام‌خامنه‌ای دام‌ظله‌العالی:

آماج نفوذ هر چه کسانی هستند؟ عمدتاً نخبگان، عمدتاً افراد مؤثر، عمدتاً تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان، اینها آماج نفوذند؛ اینها هستند که سعی می‌شود روی اینها نفوذ انجام بگیرد

۱۳۹۴/۰۹/۰۴



بررسی سؤالات مرتبط با تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم توسعه

سؤال هجدهم: عدم توازن های حادث فرسنگی کشور کدام است؟

خلاصه جواب: شناسایی ۲۰ عدم توازن فرسنگی حادث پیوست الگوی پیشرفت اسلامی و ارائه ۷ مورد از آنها در قالب حکم برنامه به مجلس شورای اسلامی



بسم الله الرحمن الرحيم

در بحث‌های گذشته بیان کردیم که پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم دارای ۴ نظریه بخشی است که به وسیله آنها می‌توان عدم توازن‌های فرهنگی مرتبط با چهار حوزه را شناسایی کرد. اما سؤالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا در برنامه ششم توسعه در صدد شناسایی، تبیین و رفع تمام عدم توازن‌های فرهنگی هستیم؟ اگر پاسخ منفی است در پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم چند عدم توازن شناسایی شده است؟ پاسخ به این سؤال، ساختار پنجم و ساختار آخر پیوست الگوی پیشرفت اسلامی را تشکیل می‌دهد. دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر^۱ به پاسخ این سؤال پرداختند:

در ساختار پنجم، عدم توازن‌های فرهنگی حاد کشور را بحث کردیم؛ زیرا مبتنی بر این نظریات چهارگانه و حتی نظریات دیگری که در نقشه‌ی راه مطرح است، با مسائل بسیار زیادی روبرو هستیم و در حال حاضر نمی‌توانیم تمام آنها را حل کنیم. برای همین ما مهم‌ترین آنها را انتخاب کرده‌ایم.

حجت‌الاسلام کشوری در نشست تبیین پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم در دانشگاه امام صادق علیه السلام این بحث را اینگونه پیکیری کردند:

ما ۲۰ مسأله را به عنوان عدم توازن بحث کرده‌ایم که از این تعداد، ۷ مورد را به مجلس ارائه داده و در قالب حکم برنامه برای آن راه حل داده‌ایم. اولین مورد از این عدم توازن‌های فرهنگی، برابر بودن قوانین اشتغال بانوان و آقایان در نظام جمهوری اسلامی است. شما از طرفی می‌گویید ما می‌خواهیم هدایت را فربه کنیم ولی همه می‌دانند که تغییر نگرش‌ها، رفتارها و گفتارها، در نهاد خانواده پایه‌گذاری می‌شود. اما با برابر دانستن قوانین اشتغال بانوان و آقایان به سمت هسته‌ای کردن خانواده‌ها^۲ حرکت می‌کنید. پس این یک نامتوازن فرهنگی است. چگونه آن را رفع کنیم؟ در گام اول بایستی قوانین اشتغال بانوان را تغییر دهیم. بعضی‌ها می‌گویند این امر ممکن است برای دولت بار مالی داشته باشد ولی محاسبات ما نشان می‌دهد که این کار، بار مالی نداشته و بلکه سود هم دارد؛ زیرا در حال حاضر که خانواده‌ها دچار فروپاشی شده‌اند دولت چهار نوع خرج می‌کند: ۱. برای کنترل نامنی‌های ناشی از فروپاشی خانواده. ۲. خرج دیگر برای کنترل آثار سوء اجتماعی فروپاشی نهاد خانواده است ۳. هزینه دیگر ما مربوط به آن است که انسان‌های طلاق‌گرفته حال و حوصله‌ی کار کردن ندارند و بهره‌وری آنها پایین است. ۴. هزینه‌ای نیز باید صرف این شود تا افراد طلاق‌گرفته سر حال بیایند و خانواده‌ی مجدد تشکیل دهند. ما در گفت‌وگو با آقای جلیلی به این جمع‌بندی رسیدیم که کشور چهار بار برای کنترل عوارض فروپاشی نهاد خانواده پول خرج می‌کند. خُب آقایان تدبیراً یک بار برای خانواده پول خرج کنید و از ابتدا اجازه ندهید تا نهاد خانواده دچار فروپاشی شود. بنده الآن علی‌المبنای خود آنها [و با محوریت اقتصاد] صحبت می‌کنم. در مجلس صدای آنها بلند شد که اگر قانون

۱. ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

۲. ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

۳. خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است. به طور دقیق‌تر، این نوع خانواده که پس از انقلاب صنعتی رایج شده است، از زن و شوهر و فرزندان ازدواج نکرده تشکیل می‌شود و اعضای این خانواده با هیچ کدام از بستگان دیگر زندگی نمی‌کنند. در خانواده هسته‌ای عموماً پدر یا مادر خانواده و با هر دو، اقتصاد خانه را اداره و تأمین می‌کنند و در مسایل اقتصادی از خانواده پدر خودشان مستقل هستند.

فنادان، منصور و دیگران؛ *جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی)*، تهران، آوای نور، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۵۱



مرخصی زایمان را از ۶ ماه به ۹ ماه ارتقاء دهیم کارفرماهای ما ضرر می‌کنند.^۴ خُب برای رفع این مشکل به کارفرماها یارانه داده و اجازه دهید زن‌ها وقت بیشتری را برای فرزندان و تربیت آنها صرف کنند. در اینصورت هم خود زن‌ها آرام‌تر زندگی می‌کنند و هم برای جامعه فایده بیشتری خواهد داشت. یک‌بار یارانه می‌دهید و در عوض چهار بار خرج نمی‌کنید. اینها قابل محاسبه است؛ شما محاسبه کنید که چند میلیارد تومان برای کنترل عوارض فروپاشی نهاد خانواده خرج می‌کنید؟!

در انتهای این جزوه لایحه پیشنهادی پیوست الگوی پیشرفت اسلامی برای برنامه ششم که به "ماده واحده تثبیت نگاه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظام برنامه‌ریزی کشور" معروف است را ذکر می‌کنیم. این لایحه شامل هفت عدم توازن است که با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی شناسایی و به مجلس پیشنهاد داده شده است.

در راستای تحقق گام اول تغییرات در نظام برنامه‌ریزی کشور مبتنی بر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی - با تاکید بر ده سال گفتمان‌سازی برای تبیین الگوی پیشرفت اسلامی - دستگاه‌ها و سازمان‌های ذیل موظف می‌شوند مأموریت‌های مندرج در ماده واحده تثبیت رویکرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظام برنامه‌ریزی را عملیاتی نموده و گزارش آن را برای بررسی و تکمیل در برنامه هفتم؛ در نیمه اول سال پنجم برنامه در اختیار قوای سه‌گانه و نهادهای مرتبط با الگوی پیشرفت قرار دهند:

الف: برای بهبود فضای حاکم بر نهاد خانواده:

۱. وزارت آموزش و پرورش با همکاری شهرداری‌های مناطق و حمایت‌های وزارت مسکن و شهرسازی موظف هستند به منظور تقویت ماهیت محلات و تقویت نهاد خانواده رویکرد تمرکز مدارس در محلات را دنبال نمایند.

۲. وزارت آموزش و پرورش مکلف است به منظور تقویت سلول بنیادین جامعه اسلامی آموزش‌ها و مهارت‌های مرتبط با نهاد خانواده را در تمام پایه‌ها گسترش دهد.

تبصره: تدوین کتب آموزشی مربوطه و برگزاری کارگاه‌های آموزشی در این زمینه با هماهنگی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم انجام شود.

۳. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است به منظور تقویت نقش و حضور بانوان در نهاد خانواده نسبت به تغییر قوانین اشتغال بانوان و آسان‌سازی این قوانین اقدام نماید و لایحه مربوط به قوانین اشتغال بانوان را تا پایان سال دوم برنامه برای تصویب به مجلس تقدیم نماید.

۴. عضو هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس تأکید کرد: اشکال دوم عدم اجرای این قانون این است که بخش خصوصی و دستگاه‌های غیر دولتی به راحتی از اجرای آن سر باز می‌زنند و از سوی دیگر امنیت شغلی زنان شاغل با اجرای آن زیر سؤال می‌رود بطوریکه پس از بازگشت از مرخصی مشخص نیست که می‌توانند در شغل قبلی خود مشغول به کار شوند و اینکه فردی جای آنها را نگرفته باشد و در مجموع تضمینی برای بازگشت به شغل ندارد و همین موضوع باعث می‌شود که زنان شاغل نیز خود تمایلی برای استفاده از قانون افزایش مرخصی زایمان نداشته باشند.

گفت‌گویی محمداسماعیل سعیدی عضو هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی با خبرگزاری مهر: <http://www.mehrnews.com/news/2534232>



ب: برای تحقق پیش‌گیری بنیادین اسلامی از جرم:

۴. قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران موظف است برای جلوگیری از ایجاد و گسترش جرم از مجرای برنامه‌ها و قوانین مصوب با همکاری قوه مقننه؛ زمینه حضور کارشناسان حوزه پیشگیری از جرم را در جلسات کمیسیون‌ها و صحن علنی مجلس فراهم آورد.

۵. قوه قضائیه جمهوری اسلامی موظف است به منظور گسترش فضای تصمیم‌سازی مبتنی بر پیشگیری بنیادین اسلامی از جرم به صورت فصلی در مورد زمینه‌های ساختاری، فرهنگی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی وقوع جرم گزارش‌های راهبردی تفصیلی را منتشر نماید.

ج: برای مقابله با فضای ترجمه‌گرایی در تدوین پایان نامه‌ها:

۶. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی موظف است به منظور ارائه راه‌حل‌های علمی برای مسائل مرحله دولت‌سازی اسلامی مرکز شناسایی، تفاهم و حمایت از نظام مسائل این مرحله را -با تأکید بر استفاده از مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی- ایجاد نماید.

د: برای گسترش مقاومت اقتصادی:

۷. سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف است به منظور حل مشکلات معیشتی مردم و مقاوم‌سازی اقتصاد حداکثر تا ظرفیت ۱۰۰۰ خانوار به ایجاد محله‌های وقفی اقدام نماید.

تبصره: طراحی محله‌ها و معماری آنها باید از اصول الگوی پیشرفت اسلامی تبعیت نماید.

تذکر:

مأموریت‌های تعریف شده در ماده واحده تثبیت رویکرد الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی در نظام برنامه‌ریزی کشور؛ با هدف رفع تدریجی عدم توازن‌های حاد فرهنگی در کشور تعریف شده‌اند و به استناد اسناد پشتیبان این ماده واحده؛ شناسایی، تبیین و رفع عدم توازن‌های فرهنگی نقطه آغاز بسط دولت اسلامی در همه بخش‌ها محسوب می‌شود.

ضام

ضمیمه اول: سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر روحانی

رئیس‌جمهور محترم

با سلام و تحیت،

اینک که در آستانه‌ی ماه‌های آغازین دهه‌ی دوم چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور قرار داریم، سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی ششم توسعه ابلاغ می‌گردد.

این مجموعه پس از بررسی‌های فراوان و مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و بر پایه‌ی محورهای سه‌گانه‌ی «اقتصاد مقاومتی»، «پیشنازی در عرصه‌ی علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» تنظیم شده است.

اتکاء بر توانایی‌های انسانی و طبیعی و امکانات داخلی و فرصت‌های وسیع برآمده از زیرساخت‌های موجود در کشور و بهره‌گیری از مدیریت جهادی و روحیه‌ی انقلابی و تکیه بر اولویت‌های اساسی آمده در سیاست‌های کلی: «اصل ۴۴»، «اقتصاد مقاومتی»، «علم و فناوری»، «نظام اداری» و «جمعیت» و از همه بالاتر توکل به قدرت لایزال الهی می‌تواند ما را به‌رغم تمایل و اراده‌ی دشمنان عنود، با تحقق اهداف برنامه‌ی ششم در ارائه‌ی الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه‌ی پیشرفت که به‌کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است، یاری رساند.

در تدوین این سیاست‌ها تلاش شده است با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در صحنه‌ی داخلی و خارجی، مجموعه‌ای به عنوان سیاست‌های کلی که مبنای تنظیم قانون پنج‌ساله‌ی ششم خواهد بود، تعیین شود که در یک دوره‌ی پنج‌ساله کاملاً دست‌یافتنی باشد.

مراقبت و دقت نظر جناب عالی و سایر مسئولان در قوای سه‌گانه و نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، اطمینان لازم را برای حُسن اجرای این سیاست‌ها در مراحل تنظیم و اجرای برنامه، تأمین خواهد کرد.

لازم است قدردانی خود را از تلاش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیأت دولت، دبیرخانه‌ی مجمع و کارشناسان فعال و همکار در این مجموعه‌ها و سایر دست‌اندرکاران تنظیم و تدوین این سیاست‌ها در روند جدید، ابراز دارم.

نسخه‌ای از این سیاست‌ها هم‌زمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌گردد.

سیدعلی خامنه‌ای

۹/ تیرماه/ ۱۳۹۴

امور اقتصادی

۱. رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا به‌گونه‌ای که با بسیج همه‌ی امکانات و ظرفیت‌های کشور، متوسط رشد ۸ درصد در طول برنامه محقق شود.
۲. بهبود مستمر فضای کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها.
۳. مشارکت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی با ایفای نقش ملی و فراملی آنها در تحقق اقتصاد مقاومتی.
۴. توسعه‌ی پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه‌ای کشور به‌ویژه با کشورهای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، تبدیل شدن به قطب تجاری و ترانزیتی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت در چارچوب بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.
۵. گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و افزایش سهم مؤثر بازار سرمایه در جهت توسعه‌ی سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور با تأکید بر ارتقاء شفافیت و سلامت نظام مالی.
۶. تأمین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط به‌وسیله‌ی نظام بانکی.
۷. ارتقاء کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابزارهای آن (بازارهای رقابتی، بیمه‌ی اتکایی و...) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی به‌منظور توسعه‌ی سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور.
۸. جذب سرمایه‌ی ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی با ایجاد انگیزه و مشوق‌های لازم.
۹. اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیرمتشکل پولی و مالی در جهت ارتقاء شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات.
۱۰. تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه‌ی عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده‌ی اقتصادی» و دائمی شدن اساسنامه‌ی صندوق توسعه‌ی ملی با تنفیذ اساسنامه‌ی موجود و واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه‌ی ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن.
- ۱۰-۱. استقلال مدیریت حساب‌ها از بانک مرکزی.
- ۱۰-۲. ارائه‌ی تسهیلات از منابع صندوق توسعه‌ی ملی به بخش‌های غیردولتی به‌صورت ارزی.
- ۱۰-۳. استقلال مصارف صندوق توسعه‌ی ملی از تکالیف بودجه‌ای و قوانین عادی.
- ۱۰-۴. سپرده‌گذاری ارزی حداکثر ۲۰ درصد از منابع ورودی صندوق، نزد بانک‌های عامل در قبال اخذ خط اعتباری ریالی از بانک‌های مذکور برای ارائه‌ی تسهیلات ریالی به بخش کشاورزی، صنایع کوچک و متوسط و تعاونی با معرفی صندوق توسعه‌ی ملی.
۱۱. تکمیل زنجیره‌ی ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی.
۱۲. حمایت از تأسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه‌ی میادین نفت و گاز کشور به ویژه میادین مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴.

۱۳. افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و کوچک‌مقیاس.
۱۴. تحقق کامل هدف‌مندی سازی بارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
۱۵. واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه‌ی میادین نفت و تأسیسات صنعت نفت به مردم.
۱۶. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره‌ی ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه‌ی تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی).
۱۷. دانش‌بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی.
۱۸. افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاه‌های نفت و گاز.
۱۹. تقسیم کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استان‌ها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست‌های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید ثروت ملی و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته و روستایی.
۲۰. اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه‌ی روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق مهاجرت به مناطق روستایی و عشایری (کانون تولید و ارزش‌آفرینی) با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، تعیین سهم واقعی در توزیع منابع و ارتقاء شأن و منزلت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و حمایت‌های ویژه از فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی مزیت‌دار بومی و مقاوم‌سازی تأسیسات و زیرساخت‌ها و اماکن روستایی با تأکید بر بند ۹ سیاست‌های کلی کشاورزی.
۲۱. توسعه‌ی اقتصاد دریایی جنوب کشور در محور چابهار - خرمشهر با تأکید بر سواحل مکران.
۲۲. برنامه‌ریزی برای دستیابی به ضریب جینی ۰/۳۴.
۲۳. توسعه‌ی بازارهای دریایی و ایجاد مناطق مهم اقتصادی در زمینه‌های دارای مزیت.
۲۴. اولویت‌بخش ریلی در توسعه‌ی حمل‌ونقل و ایجاد مزیت رقابتی برای آن.
۲۵. توسعه‌ی حمل‌ونقل ریلی باری با اولویت تجهیز شبکه و پایانه‌های باری و اتصال شبکه به مراکز بزرگ اقتصادی، تجاری و صنعتی و مبادی ورودی و خروجی مهم کشور و شبکه‌های ریلی منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه کریدور شمال - جنوب با هدف توسعه‌ی صادرات و ترانزیت بار.
۲۶. افزایش نرخ رشد ارزش افزوده‌ی بخش‌های صنعت، معدن و صنایع معدنی و افزایش صادرات محصولات آن با اجرای سیاست‌های کلی صنعت و معدن.
۲۷. دانش‌بنیان نمودن شیوه‌ی تولید و محصولات صنعتی و خدمات وابسته به آن، نشان‌سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان.
۲۸. اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها.

۲۹. اولویت دادن به تأمین مواد مورد نیاز صنایع داخلی کشور با تأکید بر تکمیل ظرفیت زنجیره‌ی ارزش افزوده‌ی مواد معدنی و اجرای بند ۳ سیاست‌های کلی معدن.

۳۰. تدوین و اجرای سند جامع و نقشه‌ی راه تحول نظام استانداردسازی کشور و مدیریت کیفیت.

۳۱. استقرار نظام جامع و کارآمد آمار و اطلاعات کشور.

-امور فناوری اطلاعات و ارتباطات

۳۲- کسب جایگاه برتر منطقه در توسعه‌ی دولت الکترونیک در بستر شبکه‌ی ملی اطلاعات.

۳۳. توسعه‌ی محتوا در فضای مجازی بر اساس نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور تا حداقل پنج برابر وضعیت کنونی و بومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی.

۳۴. ایجاد، تکمیل و توسعه‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات و تأمین امنیت آن، تسلط بر دروازه‌های ورودی و خروجی فضای مجازی و پالایش هوشمند آن و ساماندهی، احراز هویت و تحول در شاخص ترافیکی شبکه به طوری که ۵۰ درصد آن داخلی باشد.

۳۵. بهره‌گیری از موقعیت ممتاز کشور با هدف تبدیل ایران به مرکز تبادلات پستی و ترافیکی ارتباطات و اطلاعات منطقه و گسترش حضور در بازارهای بین‌المللی.

۳۶. حضور مؤثر و هدفمند در تعاملات بین‌المللی فضای مجازی.

۳۷. افزایش سهم سرمایه‌گذاری زیرساختی در حوزه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات تا رسیدن به سطح کشورهای برتر منطقه.

۳۸. توسعه‌ی فناوری فضایی با طراحی، ساخت، آزمون، پرتاب و بهره‌برداری از سامانه‌های فضایی و حفظ و بهره‌برداری حداکثری از نقاط مداری کشور.

امور اجتماعی

۳۹. ارتقاء سلامت اداری و اقتصادی و مبارزه با فساد در این عرصه با تدوین راهبرد ملی مبارزه با فساد و تصویب قوانین مربوط.

۴۰. استقرار نظام جامع، یکپارچه، شفاف، کارآمد و چندلایه‌ی تأمین اجتماعی کشور.

۴۱. توانمندسازی و خوداتکائی اقشار و گروه‌های محروم در برنامه‌های مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی.

۴۲. ارتقاء کیفیت و اصلاح ساختار بیمه‌های تأمین اجتماعی پایه (شامل بیمه‌ی درمان، بازنشستگی، ازکارافتادگی و...) برای آحاد مردم.

۴۳. اجرای سیاست‌های کلی سلامت با تصویب قوانین و مقررات لازم با تأکید بر:

۱-۴۳. تهیه‌ی پیوست سلامت برای قوانین مرتبط و طرح‌های کلان توسعه‌ای.

۲-۴۳. اصلاح ساختار نظام سلامت بر اساس بند ۷ سیاست‌های کلی سلامت.

۳-۴۳. تأمین منابع مالی پایدار برای بخش سلامت و توسعه‌ی کمی و کیفی بیمه‌های سلامت.

۴-۴۳. افزایش و بهبود کیفیت و ایمنی خدمات و مراقبت‌های جامع و یکپارچه‌ی سلامت در قالب شبکه‌ی بهداشتی و درمانی منطبق بر نظام سطح‌بندی و ارجاع.

۴۴. توسعه‌ی تربیت‌بدنی و ورزش همگانی.

۴۵. فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت.

۴۶. تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه‌ی عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده‌ی آنان.

۴۷. اولویت دادن به ایثارگران انقلاب اسلامی در تسهیلات مالی و فرصت‌ها و امکانات و مسئولیت‌های دولتی در صحنه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی.

۴۸. هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا و بازآفرینی و روزآمدسازی معماری اسلامی - ایرانی.

۴۹. سامان‌بخشی مناطق حاشیه‌نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری‌های عمومی ناشی از آن.

۵۰. توسعه‌ی پایدار صنعت ایرانگردی به‌گونه‌ای که ایرانگردهای خارجی تا پایان برنامه‌ی ششم به حداقل پنج برابر افزایش یابد.

۵۱. حمایت از صنایع دستی و صیانت از میراث فرهنگی کشور.

امور دفاعی و امنیتی

۵۲. افزایش توان دفاعی در تراز قدرت منطقه‌ای در جهت تأمین منافع و امنیت ملی با تخصیص حداقل ۵ درصد بودجه‌ی عمومی کشور برای بنیه‌ی دفاعی.

۵۳. ارتقاء توان بازدارندگی کشور با:

۱-۵۳. توسعه‌ی توان موشکی و فناوری‌ها و ظرفیت تولید سلاح‌ها و تجهیزات عمده‌ی دفاعی برترساز با توان بازدارندگی و متناسب با انواع تهدیدات.

۲-۵۳. گسترش هوشمندانه و مصون‌سازی پدافند غیرعامل با اجرای کامل پدافند غیرعامل در مراکز حیاتی و حساس کشور.

۳-۵۳. افزایش ظرفیت‌های قدرت نرم و دفاع سایبری و تأمین پدافند و امنیت سایبری برای زیرساخت‌های کشور در چارچوب سیاست‌های کلی مصوب.

۵۴. تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان.

۵۵. تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی با انسداد کامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، توسعه و تقویت یگان‌های مرزبانی، مشارکت‌دهی مرزنشینان در طرح‌های امنیتی، توسعه‌ی فعالیت‌های اطلاعاتی و تقویت دیپلماسی مرزی.

۵۶. برنامه‌ریزی برای کاهش جرم و جنایت با هدف کاهش ۱۰ درصدی سالانه‌ی مصادیق مهم آن.

۵۷. مبارزه‌ی همه‌جانبه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در چارچوب سیاست‌های کلی ابلاغی و مدیریت مصرف با هدف کاهش ۲۵ درصدی اعتیاد تا پایان برنامه.

۵۸. پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز از مبادی ورودی تا محل عرضه‌ی آن در بازار.

امور سیاست خارجی

۵۹. حفظ و افزودن بر دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه‌ی آسیای جنوب غربی.

۶۰. اولویت دادن به دیپلماسی اقتصادی با هدف توسعه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به فناوری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و سند چشم‌انداز.

۶۱. توسعه‌ی کمی و کیفی رسانه‌های فرامرزی با زبان‌های رایج بین‌المللی.

۶۲. ایجاد زمینه‌های لازم در جهت جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور در توسعه‌ی ملی و تأثیر بر سیاست‌های نظام سلطه در دفاع از منافع ملی.
۶۳. بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی.

امور حقوقی و قضایی

۶۴. بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرائم.
۶۵. بهبود بخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها.
۶۶. حمایت قضائی مؤثر در تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادها به منظور توسعه‌ی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی.
۶۷. توسعه‌ی ثبت رسمی اسناد و املاک و مالکیت‌های معنوی و ثبت رسمی مالکیت‌های دولت و مردم بر املاک و اراضی کشور در نظام کاداستر و گسترش فناوری‌های نوین در ارائه‌ی خدمات ثبتی.

امور فرهنگی

۶۸. تلاش شایسته برای تبیین ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دستاوردهای جمهوری اسلامی.
۶۹. ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و فرهنگ‌سازی درباره‌ی اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی.
۷۰. اجرای نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور و تهیه‌ی پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم.
۷۱. حمایت مادی و معنوی از هنرمندان، نوآوران، محققان و تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی و هنری مقوم اخلاق، فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی.
۷۲. حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به منظور توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی - ایرانی و مقابله با تهدیدات.
۷۳. توجه ویژه به توسعه و تجلی مفاهیم، نمادها و شاخص‌های هویت اسلامی - ایرانی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

امور علم، فناوری و نوآوری

۷۴. دستیابی به رتبه‌ی اول منطقه در علم و فناوری و تثبیت آن با اهتمام به تحقق سیاست‌های کلی علم و فناوری.
۷۵. اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تأکید بر دوران تحصیلی کودکی و نوجوانی.
۷۶. افزایش سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزشی کشور.
۷۷. توسعه‌ی علوم پایه و تحقیقات بنیادی، نظریه‌پردازی و نوآوری در چارچوب سیاست‌های کلی علم و فناوری و نقشه‌ی جامع علمی کشور.
- ۷۷-۱. ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد.
- ۷۷-۲. تحول و ارتقاء علوم انسانی به‌ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی.

۷۸. تنظیم رابطه‌ی متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب‌سازی سطوح و رشته‌های تحصیلی با نقشه‌ی جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال.

۷۹. گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام‌بخش در حوزه‌ی علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه جهان اسلام و توسعه‌ی تجارت و صادرات محصولات دانش‌بنیان.

۸۰. توسعه و ساماندهی نظام ملی نوآوری و حمایت از پژوهش‌های مسأله‌محور و تجاری‌سازی پژوهش و نوآوری، و توسعه‌ی نظام جامع تأمین مالی در جهت پاسخ به نیاز اقتصاد دانش‌بنیان.

ضمیمه دوم: یادداشت دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۱۴

تأملی در محورهای "فرهنگ بنیان" سیاست های ابلاغی برنامه ششم/چرا رهبر معظم انقلاب تحقق اهداف برنامه ششم را زمینه‌سازی برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی می‌دانند؟

بسم الله الرحمن الرحيم

نهم تیرماه سال جاری سیاست‌های کلی برنامه ششم، توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی به جناب آقای روحانی رئیس محترم دولت یازدهم ابلاغ گردید. معظم له در مقدمه این سیاست ها تأکید فرمودند که ساختار اصلی این بسته سیاستی شامل سه محور «اقتصاد مقاومتی»، «پیشتازی در عرصه‌ی علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» است و همچنین تأکید فرمودند تحقق اهداف برنامه ششم به ارائه‌ی الگوئی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه‌ی پیشرفت - که به کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است - کمک می‌کند.

اما چرا رهبر معظم انقلاب اسلامی تحقق اهداف برنامه ششم توسعه را زمینه‌ساز تحقق الگوی پیشرفت اسلامی دانستند؟ و کدام محورها در سیاست های برنامه ششم با هدف کمک به برآمدن الگوی اسلامی تدوین شده است؟ نظر به اینکه هدف اصلی این بسته ی سیاستی از نظر ایشان زمینه‌سازی برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی است؛ بازخوانی این بسته سیاستی؛ با تأکید بر محورهای مرتبط با الگوی پیشرفت اسلامی؛ می‌تواند به یافتن پاسخ سؤالات مطرح شده و بالتبع تدوین دقیق‌تر برنامه ششم مبتنی بر این سیاست‌ها کمک رساند.

قبل از باز خوانی اجمالی این سیاست‌ها؛ باید توجه شود که از منظر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی، هر سیاستی در هر بخشی (حتی در بخش اقتصاد)؛ که انگیزه اصلی از تدوین آن استقلال یا اعتلای فرهنگ اسلامی ایرانی به صورت بنیادی باشد؛ داخل در محورهای مرتبط با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است.

سیاست‌های کلی برنامه‌ی ششم توسعه دارای ۸۰ بند و شامل سرفصل‌های: «اقتصادی»، «فناوری اطلاعات و ارتباطات»، «اجتماعی»، «دفاعی و امنیتی»، «سیاست خارجی»، «حقوقی و قضایی»، «فرهنگی» و «علم، فناوری و نوآوری» است؛ که از هر بخش، مهمترین بندها از منظر مفاهیم الگوی پیشرفت اسلامی را مورد باز خوانی قرار می‌دهیم.

در سیاست‌های مربوط به بخش اقتصاد؛ اجرای بندهای ۳ و ۴ و ۱۰ و ۱۴ و ۲۲ منجر به آغاز بازسازی "فرهنگ بنیان" در بخش اقتصاد خواهد شد. موضوع بند ۳ سیاست‌های برنامه ششم؛ مشارکت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی در تحقق اقتصاد مقاومتی است. اهمیت این بند آنگاه واضح می‌شود؛ که به آثار سوء فرهنگی محوریت‌یافتن بخش خصوصی -مانند تبعیت بافت مصرف از سود صاحبان بنگاه‌ها- توجه نماییم. به عبارت بهتر گسترش نقش نهادهای عمومی غیر دولتی در حوزه اقتصاد از تمرکز اقتصاد در بخش خصوصی می‌کاهد و البته این نهادها با توجه به وضعیت تقابل جامعه اسلامی با نظام استکبار و اهمیت جایگاهشان در تأمین نیازهای عمومی به مشکل انگیزه مدیریتی در بخش دولتی مبتلا نمی‌شوند.

موضوع بند ۴ سیاست‌های برنامه ششم؛ توسعه‌ی پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه‌ای کشور به ویژه با کشورهای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، تبدیل شدن به قطب تجاری و ترانزیتی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت در چارچوب بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. تحقق این بند می‌تواند وابستگی‌های منطقه‌ای را افزایش دهد و این خود باعث کاهش دخالت‌های نظام استکبار در منطقه - به هر میزان - خواهد شد. همچنین مواردی مانند انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت به کاهش سیطره ارز واسط در مبادلات می‌انجامد؛ که فواید فرهنگی و سیاسی آن قابل انکار نیست.

موضوع بند ۱۰ سیاست‌های برنامه ششم؛ تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه‌ی عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده‌ی اقتصادی» است. تحقق این بند - که از محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی است - علاوه بر کاهش وابستگی اقتصادی؛ روحیه "ما می‌توانیم" را در ملت ایران بیش از پیش افزایش می‌دهد؛ که این مورد هم - به دلیل فواید فرهنگی استقلال اقتصادی - نوعی بازسازی اقتصاد به محوریت فرهنگ محسوب می‌شود. موضوع بندهای ۱۴ و ۲۲؛ گسترش عدالت اجتماعی است؛ که این فقره؛ مهمترین میوه‌ی فرهنگی بخش اقتصاد محسوب می‌شود. همانطور که تأکید کردیم؛ موارد فوق الذکر از سیاست‌های برنامه ششم؛ همگی به استقلال و اعتلای فرهنگی کشور از پایگاه اقتصاد کمک می‌رساند.

در بخش مربوط به سیاست‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات تقریباً همه بندها با دغدغه‌ی صیانت و اعتلای فرهنگی تنظیم شده است. به عنوان مثال موضوع بند ۳۲ از سیاست‌های برنامه ششم؛ کسب جایگاه برتر منطقه در توسعه‌ی دولت الکترونیک در بستر شبکه‌ی ملی اطلاعات است؛ که دغدغه تحقق شبکه ملی اطلاعات از بنیاد، دغدغه‌ی فرهنگی است. همچنین موضوع بند ۳۳ از سیاست‌های برنامه ششم؛ توسعه‌ی محتوا در فضای مجازی بر اساس نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور تا حداقل پنج برابر وضعیت کنونی و بومی‌سازی شبکه‌های اجتماعی است.

در بخش مربوط به سیاست‌های اجتماعی؛ تدوین راهبرد ملی مبارزه با فساد (موضوع بند ۳۹)، فرهنگ‌سازی و ایجاد زمینه‌ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست‌های کلی جمعیت (موضوع بند ۴۵)، تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه‌ی عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده‌ی آنان. (موضوع بند ۴۶) به صورت مستقیم از زیر ساخت‌های فرهنگ و الگوی پیشرفت اسلامی محسوب می‌شوند.

در بخش مربوط به سیاست‌های دفاعی و امنیتی؛ تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان (موضوع بند ۵۴)، برنامه‌ریزی برای کاهش جرم و جنایت با هدف کاهش ۱۰ درصدی سالانه‌ی مصادیق مهم آن (موضوع بند ۵۶)، گسترش هوشمندانه و مصون‌سازی پدافند غیرعامل با اجرای کامل پدافند غیرعامل در مراکز حیاتی و حساس کشور (موضوع تبصره ۲ از بند ۵۳)؛ همگی ماهیت فرهنگی دارند.

در بخش مربوط به امور سیاست خارجی؛ حفظ و افزودن بر دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (موضوع بند ۵۹) و توسعه‌ی کمی و کیفی رسانه‌های فرامرزی با زبان‌های رایج بین‌المللی (موضوع بند ۶۱) و بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی (موضوع بند ۶۳) مسائلی با ماهیت فرهنگی محسوب می‌شوند.

در بخش مربوط به امور حقوقی و قضائی تحقق بند ۶۴ (بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرائم)، و تحقق بند ۶۵ (بهبود بخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها) و در بخش مربوط به امور علمی و فناوری تحقق بندهای ۷۵ (اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تأکید بر دوران تحصیلی کودکی و نوجوانی) و تبصره ۲ از بند ۷۷ (تحول و ارتقاء علوم انسانی به ویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی) و بالآخره تحقق همه بندهای مربوط به سیاست‌های بخش فرهنگی به تعدیل کلان جامعه حول بخش فرهنگ - که موضوع برنامه‌های الگوی پیشرفت اسلامی است - مدد می‌رساند.

در پایان تذکر این نکته ضروری می‌نماید؛ که گفتمان‌سازی و مطالبه به محوریت بندهای فرهنگی فوق‌الذکر به تدریج ذهنیت‌های اقتصادمحور (۱) در نظام برنامه‌ریزی کشور را با منافع تدبیرهای فرهنگ‌بنیان آشنا تر خواهد نمود. بعون الله تبارک و تعالی.

پی نوشت:

(۱) مسأله‌ی دیگر، نگاه غیرمادی به اقتصاد است. بسیاری از این مشکلاتی که در دنیا پیش آمده، به خاطر نگاه مادی به مسأله‌ی اقتصاد و مسأله‌ی پول و مسأله‌ی ثروت است. همه‌ی این چیزهایی که دوستان از انحراف‌های غرب و مشکلات فراوان و مسأله‌ی استثمار و استعمار و اینها ذکر کردند، به خاطر این است که به پول و به ثروت نگاه ماده‌گرایانه وجود داشته. می‌توان این نگاه را تصحیح کرد.

بخشی از بیانات آیت الله امام خامنه‌ای علیه السلام در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹/۰۹/۱۰

مقدمه سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله ششم

“


این مجموعه پس از بررسی‌های فراوان و مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و بر پایه‌ی محورهای سه‌گانه‌ی «اقتصاد مقاومتی»، «پیشسازی در عرصه‌ی علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» تنظیم شده است. اتکاء بر توانایی‌های انسانی و طبیعی و امکانات داخلی و فرصت‌های وسیع برآمده از زیرساخت‌های موجود در کشور و بهره‌گیری از مدیریت جهادی و روحیه‌ی انقلابی و تکیه بر اولویت‌های اساسی آمده در سیاست‌های کلی: «اصل ۴۴»، «اقتصاد مقاومتی»، «علم و فناوری»، «نظام اداری» و «جمعیت» و از همه بالاتر توکل به قدرت لایزال الهی می‌تواند ما را به‌رغم تمایل و اراده‌ی دشمنان عنود، با تحقق اهداف برنامه‌ی ششم در ارائه‌ی الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه‌ی پیشرفت که به‌کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است، یاری رساند. در تدوین این سیاست‌ها تلاش شده است با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در صحنه‌ی داخلی و خارجی، مجموعه‌ی ای به‌عنوان سیاست‌های کلی که مبنای تنظیم قانون پنج‌ساله‌ی ششم خواهد بود، تعیین شود که در یک دوره‌ی پنج‌ساله کاملاً دست‌یافتنی باشد. مراقبت و دقت نظر جناب‌عالی و سایر مسئولان در قوای سه‌گانه و نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، اطمینان لازم را برای حُسن اجرای این سیاست‌ها در مراحل تنظیم و اجرای برنامه، تأمین خواهد کرد...

سیدعلی خامنه‌ای

۹/ تیرماه / ۱۳۹۴



* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسان نقشه راه nro-di.blog.ir 

کانال "الگو 4" در پیام‌رسان ایتا [@olgou4](https://t.me/olgou4) 